



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

اسرار  
مقدس

# خورشید پنهان

## از منظر قرآن

تهیه و تنظیم معاونت پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام  
محمود ابابری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# خورشید پنهان از منظر قرآن

نویسنده:

محمود اباذری

ناشر چاپی:

مرغ سلیمان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	خورشید پنهان از منظر قرآن
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۲	فهرست
۱۷	پیشگفتار
۱۹	بخش اول: مباحث مقدماتی
۱۹	اشاره
۲۰	ضرورت شناخت ولیّ خداوند
۲۱	بهترین مرجع شناخت حجّت خداوند
۲۴	جامعیت قرآن
۲۶	ظهور و بطن قرآن
۲۶	اشاره
۲۹	تفسیر و تأویل
۲۹	اشاره
۳۰	۱- توجیه متشابه
۳۰	۲- معنا و مفهوم کلی آیه
۳۱	۳- تحقق خارجی معنای آیه
۳۲	۴- معنای ثانوی آیه
۳۳	نقش اهل بیت علیهم السلام در تبیین قرآن
۳۴	شیوه های معرفی افراد در قرآن
۳۴	علت عدم تصریح به نام حضرت در قرآن
۳۷	شیوه های بررسی آیات مهدویت
۳۸	انواع آیات مهدویت

۳۸	رابطه بین قران و امام
۴۳	بخش دّوم: بررسی آیات
۴۳	آیات ناظر به وجود حجّت خداوند در هر زمان
۴۳	اشاره
۴۴	صاحب شب قدر
۴۴	اشاره
۴۵	۱- استمرار شب قدر تا قیامت
۴۶	۲- نزول امر سال در شب قدر هر سال
۴۶	۳- لزوم نزول روح و فرشتگان بر کسی
۴۶	۴- ویژگی های کسی که میزبان و صاحب شب قدر است
۵۱	هادی زمان
۵۶	آیات ناظر به غیبت امام زمان
۵۶	اشاره
۵۷	ماء معین
۶۳	حجّت غائب
۶۶	آیات ناظر به وظائف منتظران
۶۶	اشاره
۶۷	هشدار به منتظرانِ خاتم الاوصیاء
۷۱	مرزبانی از مرزهای جغرافیائی، اعتقادی بویژه امامت و مهدویت
۷۴	آیات ناظر به ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام
۷۴	اشاره
۷۵	بقیه الله
۷۸	نعمت پنهان
۸۳	مضطّر
۸۵	آیات ناظر به ظهور و حکومت واحد جهانی
۸۵	اشاره

- ۸۶ ..... حاکمیت جهانی اسلام
- ۸۶ ..... اشاره
- ۹۰ ..... نتیجه این که تفسیر صحیح آیه همان قول سوم است
- ۹۵ ..... پیشوائی مستضعفان
- ۹۵ ..... اشاره
- ۹۸ ..... سنت قطعی و مستمر الهی
- ۱۰۱ ..... حکومت جهانی صالحان
- ۱۰۶ ..... خلافت صالحان
- ۱۱۲ ..... آیات ناظر به هدف از ظهور و وضعیت جهان پس از آن
- ۱۱۲ ..... اشاره
- ۱۱۳ ..... سر سبزی و حیات دوباره عالم
- ۱۱۷ ..... امدادهای غیبی هنگام ظهور
- ۱۱۹ ..... فرصت تا کی؟
- ۱۲۴ ..... عصر ظهور
- ۱۲۴ ..... اشاره
- ۱۲۵ ..... سوره مبارک عصر
- ۱۳۳ ..... آیات ناظر به رجعت
- ۱۳۳ ..... اشاره
- ۱۳۴ ..... زنده شدن گروهی از هر امتی
- ۱۳۶ ..... استدلال بر وقوع رجعت با آیات دالّ بر رجعت در اقوام گذشته
- ۱۴۰ ..... آیات تبیینی
- ۱۴۰ ..... اشاره
- ۱۴۱ ..... تعریف :
- ۱۴۱ ..... اشاره
- ۱۴۱ ..... ۱- آثار و برکات وجودی امام غائب
- ۱۴۲ ..... ۲- خطر إرتداد هنگام ظهور و لزوم آمادگی در دوران إنتظار

۱۴۲	۳ - تسلیم محض حجت خداوند بودن
۱۴۴	۴ - عمر طولانی و محال نبودن آن
۱۴۵	۵ - جوان ماندن امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۱۴۸	بخش ضمایم
۱۴۸	اشاره
۱۴۹	ضمیمه شماره ۱: امامت در یک نگاه
۱۶۱	ضمیمه شماره ۲: دلایل عقلی وجود حجت در هر زمان
۱۷۱	ضمیمه شماره ۳: خلاصه ای تیتراژ گونه راجع به رجعت
۱۸۰	ضمیمه شماره ۴: پاداش منتظران و ارزش ایمان در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۸۳	ضمیمه شماره ۵: فهرست تعدادی از آیات مهدویت
۱۸۶	ضمیمه شماره ۶: فهرست برخی از منابع آیات مهدویت
۱۸۸	خود آزمایی
۱۹۳	منابع و ماخذ
۱۹۹	درباره مرکز



عنوان و نام پدیدآور: خورشید پنهان از منظر قرآن/محمود اباذری - تهیه و تنظیم معاونت پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام (استان اصفهان).

مشخصات نشر: اصفهان: مرغ سلیمان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص.؛ ۱۹/۵×۹ س م.

شابک: ۱۶۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۸-۷-۷۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۳.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت

موضوع: مهدویت - انتظار

موضوع: مهدویت - پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) اصفهان

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴ خ ۸۷ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۵۰۸۲۵

ص: ۱

اشاره

خورشید پنهان از منظر قرآن

محمود اباذری

ص: ٢

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ۳

تقدیم به:

شافعه روز جزا

فاطمه ثانی

کریمه اهل بیت

حضرت فاطمه معصومه صلوات الله و سلامه علیها

## فهرست

پیشگفتار.....	
بخش اوّل: مباحث مقدماتی.....	
ضرورت شناختِ ولیّ خداوند.....	
بهترین مرجع شناخت.....	
جامعیت قران.....	
ظهر، بطن، تفسیر و تاویل.....	
نقش معصومین علیهم السلام در تبیین قران.....	
شیوه های بیان در قران.....	
علت عدم تصریح به نام حضرت.....	
شیوه های بررسی آیات مهدویت.....	
انواع آیات.....	
رابطه قران و امام.....	
بخش دوّم: بررسی آیات.....	
وجود حجّت خداوند در هر زمان.....	
آیه ۴ سوره قدر.....	
آیه ۷ سوره رعد.....	
غیبت حجّت خداوند.....	
آیه ۳۰ سوره ملک.....	

آیه ۳ سوره بقره.....

وظائف منتظران.....

آیه ۱۶ سوره حدید.....

آیه ۲۰۰ سوره آل عمران.....

ویژگی های خاص حضرت مهدی.....

ص: ۵

آیه ۸۶ سوره هود.....

آیه ۲۰ سوره لقمان.....

آیه ۶۲ سوره نمل.....

ظهور و حکومت واحد جهانی.....

آیه ۳۲ و ۳۳ سوره توبه (۲۸ سوره فتح و ۸ و ۹ سوره صف).....

آیه ۵ سوره قصص.....

آیه ۱۰۵ سوره انبیاء.....

آیه ۵۵ سوره نور.....

هدف از ظهور، وضعیت جهان پس از آن و امدادهای غیبی و.....

آیه ۱۷ سوره حدید.....

آیه ۲۱۰ سوره بقره.....

آیه ۱۵۸ سوره انعام.....

عصر ظهور.....

سوره مبارکه عصر.....

رجعت.....

آیه ۸۳ سوره نمل.....

آیات دال بر رجعت در اقوام گذشته.....

آیات تبیینی.....

تعریف.....

آثار و برکات وجودی امام غائب.....

تسلیم محضِ حجتِ خداوند بودن.....

خطر ارتداد هنگام ظهور.....

طول عمر.....

جوان ماندنِ حضرت.....

بخش ضمائم.....

ضمیمه ۱ امامت و مهدویت در یک نگاه.....

ضمیمه ۲ ادله عقلی وجود حجّت در هر زمان.....

ضمیمه ۳ رجعت در یک نگاه.....

ضمیمه ۴ پاداش منتظران و ارزش ایمان در عصر غیبت

ضمیمه ۵ فهرست تعدادی از آیات مهدویت با سیر موضوعی.....

ضمیمه ۶ فهرست تعدادی از منابع آیات مهدویت.....

خودآزمایی.....

منابع و ماخذ.....



## پیشگفتار

آن چه که پیش روی شماست تلاشی است در جهت شناخت «ربیع الانام»<sup>(۱)</sup> از منظر «ربیع القلوب»<sup>(۲)</sup> تا دل های ما با نور و نسیم این معرفت بهاری گردد.

شروع این نوشتار به سال ۱۳۸۳ برمی گردد سپس بعد از بارها تدریس این موضوع، مجموعه ای حدود ۴۰ صفحه ای شکل گرفت که تا کنون بیش از ۳۰۰۰ نسخه از آن به عنوان جزوه درس تکثیر شده است تا این که نهایتاً در رمضان المبارک ۱۴۳۴ با دعوت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه تهران جهت تدریس آیات مهدویت؛ فرصتی برای بازبینی و تکمیل آن فراهم شد. به امید آن که این اثر ناچیز مورد قبول ولی نعمت‌مان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

در این جا ذکر چند نکته را لازم می دانم:

۱- هدف از این نوشتار جمع آوری همه آیات یا موضوعات مهدوی از منظر قرآن نبوده است بلکه با توجه به این که قرآن نقشه ی راه زندگی و تبیان و روشنگر هر حقیقتی است سعی شده است که از این منظر، امام زمانمان را و وظیفه ای که در برابر حضرتش داریم بشناسیم و با نگاه کاربردی راهکاری را که این معجزه جاویدان به منتظران «خورشید هدایت» ارائه می دهد بیابیم.

در حقیقت سه هدف از این نوشتار مد نظر می باشد:

الف: دفاع از اندیشه ناب مهدویت و اثبات اصالت آن

ب: تبیین و تعمیق معارف مهدویت برای منتظران

ج: دستیابی به معرفتی صحیح و عمیق

۱- یکی از القاب امام زمان علیه السلام به معنای بهار مخلوقات... «السَّلَامُ عَلَی رَبِّیْعِ الْأَنَامِ...» (بحار الأنوار ج: ۹۹ ص: ۱۰۱ و مفاتیح الجنان، بخش اعمال سرداب، زیارت «السلام علی الحق الجدید...»)

۲- مراد، قرآن است که بهار دل هاست «و تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ» فرازی از خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه

۲- متن آیات و روایات و برخی از مباحث در پاورقی ذکر شده تا اصل متن برای مخاطبِ عام خسته کننده نباشد و از طرفی امکان استفاده بیشتر برای مخاطبِ خاص فراهم شود.

۳- آیاتِ منتخب در این نوشتار با سیر موضوعی به صورت ذیل، ارائه شده است:

وجود حَجَّتِ حَىّ در هر زمان، حَجَّتِ حَىّ غائب، وظیفه ما در دوران غیبت، ویژگی های او، پایان یافتن دوران غیبت و تحقق دوران ظهور، مباحث مربوط به بعد از ظهور، رجعت و نهایتاً مباحث مهدویت از منظر قرآن از نگاهی دیگر تحت عنوان آیات تبیینی.

نکته دیگر این که در هر بخش برای رعایت اختصار، به ذکر دو یا سه آیه به عنوان نمونه اکتفاء شده است.

۴- برای قسمت هایی که نیاز به مباحث تکمیلی داشت بخشی به عنوان ضمیمه در پایان کتاب قرار داده شده است تا در صورت نیاز به آن مراجعه شود.

۴- هر گونه سؤال، پیشنهاد یا انتقاد خود را می توانید از طریق پست الکترونیک [abazari14@gmail.com](mailto:abazari14@gmail.com) در میان بگذارید.

رمضان المبارک ۱۴۳۴

ص: ۹

بخش اول: مباحث مقدماتی

اشاره

## ضرورت شناخت ولی خداوند

دوران غیبت، دوران یتیمی و دوران حیرت و سرگردانی است. (۱) دورانی که خطر ارتداد و ربوده شدن دین و اعتقاد (۲)، همه را تهدید می کند. چگونه می توان از این آسیب ها رهائی یافت؟

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «و اما در دوره دیگر غیبت (کبری) بیشتر کسانی که معتقد به حضرت قائم هستند از این امر (اعتقاد به ولایت و امامت حضرت) دست بر می دارند پس احدی (در دوران غیبت) ثابت قدم نمی ماند مگر کسی که یقینش قوی و شناختش (نسبت به ولایت و امامت حضرت قائم) صحیح باشد و نسبت به آن چه که ما حکم می کنیم ناراحتی نداشته باشد و تسلیم و فرمانبردار ما اهل بیت باشد.» (۳)

به راستی چگونه می توان به چنین سرمایه ارزشمندی دست یافت و صاحب یقینی قوی و شناختی صحیح شد؟

با بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نزول وحی، مجدداً راهی به سوی شناخت و حیانتی حقایق گشوده شد خداوند متعال می فرماید:

۱- امام حسن عسکری از پدران بزرگوار خود از رسول خدا نقل می کند که حضرت فرمودند: «سخت تر از یتیمی یتیمی که پدر خود را از دست داده است یتیمی یتیمی است که از امام خود جدا شده است و دسترسی به او ندارد.» بحار الأنوار ج: ۲ ص ۲: ۲ ن. ک کمال الدین ج ۱ باب ۲۶ ح ۱۴

۲- امام حسین می فرمایند: «برای او (حضرت مهدی) غیبتی است که اقوامی در این دوران (از دین) برمی گردند» ج: ۵۱ ص: ۱۳۳ کمال الدین ج ۱ باب ۳۰ ح ۳ و بحار ج ۵۱، ص ۱۳۳ ر. ک کافی ج ۱ ص ۳۳۵ کتاب الحججه باب فی الغیبه. چندین روایت در این رابطه وجود دارد.

۳- عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ قَالَ: «... وَأَمَّا الْآخَرَى فَيَطُولُ أَمَدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يُثَبِّتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَّ يَقِينُهُ وَصِيحَتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلِّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» کمال الدین ج ۱ باب ۳۱ ح ۸ - بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۳۴

« همان گونه که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را بر شما می خواند و شما را [از پلیدی جهل و شرک] پاک می سازد و کتاب و فرزاندگی و آنچه هرگز نمی توانستید بدانید، به شما می آموزد(۱)».

موضوع آینده بشریت مسأله ای است که از دیر زمان ذهن بشر را به خود مشغول نموده است بویژه این که وضعیت فعلی جهان و ظلم فراگیر، آینده را در هاله ای از ابهام فرو برده است و از سوی کارشناسان نظریه های متفاوت و نا امید کننده ای ارائه می شود اما قرآن کریم با قاطعیت هر چه تمام از آینده ای سرسبز و درخشان خبر می دهد که صلح و صفا جای ستیزه جوئی و عدالت جای ظلم و تباهی را می گیرد و از جامعه واحد جهانی گزارش می دهد که همه زیر لوای توحید و عبودیت خالصانه جمع خواهند شد و عدالت فراگیر و همه جانبه، عالم را حیات واقعی خواهد بخشید.

برای شناخت هر چه بهتر این حقیقت، به بررسی آیاتی که ناظر به این موضوع می باشد می پردازیم اما قبل از آن لازم است مباحثی به عنوان مقدمه مطرح گردد:

### بهترین مرجع شناخت حجت خداوند

قرآن معجزه جاویدان، نسخه شفاء، نقشه راه چگونه بودن و زیستن، نامه بشارت و رحمت، روشنگر هر حقیقت با جامعیتی بی نظیر، حقی که باطل در آن راه ندارد و مورد اتفاق تمام فرق مسلمان است.(۲)

کتابی است که هرگز نظیری به خود ندیده و نخواهد دید لذا چنین کتابی، بهترین و مطمئن ترین مرجع شناخت حجت خداوند متعال محسوب می شود.

حضرت محمد؛ خاتم رسولان و دین اسلام آخرین و کاملترین دین می باشد لذا معجزه او هم بر همین اساس متفاوت و ابدی است و در طول قرون و اعصار تا روز قیامت دعوت به مبارز و همتا نموده که اصطلاحاً آن را «تحدی» می گویند.

۱- - بقره ۲: ۱۵۱

۲- مراجعه کنید به سوره نحل آیه ۶۴ و ۸۹، یونس آیه ۵۷، اسراء آیه ۸۲ به بعد، فصلت آیه ۴۲ به بعد و تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۰ مقدمه دوم.

دعوت به مبارزه با آوردن کتابی همانند قرآن یا ده سوره مثل آن یا سوره ای همانند آن و یا سخنی همسنگ این کلام (۱).

ولی بعد از گذشت هزار و اندی سال علی رغم تلاش های فروان هرگز کسی نتوانسته حتی جمله ای همانند قرآن بیاورد. (۲)

موضوع اعجاز قرآن، با اشاره به چند نکته مورد تاکید قرار داده می شود:

الف: تحدی قرآن فقط در مورد فصاحت و بلاغت نیست بلکه مطلق است و همه عرصه ها را در بر می گیرد و مخاطب آن تمام افراد بشر می باشند لذا مرحوم علامه طباطبائی می فرماید:

«بنا بر این قرآن کریم هم معجزیست در بلاغت، برای بلیغ ترین بلغاء و هم آیتی است فصیح، برای فصیح ترین فصحاء و هم خارق العاده ایست برای حکماء در حکمتش، و هم سرشارترین گنجینه علمی است معجزه آسا، برای علماء و هم اجتماعی ترین قانونی است معجزه آسا، برای قانون، و سیاستی است بدیع، و بی سابقه برای سیاستمداران و حکومتی است معجزه، برای حکام، و خلاصه معجزه ایست برای همه عالمیان، در حقایقی که راهی برای کشف آن ندارند، مانند امور غیبی، و اختلاف در حکم، و علم و بیان.» (۳)

ب: با این که قرآن در مورد علوم طبیعی و ماوراء طبیعی اظهار نظر نموده آن هم در زمانی که جهل شرق و غرب عالم را در بر گرفته بود، حال با گذشت هزار و اندی سال از نزول قرآن و با این پیشرفت شگفت انگیز علمی بشر هرگز ثابت نشده است که مطلبی از مطالب قرآن باطل یا لا اقل ناقص بوده است و این همان کلام حق تعالی است که فرمود: «هیچ گونه باطلی از پیش رو و از پشت سر در آن راه ندارد، (این قرآن) از طرف خداوند فرزانه و ستوده نازل شده است.» (۴)

۱- سوره اسراء ۱۷: ۸۸ هود ۱۱: ۱۳ و ۱۴ بقره ۲: ۲۳ و ۲۴ یونس ۱۰: ۳۸ طور ۵۲: ۳۴

۲- به عنوان نمونه به ماجرای که در کتاب احتجاج مرحوم طبرسی راجع به تلاش یک ساله ابو شاکر دیصانی و یاران زندیقش در نقض قرآن و آوردن کلامی هم‌تای آن انجام دادند و اقرار آنان به این که این کلام از جنس کلام بشر نیست، مراجعه نمایید. احتجاج ج ۲ ص ۳۷۷ بخش احتجاج امام صادق.

۳- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۹۵ ذیل آیه ۲۳ و ۲۴ سوره بقره

۴- «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» فصلت ۴۱: ۴۲

ج: تحقق دقیق و صددرصد پیشگویی های قران و اخبار غیبی آن (۱) از طرفی و دقیق بودن بیانات تاریخی و شرح سرگذشت اقوام و ملل گذشته (۲) از طرف دیگر، خود شاهد صدقی است بر حقانیت و اعجاز قران.

د: قران در گسترده ترین سطح، بشر را دعوت به تفکر و تعقل و تحقیق و ژرف اندیشی نموده است - که شرح آن در تفسیر آیه بیست سوره لقمان خواهد آمد- اگر صاحب این کلام ذره ای در حقانیت خود و حق بودن کلامش شک داشت هرگز بشر را دعوت به چنین امری نمی نمود و اصلاً ماهیت این اعجاز از سنخ علم و معرفت می باشد.

نکته جالب توجه این که هر چه بشر در مسیر علم و معرفت گام های بلند تری بر می دارد بر عظمت قران بیشتر و اقف می شود و اعجاز آن را بهتر درک می کند و علماء و دانشمندان بیش از دیگران از این سفره وحیانی بهره می برند (۳).

ه: فرق بین معجزه و سایر امور خارق العاده مثل سحر و کهنات یا کارهایی که مرتاض ها و امثال آنان انجام می دهند این است که گر چه هر دو مستند به اسبابی هستند که برای عموم بشر و غیر متخصصین قابل لمس نیست ولی این تفاوت اساسی را دارد که در مورد قسم دوم دیگران هم می توانند با کسب آن تخصص، همانند آن را بیاورند مثلاً- با تحمل ریاضت های شدید همان کارهایی را که مرتاض ها انجام می دهند انجام دهند اما در مورد معجزه هرگز چنین امری امکان پذیر نیست و احدی تا به حال نتوانسته و در آینده هم نخواهد توانست کاری را که انبیاء عظیم الشان الهی به عنوان معجزه انجام دادند از جمله کتابی همانند قران را بیاورند. (۴)

و: نکته ی آخر این که خداوند متعال بر اساس رحمت و واسع خود هر از چند گاهی برای توجه دادن بشر به این حقیقت و اتمام حجت بر آنان روزنه هایی از غیب را نشان می دهد تا شاید ایمان

۱- مراجعه کنید به آیات ابتدای سوره روم و قصص آیه ۸۵ و فتح آیه ۲۷ و....

۲- در سوره یوسف بعد از بیان آنچه که واقع شده می فرماید: «این از خبرهای غیب است که به تو وحی می فرستیم! تو

(هرگز) نزد آنها نبودی هنگامی که تصمیم می گرفتند و نقشه می کشیدند» یوسف ۱۲: ۱۰۲

۳- کتب و مقالات متعددی با موضوع قرآن از دیدگاه دانشمندان جهان نوشته شده است.

۴- مراجعه کنید به تفسیر المیزان ج ۱ ص ۸۰ ذیل آیه ۲۳ و ۲۴ سوره بقره.

مردم به این کتاب آسمانی بیشتر گردد ماجرای کربلائی کاظم (۱) و دکتر هفت ساله یعنی جناب آقای محمد حسین طباطبائی (۲) از این نمونه است (۳).

## جامعیت قرآن

قرآن مجید خود را این گونه خود را معرفی می کند:

«و قرآن را بر تو نازل کردیم که بیان هر امر و هدایت و رحمت و بشارت برای افرادی که [در قبال خدا] تسلیمند می باشد» (۴)

«تبیان» مثل «بیان» و «تبیین» مصدر است و در این جا به معنای «مبیین» یعنی روشنگر می باشد

و به کاربردن مصدر به جای اسم فاعل در چنین مواردی بیانگر نهایت مبالغه و تاکید است مثل: «عَلَّيْ عَدْلٌ» به جای تعبیر «عَلَّيْ عَادِلٌ» یا این که در بیان شدت نیازمان به خداوند متعال، بگوییم «ما فقیریم» به جای تعبیر «ما فقیریم».

در نتیجه تعبیر «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» به معنای این است که قرآن در نهایت روشنگری برای هر چیزی است و به عبارت دیگر قرآن خورشید فروزانی است که جهل و تاریکی را می زداید و همه حقایق را روشن می سازد.

مرحوم علامه طباطبائی می فرماید:

«بر اساس روایاتی که در مورد ویژگی قرآن وارد شده است - که می فرماید: قرآن علم مربوط به گذشته و حال و هر آن چه که تا روز قیامت است را در بر دارد (۵) - به نظر می رسد تبیان بودن

۱- ر ک کتاب فیض روح القدس در شرح حال مرحوم کربلائی کاظم

۲- ر ک کتاب خاطراتی از دکتر هفت ساله نوشته آقای اصغر جدائی

۳- برای مطالعه بیشتر در مورد اعجاز قرآن مراجعه نمایید به کتب علوم قرآنی و همچنین تفاسیر از جمله تفسیر المیزان و نمونه ذیل آیه ۲۳ و ۲۴ سوره بقره

۴- « وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ » نحل ۱۶:۸۹

۵- کافی ج ۱ ص ۶۱ کتاب فضل العلم باب الردّ الی الکتاب و السنه، ح ۸ و تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۰ و ۴۱ مقدمه دوم و ششم



قرآن اعمّ از دلالت لفظی است و اشارات قرآنی را نیز که فراتر از دلالت لفظی است در بر می گیرد. (۱)

مؤید این سخن بیان نورانی امام حسین است که می فرماید:

«کتاب خداوند بر چهار چیز است عبارت و اشاره و لطائف و حقائق. اما عبارت برای عموم مردم و اشاره برای خواص و لطائف برای اولیاء و حقائق برای انبیاء می باشد. (۲)

نتیجه این که بر اساس این آیه شریفه، قرآن از نظر کمی و کیفی دارای جامعیتی بی نظیر است و هر آن چه که در راستای هدایت بشر و از خواسته های واقعی او باشد را در بر دارد از جمله مسائل فردی، اجتماعی، سیاسی، قضائی، اعتقادی، اخلاقی، علمی و...

و یکی از جنبه های اعجاز آن نیز همین نکته می باشد.

در آیه ای دیگر، تأکید بیشتری بر جامعیت قرآن شده است می فرماید:

«ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم» (۳)

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۲ ص ۳۲۵

۲- قَالَ الْحَسِيُّ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا (در برخی از منابع این روایت از امام صادق نقل شده است شاید دلیل آن اشتراک کنیه «اباعبدالله» برای هر دو امام باشد) كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ. (بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۰)

۳- «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» انعام ۶ : ۳۸ دو نکته ادبی، این جامعیت را مورد تأکید ویژه قرار می دهد: ۱- «شئ» نکره است و در سیاق نفی (ما) واقع شده است و مفید عموم است. ۲- «مِنْ» زائده معنی را مورد تأکید قرار می دهد. نکته دیگر این که «الکتاب» در این آیه طبق قرائن موجود در قبل و بعد آیه و همین طور روایات متعددی که به برخی از آن ها در متن و پاورقی اشاره شده است به معنای «قرآن» می باشد (براساس آیه ۴۴ سوره نحل برای تبیین آیات به بیان رسول خدا و پس از آن طبق واقعه غدیر به بیان سایر معصومین باید مراجعه نمایم).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم می فرمایند: «آگاه باشید من در میان شما کتاب خداوند را به جای می گذارم که در آن نور و هدایت و بیان است و خداوند هیچ چیزی را در آن فرو گذار نکرده است» (۱)

## ظهر و بطن قرآن

### اشاره

اما این جامعیت در پرتو ظاهر و باطن قرآن است لذا برای دست یافتن به شناختی عمیق و دقیق از طریق قرآن باید هر دو عرصه را مد نظر داشته باشیم بویژه این که بخش عظیمی از معارف مهدویت در بطن قرآن مطرح شده است.

«ظهر» یک اصطلاح است و مقصود از آن، معنایی است که از الفاظ آیات به کمک علم تفسیر بیان می شود و مقصود از آن، معنای بدوی و ابتدائی که از آیات به ذهن می رسد نیست.

کما این که مراد از «بطن» معارفی است که صاحب این سخن در دل این آیات قرار داده است و از دید ما پنهان است. (۲)

۱- « أَلَمْأَقَدْ خَلَفْتُ فِيكُمْ كِتَابَ اللَّهِ فِيهِ النُّورُ وَ الْهُدَى وَ الْبَيِّنَاتُ مَا فَرَطَ اللَّهُ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ حُجَّهَ اللَّهُ لِي عَلَيْكُمْ » بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۴۸۶ باب ۱- وصیته ص عند قرب وفاته در کتاب شریف کافی نیز در روایتی از امام رضا علیه السلام جامعیت قرآن مورد تاکید قرار گرفته است: « إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ ص حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ ۚ بَيَّنَّ فِيهِ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًا فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ - مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ۚ » کافی ج ۱ ص ۱۹۸ کتاب الحجّه باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته و نهج البلاغه خطبه ۱۸ « ... وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ۚ - وَ فِيهِ تَبَيَّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ ۚ - وَ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصِدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا - وَ أَنَّهُ لَمَّا اخْتَلَفَ فِيهِ - فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ - لَوْجِدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا - وَ إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ - لَمَّا تَفَنَّى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي غَرَائِبَهُ » همچنین مراجعه کنید به تفسیر صافی ج ۱ مقدمه ۲ و ۶

۲- ممکن است کسی سؤال کند به چه دلیل قرآن بطن دارد؟ پاسخ آن این است که قطع نظر از دلایل نقلی که در این رابطه وجود دارد- از طرفی قرآن تصریح بر جامعیت خود دارد و از طرف دیگر وقتی به قرآن مراجعه می کنیم بسیاری از مسائل را نمی بینیم! کما این که بعد از رحلت پیامبر خدا موضوعات جدیدی در جامعه اسلامی مطرح شد و با مراجعه به قرآن پاسخی برای آن نیافتند. این امر از دو حال خارج نیست یا این که جامعیت قرآن را زیر سؤال ببریم که هرگز هیچ موحدی نمی تواند چنین چیزی را معتقد شود زیرا خداوند متعال را زیر سؤال برده است یا این که بپذیریم که معارف قرآن به آن چه که ما می بینیم و می فهمیم ختم نمی شود بلکه معارف عظیمی در دل خود دارد که از دید و نظر ما پنهان است و روایات متعددی این حقیقت را تایید و تاکید می نماید. (مراجعه کنید به مقدمات دوازده گانه در ابتدای تفسیر صافی بویژه مقدمه هشتم) سؤال: چرا خداوند متعال برای قرآن بطن قرار داده است و به عبارت دیگر چرا بخش عمدهای از معارف را از دسترس ما دور نگه داشته است؟! (در این جا بعد از پذیرش اصل وجود بطن برای قرآن، سؤال از فلسفه و سر وجود بطن برای قرآن است) پاسخ: به دلیل

جامعیت قرآن و «تبیانا لكل شیء» بودن آن، به همین جهت اگر همه معارف قرآن در ظهر آن می آمد قرآن میلیونها جلد می شد کما این که مولا علی علیه السلام برای ابن عباس از تفسیر بسم الله بیان می نمود شب سحر شد هنوز از باء آن عبور نکرده بود آن گاه فرمود: «لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ أَرْبَعِينَ بَعِيرًا مِنْ شَرْحِ بِسْمِ اللَّهِ» (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۰، ص: ۱۸۶) اگر بخواهم بار چهل شتر را از شرح بسم الله فراهم می کنم و در جای دیگر بر پایان ناپذیر بودن معارف آن تاکید می نماید و می فرماید: «وَلَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ» (کافی ج ۲، ص: ۵۹۹ کتاب فضل القرآن ح ۲) در حالی که حکمت خداوند حکیم بر این تعلق گرفته است که قرآن در یک جلد باشد تا امکان راه یابی آن به همه خانه ها فراهم شود و مردم آن را حفظ کنند و پیوسته اصول و کلیات آن را به خاطر سپرده و مرور نمایند. از طرف دیگر باز به دلیل جامعیت قرآن چاره ای جز قرار دادن بطون برای آیات نبود زیرا قرآن برای همه سطوح مطلب دارد طبعا اگر همه این معارف در دسترس همه بود افرادی که از ظرفیت و فهم پائین تری بر خوردارند نمی توانستند معارف سطح بالاتر را درک کنند و چه بسا آن را انکار می نمودند این جمله معروف است که اباذر با آن عظمت و درجه از ایمان که داشت اگر می دانست در دل سلمان چه می گذرد او را می کشت زیرا تحمل درک آن را نداشت «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ذُكِرَتِ التَّقِيَّةُ يَوْمًا عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ وَاللَّهِ لَوْ عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَاتَلَهُ وَ لَقَدْ آخَى رَسُولُ اللَّهِ ص بَيْنَهُمَا فَمَا ظَنُّكُمْ بِسَائِرِ الْخَلْقِ إِنَّ عِلْمَ الْعُلَمَاءِ صِغَبٌ مُسْتَضِيءٌ لَا يَخْتَمِلُهُ إِلَّا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلَكٌ مُقْرَبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ» (کافی، ج ۱، ص: ۴۰۱) و اصلا خود خداوند رسولانش را مأمور ساخته تا در بیان معارف سطح فهم مردم را در نظر داشته باشند قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انا معاشر الأنبياء أمرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم» (شرح أصول الكافي (صدرا)، ج ۱، ص: ۵۳۹) پس قطعاً خود خداوند در بیان معارف این نکته را مد نظر داشته است. راه دست یابی به این بطون چیست؟ به دو جهت تنها راه دست یابی به این بطون بیان معصوم است: ۱- اگر شرط عصمت نباشد هرگز اطمینان پیدا نمی کنیم که آن چه که بیان می شود همان چیزی است که صاحب این کلام در نظر داشته است و هر کسی هر ادعایی را می توانست مطرح کند و به قرآن نسبت دهد آن گاه بگوید این مطلب در بطن قرآن است!!؟ ۲- علم به معارفی که در بطون آیات در نظر گرفته شده است لدنی است و به جهت ماهیت و کیفیت و کمیت فقط معصوم است که می تواند ظرفیت تحمل آن را داشته باشد و منحصرأ کسی از آن خبر دارد که خداوند متعال او را آگاه ساخته است و او کسی نیست جز پیامبر خدا سپس ایشان به فرمان الهی جانشینان معصوم خود را از آن آگاه نمود. (مراجعه کنید به کتاب کافی کتاب الحجج ابوابی که در مورد علم اهل بیت علیهم السلام است.) اکنون راز حدیث ثقلین بر همگان آشکار می گردد که چرا پیامبر خدا بارها و بارها بر همراهی قرآن و عترت تاکید نمود و فرمود «انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا کتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»



فریقین از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که فرمودند :

« ما من القرآن آیه إلا و لها ظهراً و بطناً (۱) »

« هیچ آیه ای از قرآن نیست مگر این که ظاهری دارد و باطنی »

علم تفسیر ناظر به ظاهر و علم تأویل ناظر به باطن آیات می باشد اما چون این دو اصطلاح دارای معانی متعددی است لازم است توضیحی گذرا در مورد آن داشته باشیم.

### تفسیر و تأویل

### اشاره

---

۱- - بصائر الدرجات ، محمد بن حسن صفار ص ۲۱۶ - تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۱ مقدمه مؤلف - مصباح البلاغه ، میر جهانی ج ۴ ص ۲۴۰ و اما از منابع اهل سنت کنز العمال ج ۱ ص ۳۰۸ ح ۲۴۶۱ - ابن منظور هم در کتاب خود لسان العرب به بیان تفسیرهای مختلفی که علمای اهل سنت از این روایت داشته اند پرداخته است. برای آشنائی با ظاهر و بطن قرآن مراجعه کنید به بحار الانوار ج ۸۹ ص ۷۸ باب ۸ انّ للقرآن ظهراً و بطناً - المیزان ج ۳ ص ۴۴ ذیل آیه ۷ سوره آل عمران - تلخیص التمهید ج ۱ ص ۴۶۱ - تفسیر صافی ج ۱ مقدمه ۸

تفسیر آیات قران، به معنای (۱) «برده برداشتن از مقصود و مدلول آیات قران است که با بهره گیری از چندین علم (۲) از جمله ادبیات عرب، فهمیده می شود.»

تأویل از ریشه اول و به معنای باز گرداندن است (۳) و در اصطلاح به معانی متعددی آمده است: (۴)

### ۱- توجیه متشابه

باز گرداندن معنای متشابه به معنایی معقول و مورد نظر خداوند، با استفاده از خود آیات، روایات و عقل را تأویل آیه می گویند .

این اصطلاح در آیه ۷ سوره مبارکه آل عمران آمده است و مربوط به آیات متشابه می باشد در واقع این تأویل به معنای تفسیر صحیح و معنای درست آیات متشابه می باشد.

مثل آیه «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» که معنای ظاهری «ید» مراد نیست بلکه «ید» کنایه از قدرت می باشد .

### ۲- معنا و مفهوم کلی آیه

به بیان نورانی امام محمد باقر علیه السلام « اگر این گونه بود که وقتی آیه ای در مورد قومی نازل می شد وقتی آن قوم از دنیا می رفتند آیه هم ( به خاطر منتفی شدن موضوعش) می مرد در

۱- تعریف های متفاوت برای تفسیر و تأویل را می توانید در کتب علوم قرآنی و مقدمه تفاسیر پیگیری نمایید از جمله مقدمه تفسیر المیزان و همچنین کتاب تلخیص التمهید ص ۴۶۱. و کتاب روش شناسی تفسیر قرآن نوشته جمعی از محققان.

۲- علومى مثل: لغت، صرف، نحو، معانى، بدیع، بیان، اصول فقه، تاریخ، منطق

۳- «التأویل من الأول، أى: الرجوع إلى الأصل، و منه: المَوْئِلُ للموضع الذى يرجع إليه، و ذلك هو ردّ الشىء إلى الغايه المراده منه، علما كان أو فعلا» مفردات راغب ص ۹۹ ذیل واژه «اول»

۴- تلخیص التمهید ص ۴۶۱ به بعد. نکته: گاهی تأویل به معنای تفسیر است اما به جهت استعمال بسیار کم است اشاره ای به آن نشد.

این صورت چیزی از قران باقی نمی ماند ولی قران تا زمانی که آسمانها و زمین باقی است در جریان و حرکت است و در هر زمان مصداقی برای خود دارد» (۱)

به تعبیر دیگر آیات قران تنزیلی دارد و تأویلی، مصداقی که آیه به خاطر آن نازل شده است را «تنزیل» آیه و به تعبیر دیگر شأن نزول، و سایر مصداقی آیه تا روز قیامت که از نظر حقیقت همانند شأن نزول است را «تأویل» آن می گویند. (۲)

مثل آیه ۵ قصص که تنزیل آن قوم حضرت موسی علیه السلام و تأویل آن سایر مظلومان و مستضعفانی هستند که در طول تاریخ بر ظالمان پیروز شده اند و مصداق کامل آن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

### ۳- تحقق خارجی معنای آیه

وقتی قران از آینده خبر می دهد تحقق خارجی آن را تأویل آیه می گویند ذیل بسیاری از آیات مهدویت این تعبیر به چشم می خورد مثل آیه آخر سوره ملک که امام باقر می فرماید: «به خدا قسم تاویل آن نیامده است و قطعاً خواهد آمد»

این آیه در سال ۲۶۰ه با غائب شدن امام زمان تاویل شد یعنی این پیشگویی واقع گردید.

امام صادق علیه السلام ذیل آیه ۳۳ توبه می فرماید: «به خدا قسم هنوز تاویل آن نیامده است» (۳)

۱- « وَ لَوْ أَنَّ الْأَمِّيَّةَ إِذَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَيَاتِ أَوْلِيَّكَ الْقَوْمِ مَيَاتِ الْأَيَّةِ لَمَا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ مَيَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ آيَةٌ يَتْلُونَهَا هُمْ مِنْهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ » بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۱۱۵ باب ۱۲- انواع آیات القرآن و ناسخها ح ۴ «عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَا مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَفَقَالَ ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُلَّمَا جَاءَ تَأْوِيلَ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأَمْوَاتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ قَالَ اللَّهُ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ نَحْنُ نَعْلَمُهُ » بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۹۷ باب ۸- أن للقرآن ظهراً و بطناً ح ۶۴ نکته: ظاهراً اصطلاح «جری و تطبیق» که در تفسیر المیزان زیاد به کار رفته است از همین روایت گرفته شده است.

۲- [تفسیر العیاشی] عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «ظَهَرَ الْقُرْآنَ الَّذِينَ نَزَلَ فِيهِمْ وَ بَطْنُهُ الَّذِينَ عَمِلُوا بِمِثْلِ أَعْمَالِهِمْ» همان ص ۹۴

۳- قال أبو عبد الله (عليه السلام)، في قوله عز وجل: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .: « و الله ما نزل تأويلها بعد، و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم (عليه السلام) »

یعنی آن چه که در این آیه نورانی نوید آن داده شده است هنوز به وقوع نپیوسته است و با ظهور امام زمان علیه السلام تاویل خواهد شد و به وقوع خواهد پیوست.

تعبیر «تأویل آن نیامده است» در این جا به معنای این است که این پیشگوئی هنوز واقع نشده است.

نکته: گاهی این پیشگوئی در مرحله ظهر و تفسیر آیه است مثل آیه ۳۳ توبه و ۵۵ نور و گاهی در مرحله بطن و تأویل آیه است در این صورت دو اصطلاح تأویل در مورد یک آیه به کار می رود مثل آیه آخر سوره ملک که پیشگوئی و هشدار نسبت به غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در بطن و تأویل آیه آمده است در عین حال تحقق این مسأله در سال ۲۶۰ هجری را تأویل آیه می گویند.

#### ۴- معنای ثانوی آیه

از ویژگی های بسیار مهم قران مجید این است که علاوه بر معانی که از ظاهر الفاظ به کمک علم تفسیر فهمیده می شود ، دارای معانی دیگری می باشد که ورای ظاهر الفاظ است و از دید ما پنهان است لذا از آن به بطن قران تعبیر می شود طبق این معنا همه آیات قران دارای بطن بلکه دارای هفت بطن بلکه هفتاد بطن و .... می باشد (۱). مثل آیه ۸۶ سوره هود و آیه آخر سوره ملک که تأویل آن امام مهدی علیه السلام است.

نتیجه این که وقتی تعبیر تأویل در مورد آیات مهدویت به کار برده می شود باید توجه داشت که کدام یک از معانی آن مراد است؟

غیر از تعبیر اول، سه تعبیر دیگر در مورد آیات مهدویت به کار رفته است.

نکته: تفاوت تأویل به چهار معنایی که گذشت این است که مفسران با توجه به قواعد و ضوابطی که وجود دارد می توانند به تأویل آیات به سه معنای اول پردازند ولی تأویل به

---

۱- ۱۵۹- و قال صلی الله علیه و آله « إن للقرآن ظهرا و بطننا و لبطنه بطن إلى سبعة أبطن » تفسیر صافی ج ۱، ص ۳۱، مقدمه



معنای چهارم منحصر به معصوم است و هر تاویلی که مستند به بیان معصوم نباشد ارزشی ندارد. (۱)

جهت و فلسفه وجود بطن و تاویل برای قرآن و راه دست یابی به آن در پاورقی مربوط به موضوع «ظهر و بطن» در همین بخش گذشت.

### نقش اهل بیت علیهم السلام در تبیین قرآن

با توجه به آن چه که در آیه ۴۴ سوره نحل مطرح شده است (۲) قرآن نیاز به تبیین دارد و بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر اساس ادله عقلی و نقلی که بزرگان ما در کتب کلامی

۱- برای توضیح بیشتر مراجعه شود به کتاب گفتمان مهدویت ج ۱ از موسسه انتظار نور قسمت سخنرانی مرحوم آیه الله معرفت و کتاب تلخیص التمهید ج ۱ ص ۴۶۱

۲- «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند. (آیه ۶۴ همین سوره نیز همین مطلب آمده است) بر اساس این آیه شریفه یکی از شؤون و مسؤولیت های حضرت رسول تبیین آیات است تبیین به معنای بیان جزئیات و حدود و ثغور یک امر کلی است به عنوان مثال در قرآن بیان می شود که «اقیموا الصلاه» رسول خدا مأمور به تبیین نماز است لذا نماز بیش از چهار هزار فرع فقهی دارد که در روایات بیان شده است نکته جالب توجه این است که این تبیین هم از ناحیه حق تعالی است «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» (قیامت ۷۵: ۱۹) لذا علم آن منحصر نزد رسول گرامی اسلام و اهل بیت طاهرین می باشد. حال با توجه به این آیه آیا کسی می تواند ادعا کند «حسبنا کتاب الله» قرآن برای ما کافی است و نیازی به بیان حضرت رسول نداریم؟؟!! و مانع نوشتن حقیقت شود؟! در معتبرترین کتاب اهل سنت یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم و ده ها مدرک دیگر بیان شده است که رسول گرامی اسلام فرمودند قلم و دواتی بیاورید تا چیزی برایتان بنوسیم تا هرگز گمراه نشوید ولی خلیفه دوم مانع شد و گفت: کتاب خدا برای ما کافی است سپس ادامه داد و گفت: او (پیامبر) چیزی نمی فهمد و هذیان می گوید؟؟؟؟!!!! از طرف دیگر قضیه ای در تاریخ مشهور و مسلم و قطعی است و آن این است که بعد از رحلت پیامبر خدا از سوی دستگاه خلافت بخشنامه شد که بیان و نوشتن روایات پیامبر ممنوع و جرم است و حتی خلیفه دوم به عایشه گفت آیا از روایات حضرت چیزی داری؟ او آن چه را داشت آورد سپس وی آن ها را سوزاند!!؟؟ این حقیقت در تاریخ به عنوان «منع کتابت حدیث» مشهور است و قریب یک صد سال اعمال شد تا این که در زمان خلیفه اموی عمر بن عبد العزیز لغو شد. (ر.ک وسائل الشیعه ج ۱ مقدمه تحقیق از چاپ ۳۰ جلدی و کتاب «نامه ای که نانوشته ماند»)

خود به طور مبسوط ارائه نموده اند از جمله حدیث متواتر غدیر و ثقلین، ائمه معصومین علیهم السلام عهده‌دار این امر مهم هستند لذا اگر برای اثبات ارتباط آیه با مهدویت از روایات استفاده می‌شود به همین جهت است که تنها راه پی بردن به بطون قران، بیان معصوم علیه السلام می‌باشد و با بیان آنان پرده از بطون آیات برداشته می‌شود.

سرّ آن این است که طبق روایات متعدد، علم جامع و کامل به تفسیر و تأویل، ظهر و بطن و ناسخ و منسوخ قران فقط نزد امام است. (۱)

و این مهم در مورد برخی از آیات واقع شده است و در تفاسیرِ روائی در کنار روایات تفسیری روایات تأویلی هم ذکر شده است.

### شیوه های معرفی افراد در قران

آیا اگر سراسر قران را گشتیم و نام امام مهدی را نیافتیم می‌توانیم بگوییم پس مهدویت در قران مطرح نشده است؟

باید توجه داشت که قران در معرفی حقایق شیوه های گوناگونی دارد

از جمله شیوه های معرفی در قران عبارت است از :

الف : تصریح و بیان اسم

مثل: « و ما محمد الا رسول ... » « و اذکر فی الكتاب مریم ... »

ب: تلویح و بیان وصف

مثل: معرفی پیامبر اسلام در ابتدای سوره اسراء و معرفی امام علی در آیه ۵۵ سوره مائده .

### علت عدم تصریح به نام حضرت در قران

پاسخ:

---

۱- ر.ک کافی ج ۱ کتاب الحجه بابُ أَنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنُ كَلِمَةً إِلَّا الْأَيْمَةَ عَ وَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كَلِمَةً ص ۲۲۸

اولاً: در قران مجید کلیات مهدویت ذکر شده است و طبق آن چه که ذکر شد، بیان جزئیات به عهده حضرت رسول صلی الله علیه و آله و پس از ایشان طبق بیانی که گذشت، به عهده ائمه علیهم السلام می باشد.

شخصی همین سؤال را (در سطحی وسیع تر یعنی علت عدم تصریح به نام اهل بیت علیهم السلام در قران) از امام صادق علیه السلام پرسید حضرت فرمودند:

(خلاصه روایت) بر رسول خدا حکم نماز نازل شد اما در قران به این مطلب که چه نمازی سه رکعتی یا چهار رکعتی است تصریح نشد و این رسول الله بود که نماز را تفسیر کرد و همین طور زکات... و حج... در مورد امامت و ولایت هم همین طور است در قران فرمود: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » اما مصادیق و جزئیات آن در بیان حضرت رسول آمده است مثل حدیث غدیر، ثقلین، منزلت، سفینه و... (۱).

ثانیاً: همین نحوه از بیان یعنی ذکر وصف برای پی بردن به حقیقت کفایت می کرد و به بیان دیگر این شیوه از بیان، نقصی ندارد و اتمام حجت صورت گرفته است.

ثالثاً: اگر کسی در برابر کلام حق خاضع نباشد اگر هر دو هم باشد باز به حال او سودی ندارد.

۱- عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَقَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فَمَا لَهُ لَمْ يُسَمَّ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ع فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فَقَالَ قَوْلُهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَمَّا أَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ لَهُمْ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَ الْحِجُّ فَلَمْ يَقُلْ لَهُمْ طُوفُوا أُسْتَبُوعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي عَلِيٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ قَالَ ص أَوْصِيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي...» کافی ج ۱ کتاب الحججه باب ما نص الله و رسوله... ص ۲۸۶ ح ۱ و شواهد التنزيل حاکم حسانانی ذیل آیه ۵۹ سوره نساء

نام و وصف رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در کُتُب آسمانی بود اما اهل کتاب با تحقق وعده الهی کفر ورزیدند(۱).  
فرعون و فرعونیان با دیدن معجزات متعدد یقین داشتند که موسی و هارون بر حَقِّند اما «از روی ستم و سرکشی آن ها را انکار کردند در حالی که دل هایشان بدان یقین داشت پس بنگر که عاقبت تبهاران چگونه بود»(۲).

رابعاً: برای حفظ قرآن از تحریف

قرآن می فرماید: «به یقین ما خود، این قرآن را نازل کرده ایم و مسلماً خود نیز حافظ آنیم»(۳). طبق این آیه و آیات دیگر، قرآن از هر گونه تحریف لفظی مصون و محفوظ است اما این امر بدین گونه نیست که فقط از طریق اعجاز صورت گیرد، بلکه در بیان معارف شیوه هایی به کار گرفته شده است که تا حد امکان، زمینه تحریف را از میان می برد از جمله عدم ذکر نام اهل بیت علیهم السلام در قرآن، مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام تا حدود یک قرن به خاطر دشمنان بد طینتی که داشت پنهان بود «احقاداً بدریه و حنینیه و خبیریه» حال اگر اسم حضرت در قرآن بود بنی امیه و امثال آنها اصل قرآن را نابود می کردند در این صورت برای حفظ قرآن نیاز به اعجاز جهت نابودی آنان بود و در جای خود ثابت شده است که اعجاز خلاف اصل است و فقط برای ضرورت از آن استفاده می شود زیرا تکلیف مردم سنگین تر می شود(۴).

و مهدویت از همان ابتدا دشمنان بد طینتی داشت که در مبارزه با آن به انواع شگردها متوسل می شدند امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- سوره بقره آیات ۴۲، ۸۹ به بعد و ۱۴۶

۲- « وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلوًّا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ » نمل ۲۷: ۱۴

۳- « إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ » حجر ۱۵: ۹

۴- ن.ک آیه ۱۱۵ سوره مائده

«خلفای بنی امیه و بنی عباس وقتی فهمیدند زوال و نابودی آنان به دست مهدی امت است بسیاری از ما اهل بیت را شهید نمودند به طمع این که مهدی را کشته باشند.»<sup>(۱)</sup>

از طرفی وجود نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز در قرآن ممکن بود دستاویز افراد سودجو و فرصت طلب و مدعیان مهدویت قرار بگیرد و ادعا کنند آن «مهدی» که در قرآن آمده من هستیم؟ و با ثابت شدن تزویر و دروغ آنان جایگاه قرآن متزلزل می شد اما ادعای وصف به ویژه وصفی مثل حاکمیت عدالت در سطح جهان برای کسی جز خود حضرت امکان پذیر نیست.

خامساً : برای امتحان

انسان به این عالم خاکی قدم نهاده است تا در عمل از روی اختیار، عبودیت خود را ثابت کند « ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار است [می پذیرد] و یا کفران [می کند]»<sup>(۲)</sup>. بنا نیست تمام جزئیات بیان شود به گونه ای که راه باطل به کلی بسته و نا ممکن گردد چرا که در این صورت امتحان معنی پیدا نمی کند لذا قرآن می فرماید:

« همه را، هم آنان [دنیاجویان] و هم اینان [آخرت خواهان] را از عطای پروردگارت مدد می رسانیم و عطای پروردگارت [بر کسی] ممنوع نباشد»<sup>(۳)</sup>

هم اهل حق در پیمودن راه حق و رشد و تعالی یاری می شوند و هم راه باطل باز است تا در وقت خودش به حساب اهل باطل رسیدگی شود «ان رَبَّكَ بِالْمَرْصَادِ»<sup>(۴)</sup>

### شیوه های بررسی آیات مهدویت

الف : به ترتیب چینش سوره قرآن

یعنی برای بررسی آیات مهدویت از سوره حمد شروع می کنیم

۱- «... وَ كَذَلِكَ بَنُو أُمِّيَّةٍ وَ بَنُو الْعَبَّاسِ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِهِمْ وَ مُلْكُ الْأُمَرَاءِ وَ الْجَبَابِرَةِ مِنْهُمْ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا نَاصِبُونَ الْعِدَاةَ وَ وَضَعُوا سِيُوفَهُمْ فِي قَتْلِ آلِ الرَّسُولِ ص وَ إِبَادَةِ نَسِيلِهِ طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى قَتْلِ الْقَائِمِ وَ يَأْتِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لَوَاحِدٍ مِنَ الظَّالِمَةِ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ ... وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ » كمال الدین ج ۲ ص ۳۵۲ باب ۳۳- باب ما روی عن

الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام ح ۵۱

۲- انسان ۷۶: ۳

۳- -إسراء ۱۷: ۲۰

۴- -فجر ۸۹: ۱۴

ب: به ترتیب نزول سُورِ قران

ج: موضوعی

شیوه علمی بررسی آیات مهدویت، همین شیوه موضوعی است یعنی ابتدا آیاتی که ناظر به وجود حجّت خداوند در هر زمان می باشد اثبات می گردد سپس آیات ناظر به غیبت و بعد سایر موضوعات، با یک سیر منطقی.

د: تفسیری - تاویلی

یعنی ابتدا آیات تفسیری مهدویت مطرح سپس سایر آیات ذکر می شود.

انتخاب هر یک از این شیوه ها بستگی به هدف و نوع مخاطب دارد.

### انواع آیات مهدویت

الف: تفسیری

آیاتی که ظاهر و تفسیر آن مهدویت است

ب: تاویلی

آیاتی که بطن آن مربوط به مهدویت است

ج: تطبیقی

آیاتی که مهدویت یکی از مصادیق معنی و مفهوم کلی آن آیه باشد

نکته: ممکن است این معنی و مفهوم کلی در ظاهر و تفسیر آیه باشد یا در بطن و تاویل آن»

د: تبیینی

آیاتی که موضوع آن ارتباطی با مهدویت ندارد اما برای تبیین مباحث مهدویت و پاسخگویی به سؤالات و شبهات مهدویت، کار برد بی نظیری دارد.»

### رابطه بین قران و امام

رابطه بین قران و امام (۱)

قبل از آن که در قران به جستجوی آیه یا آیاتی پیرامون حضرت پردازیم خوب است بیندیشم و ببینیم چه رابطه ای بین این دو وجود دارد؟

- قران کتاب صامت است و امام کتابِ ناطقِ خداوند

---

۱- مراجعه کنید به کتاب انسان و قرآن از آیه الله حسن زاده آملی

یعنی هر دو جلوه يك حقيقتند به عبارت ديگر امام تجسم قران است امام على عليه السلام مى فرمايد:

« قران كتاب صامت خداوند است و من كتاب ناطق إلهى هستم» (۱).

در روايتى كه بسيارى از علمای اهل سنت نقل کرده اند پیامبر اسلام صلى الله عليه و اله فرموده اند:

هيچ آيه اى نازل نشد كه در آن « يا ايها الذين آمنوا » است مگر اين كه « على » رأس آن و امير آن است (۲).

- جدائی ناپذیری قران و امام

طبق حديث ثقلین قران و امام تا روز قيامت هر گز از هم جدا نخواهند شد و تمسك به هر دو ضامن نجات از گمراهی است به عبارت ديگر اين دو هر کدام به تنهایی حجت مستقل نيستند بلکه با هم حجت قرار داده شده اند.

امير المؤمنين مى فرمايند: «خداوند تبارك و تعالى ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده است نه ما از قرآن جدا مى شويم و نه قرآن از ما جدا مى شود.» (۳)

۱- «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتُ وَ أَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ». وسائل الشيعه ج ۲۷ ص ۳۴ كتاب القضاء باب تحريم الحكم بغير الكتاب ج ۱۲

۲- حدثنا الحسين بن أحمد بن المخارق التستري ، ثنا محمد بن الحسن بن سماعه ، ثنا القاسم بن الضحاک ، ثنا عيسى بن راشد ، عن علي بن بديمه ، عن عكرمه ، عن ابن عباس ، قال : « ما أنزل الله تعالى سورة في القرآن إلا كان علي أميرها وشريفها ، ولقد عاتب الله تعالى أصحاب محمد وما قال لعلي إلا خيرا » معرفه الصحابه ابو نعيم اصفهاني ج ۱ ص ۳۵۹ ح ۳۱۷ بخش معرفى امام على در ذيل عنوان « معرفته اعلام النبى انه مقتول » حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَارِثِ ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ رَاشِدٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ بَدِيمَةَ ، عَنْ عِكْرَمَةَ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا ، قَالَ: مَا أَنْزَلَ اللَّهُ: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا " [المائدة آيه ۸۷] إِلَّا عَلِيٌّ أَمِيرُهَا وَشَرِيفُهَا ، وَلَقَدْ عَاتَبَ اللَّهُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَيْرِ مَكَانٍ ، وَمَا ذَكَرَ عَلِيًّا إِلَّا بِخَيْرٍ » المعجم الكبير للطبراني ج ۶ از مجموعه ۱۱ جلدی ص ۱۸۵ مسند ابن عباس ح ۱۱۶۸۷

۳- عن أمير المؤمنين قال: «إن الله تبارك و تعالى... جعل القرآن معنا لا نفارقه و لا يفارقنا.» كافي ج ۱ كتاب الحججه، باب فى أن الأئمة شهداء الله عز و جل على خلقه، ح ۵ ص ۱۹۱.



یکی از آثار و برکات مهم درک رابطه بین امام و قران این است که هر گز کار امام را با آن چه که خودمان از قران و دین می دانیم نمی سنجیم بلکه حقیقت قران را در وجود امام جستجو می کنیم و امام را معیار تشخیص حق و باطل قرار می دهیم و از خوارج زمان حضرت بودن، خود را بیمه کرده ایم. (۱)

نتیجه

جان کلام این که برای دست یافتن به فهمی صحیح و عمیق از قران لازم است به نکاتی که بیان شد و همچنین قواعد فهم درست قران توجه داشت تا دچار مشکل نشویم دغدغه فهم صحیح متون دینی به ویژه قرآن، سابقه بسیار طولانی دارد و پیوسته معصومین علیهم السلام و علمای دین توصیه هایی در این زمینه داشته اند.

بحث تفسیر به رأی و مذمت آن بر همین اساس است. تفسیر به رأی یعنی فهم و برداشت نادرست از قرآن و عدم توجه به قواعد فهم قرآن، که روایات زیادی در نهی و مذمت آن، وارد شده است (۲).

بعد از بیان نکاتی به عنوان مقدمه به نمونه هایی از آیات با سیر موضوعی اشاره خواهیم نمود.

خلاصه:

قران به جهت ویژگی های منحصر به فرد خود از جمله جامعیت و «تبیاناً لکل شیء» بودن بهترین مرجع شناخت حجت خداوند محسوب می شود

این جامعیت در پرتو ظاهر و بطن بوده و علم تفسیر ناظر به ظاهر و علم تاویل ناظر به بطن می باشد.

بسیاری از معارف مهدویت بر اساس حکمت الهی در بطون و لایه های درونی آیات قرار گرفته کما این که بخشی از آن در مرحله ظاهر و تفسیر آیه واقع شده است.

۱- برای توضیح بیشتر مراجعه نمایید به بخش آیات تبیینی مورد دوم و سوم

۲- وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۲۷، ص ۱۷۶، باب ۱۳، از ابواب صفات قاضی

قران اصول و کلیات را بیان نموده و بر اساس آیه ۴۴ نحل، تبیین آیات بر عهده معصومین علیهم السلام می باشد لذا اصلِ موضوع مهدویت در قران مطرح شده است و برای اطلاع از جزئیات آن، باید به آنان رجوع نماییم

یکی از علت های اساسی عدم تصریح به نام حضرت همان ویژگی فوق الذکر قران می باشد

برخی از معارف مهدویت در ظهر آیات و برخی دیگر در بطن آیات می باشد

در حقیقت قران و امام دو جلوه از یک حقیقتند یکی حجت صامت و دیگری حجت ناطق.

**بخش دوم: بررسی آیات**

**آیات ناظر به وجودِ حجت خداوند در هر زمان**

**اشاره**

« تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ » (۱)

در آن [شب] فرشتگان و روح [جبرئیل] به اذن پروردگارشان برای [تقدیر] هر امری نازل شوند.

یکی از شگفتی های آفرینش حق تعالی، قرار دادن شب قدر از همان ابتدای خلقت جهان ارضی و نزول امر سال به محضر حجّت و ولیّ خود - که هرگز زمین از وجودش خالی نبوده و نخواهد بود - می باشد. (۲)

سرّ این حقیقت، همان مسأله وساطت در فیض است یعنی خداوند حکیم برای ارائه میزان و مقدار فیضی که مقرر شده محضر واسطه فیض إفاضه شود زمانی را به عنوان «شب قدر» قرار داده تا علاوه بر تفصیل و تقدیر امور در این شب، (۳) انسان بتواند با إحياء و راز و نیاز نقشی در مقدار فیض خود و افزایش آن داشته باشد. (۴)

۱- قدر ۹۷:۴ واژه «تَنْزَلُ» فعل مضارع از باب تفاعل در اصل تَنْزَلُ بوده است و به معنای فرود آمدن واژه «الرُّوحُ» در قرآن به معانی مختلفی آمده است ولی در این جا مشهور میان مفسران این است که مراد جبرئیل می باشد راغب اصفهانی هم در مفردات بعد از بیان مصادیق مختلف، می گوید: «سَمِيَ بِهِ جَبْرِيْلُ، وَ سَمَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ فِي قَوْلِهِ: قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ [النحل/ ۱۰۲]، وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ [البقره/ ۲۵۳]» بر اساس برخی از روایات روح، موجودی با عظمت تر از فرشتگان است نتیجه این که یا جبرئیل است و یا موجودی با عظمت تر از او. ر.ک تفسیر نور الثقلین روایات ذیل همین سوره.

۲- وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ حَيْلًا ذَكَرَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَ لَقَدْ خَلَقَ فِيهَا أَوَّلَ نَبِيٍّ يَكُونُ وَ أَوَّلَ وَصِيٍّ يَكُونُ وَ لَقَدْ قَضَى أَنْ يَكُونَ فِي كُلِّ سَنَةٍ لَيْلَةٌ يَهْبِطُ فِيهَا بِتَفْسِيرِ الْأُمُورِ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ مَنْ جَحَدَ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمَهُ كَافِي ج ۱ كتاب الحجج باب في شأن انا انزلنا ص ۲۴۸ ح ۷

۳- «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» دخان ۴:۴۴

۴- ر.ک بحار الانوار ج ۹۴ ص ۱۴۵ به بعد باب ۷ از ابواب تتمه اعمال ماه مبارک رمضان قسمت «ذکر الصلاة المرویه»

در این شب تفسیر امور سال به محضر حجت زمان نازل می شود و برنامه یک سال مربوط به عالم از طرف خداوند متعال به محضر او ارائه می شود. (۱)

موضوع «لزوم وجود حجت در هر زمان» را طی چهار مرحله پیگیری می نمایم:

### ۱- استمرار شب قدر تا قیامت

انکار این حقیقت و این عقیده که با رحلت رسول مکرم اسلام شب قدر هم رفت مصداق همان فتنه ای است که در قرآن مجید به شدت امت اسلامی را از آن بر حذر داشته است (۲) به بیان نورانی امام سجاد علیه السلام فتنه ای که دامنگیر اهل خلاف شد همین بود که عده ای از آنان، شب قدر را انکار کردند و به سبب آن به دوران جاهلیت باز گشتند جهت آن هم این بود که اگر می گفتند شب قدر هست باید می پذیرفتند که خداوند در این شب امری دارد (تنزل الملائکه...) و اگر این مسأله را اقرار می کردند طبعاً شب قدر صاحب می خواهد (لذا از اساس، منکر شب قدر شدند (۳)).

علاوه بر روایات متعددی که در تبیین این آیه شریفه وارد شده است و بر وجود شب قدر از ابتدای جهان ارضی تا روز قیامت تأکید می نماید و در تفاسیر اهل سنت نیز ذیل سوره قدر، روایاتی در این رابطه ذکر شده است، (۴) فعل مضارع «تنزل» نیز دلالت بر استمرار این حقیقت دارد.

۱- عن ابی جعفر علیه السلام « إِنَّهُ لَيُنزَلُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ إِلَىٰ وَلِيِّ الْأَمْرِ تَفْسِيرُ الْأُمُورِ سَنَهُ سَنَهُ يُؤْمَرُ فِيهَا فِي أَمْرِ نَفْسِهِ بِكَذَا وَ كَذَا وَ فِي أَمْرِ النَّاسِ بِكَذَا وَ كَذَا » کافی ج ۱ کتاب الحججه باب فی شأن انا انزلنا ص ۲۴۸ ح ۳

۲- « وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ » انفال ۸ : ۲۵

۳- « إِنَّ مُحَمَّدًا حِينَ يَمُوتُ يَقُولُ أَهْلُ الْخِلَافِ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَضَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَهَذِهِ فِتْنَةٌ أَصَابَتْهُمْ خَاصَّةً وَ بِهَا ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ لِأَنَّهُمْ إِنْ قَالُوا لَمْ تَذْهَبْ فَلَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا أَمْرٌ وَ إِذَا أَقْرَأُوا بِالْأَمْرِ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ صَاحِبٍ بُدٌّ » کافی ج ۱ کتاب الحججه باب فی شأن انا انزلنا ص ۲۴۸ ح ۴

۴- احمد بن حنبل با ذکر سند می گوید: اباذر به پیامبر خدا عرض کرد آیا شب قدر در ماه مبارک رمضان است یا در غیر آن؟ حضرت فرمودند: در ماه مبارک رمضان است. سپس سؤال کرد آیا شب قدر با انبیاء است و وقتی رحلت نمودند شب قدر هم برداشته می شود یا این که تا روز قیامت استمرار دارد؟ حضرت فرمودند: تا روز قیامت استمرار دارد. «...قلت: یا رسول الله، أخبرنی عن لیلہ القدر أ فی رمضان هی أو فی غیره؟ قال: «بل هی فی رمضان» قلت: تكون مع الأنبياء ما كانوا فإذا قبضوا رفعت أم هی إلى یوم القیامه؟ قال: «بل هی إلى یوم القیامه». تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج ۸ ص ۴۲۹ و تفسیر الدر المنثور ج ۶ ص ۳۷۳ ذیل آیه ۴ قدر

## ۲- نزول امر سال در شب قدر هر سال

اگر شب قدر هر سال وجود دارد نزول امر الهی نیز طبق این آیه و آیات ابتدای سوره دخان وجود خواهد داشت.

به عبارت دیگر با اثبات موضوع یعنی «وجود شب قدر»، محمول یعنی «نزول امر سال» نیز بر اساس این آیه ثابت خواهد بود.

## ۳- لزوم نزول روح و فرشتگان بر کسی

و اگر کسی بگوید لازم نیست این فرشتگان بر کسی نازل شوند بلکه فرود می آیند و بر می گردند پاسخ این است که به بیان امام معصوم علیه السلام آیا نزول چیزی بر هیچ چیز معنا دارد (۱)؟؟!!

یعنی اگر بر کسی نازل نشوند در این صورت تعبیر «تنزل» صحیح نیست بلکه تعبیری مثل «تردد» و امثال آن گفته می شد همان گونه که ابتدای این سوره نیز که سخن از نزول قرآن به میان آمده است آیا معقول است کسی بگوید قرآن در این شب نازل شد ولی لازم نیست بر کسی نازل شده باشد؟؟!

نزول، «متزل علیه» و میهمان، میزبان می خواهد.

از طرفی همه پذیرفته اند که در زمان حضرت رسول صلی الله علیه جبرئیل و فرشتگان بر ایشان نازل می شدند.

دقت در آیه دوم سوره نحل نیز مطلب را واضح تر می نماید (۲).

## ۴- ویژگی های کسی که میزبان و صاحب شب قدر است

آیا هر کسی می تواند میزبان این میهمانان الهی باشد؟

آیا خوبان عالم، علمای ربانی و امثال آنان می توانند این مسؤولیت را بر عهده داشته باشند؟

۱- «وَإِنْ قَالُوا إِنَّهُ لَيْسَ يُنَزَّلُ إِلَيْهِ فَمَا يَكُونُ أَنْ يُنَزَّلَ شَيْءٌ إِلَىٰ غَيْرِ شَيْءٍ» کافی ج ۱ کتاب الحججه باب فی شان انا انزلنا

ح ۹

۲- «يُنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»

ممکن است در پاسخ گفته شود بله جواب، مثبت است زیرا در قران آمده است که:

«به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند» (۱)

اما با کمی دقت و تأمل در سوره قدر در می یابیم آن چه که در این جا مطرح است با آن چه که در آیه ۳۰ فصلت آمده است بسیار متفاوت است زیرا:

اولاً- این جا سخن از نزول جبرئیل یا موجودی با عظمت تر از جبرئیل است و به اتفاق نظر علمای فریقین هر کسی نمی تواند محل نزول فرشته عظیم الشانی همانند او باشد به جهت این که سعه وجودی او بسیار قوی تر و بالاتر از سعه وجودی ماست لذا فقط کسی مثل رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و کسانی که در رتبه و منزلت او باشند چنین ظرفیت و توانی را دارند و ثانیاً این «تنزل» برای صرف ملاقات یا برای یک امر جزئی نیست بلکه برای تمامی امور و مسائل مربوط به عالم است «... من کلّ أمر»

لذا باید تناسبی بین میهمان و میزبان باشد و این میزبان از طرف حق تعالی در این عالم، مسؤولیتی از طرف حق تعالی داشته باشد و به اصطلاح خلیفه الله باشد و چنین امری و چنین مسؤولیتی جز از معصوم از احدی ساخته نیست.

در نتیجه لازم است در هر زمان یک انسان معصوم به عنوان ولی الله و خلیفه الله وجود داشته باد تا علاوه بر انجام سایر شؤون و وظایف الهی که دارد به عنوان صاحب شب قدر عهده دار این مسؤولیت نیز باشد.

اهمیت و جایگاه ایمان به حجّت حیّ الهی

در ارزش و جایگاه این عقیده همین بس که امام جواد می فرماید :

« فضیلت کسی که ایمان به « انا انزلنا » و تفسیر آن دارد بر کسی که چنین ایمانی ندارد همانند برتری انسان بر بهائم است (۲) »

۱- «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت ۴۱ : ۳۰)

۲- «ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضَّلُ إِيمَانَ الْمُؤْمِنِ بِجُمْلَةٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَبِتَفْسِيرِهَا عَلَى مَنْ لَيْسَ مِثْلَهُ فِي الْإِيمَانِ بِهَا كَفَضْلِ الْإِنْسَانِ عَلَى الْبَهَائِمِ » کافی ج ۱ کتاب الحججه باب فی شان انا انزلنا ح ۷

یعنی کسی که شب قدر و صاحب آن را نشناسد در واقع امام زمان خود را و «حجّت حیّ» را نشناخته است و کسی که امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است مرگ عصاره حیات است کسی که مرگش جاهلی باشد یعنی حیاتش جاهلی بوده و بهره ای از اسلام و انسانیت ندارد.

آن چه را امام در این روایت بیان می نماید همان حقیقتی است که شیعه و سنی از نبی مکرم اسلام نقل نموده اند که فرمودند:

«کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است»<sup>(۱)</sup>

### جایگاه و مسئولیت امام زمان

۱- کافی ج ۱ کتاب الحجّه باب من مات و لیس له امام ص ۳۷۷ برای آشنائی با این حدیث در منابع اهل سنت که با تعبیر مختلفی آمده است مراجعه کنید به شرح مقاصد تفتازانی دو جلدی ج ۲ ص ۲۷۵ صحیح مسلم کتاب الاماره باب وجوب ملازمه المسلمین حدیث ۳۴۳۷ مسند أحمد بن حنبل بخش مسند شامیین حدیث شماره ۱۶۲۷۱ ابن ابی الحدید در مورد عبد الله بن عمر می گوید: او از بیعت کردن با حضرت علی امتناع کرد اما شبانه در خانه حجاج را می زند تا با او (به عنوان نائب عبد الملک مروان) بیعت کند تا مبادا یک شب را بدون بیعت با امام به سر ببرد چرا که از پیامبر خدا روایت شده است که فرموده اند کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است. کارش در حقارت و خواری به جایی رسید که حجاج پایش را از بستر در آورد و گفت با پایم بیعت کن!!!. فإنه امتنع من بیعه علی - ع- و طرق علی الحجاج بابه لیلا- لیبایع لعبد الملک- کیلا بیعت تلک اللیله بلا امام زعم- لأنه روی عن النبی ص أنه قال- من مات و لا امام له مات میتة جاهلیه- و حتی بلغ من احتقار الحجاج له و استرذاله حاله- أن أخرج رجله من الفراش فقال- أصفق بیدک علیها- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۴۲



عظمتِ إمام زمان علیه السلام آنگاه روشن تر می شود که در تعبیر « مِنْ كُلِّ أَمْرٍ » دقت کنیم به بیان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله بعد از این تعبیر آیا چیزی باقی می ماند که تحت آن قرار نگیرد؟ (۱)

فرشتگان در شب قدر برای ارائه برنامه همه امور خدمت حضرت می رسند پس همه امور مادی و معنوی به اذن الله به دست مبارک او می باشد و واسطه فیض الهی است.

به عبارت دیگر ولایت کلی عالم به اذن الله بر عهده امام زمان می باشد این حقیقت آنگاه برایمان روشن تر می شود و پی به عظمت امام می بریم که بدانیم آصف بن برخیا که در کمتر از یک ثانیه فقط با یک اراده «عرش عظیم بلقیس» را از فاصله صدها کیلومتر حاضر نمود (۲) فقط یک حرف از اسم اعظم را خداوند متعال به او داده بود لذا قرآن می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» در حالی که چهارده معصوم هفتاد و دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم را دارا هستند لذا تعبیر قرآن در مورد آن ها «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۳)» است. (۴)

بیان نورانی امام علی در مورد حجت حی در هر زمان

۱- « وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَ عَلِيٌّ عَ كَثِيرًا مِمَّا يَقُولُ مَا اجْتَمَعَ التَّيْمِيُّ وَالْعِدَوِيُّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ يَقْرَأُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِنَخْشَعٍ وَ بُكَاءٍ فَيَقُولَانِ مِمَّا أَشَدَّ رِقَّتِكَ لِهَيْدِهِ السُّورَةَ فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ ص لِمَا رَأَتْ عَيْنِي وَ وَعَى قَلْبِي وَ لِمَا يَرَى قَلْبُ هَذَا مِنْ بَعْدِي فَيَقُولَانِ وَ مَا الَّذِي رَأَيْتَ وَ مَا الَّذِي يَرَى قَالَ فَيَكْتُبُ لَهُمَا فِي التُّرَابِ تَنْزُلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ قَالَ ثُمَّ يَقُولُ هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ بَعْدَ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُلُّ أَمْرٍ فَيَقُولَانِ لَا فَيَقُولُ هَلْ تَعْلَمَانِ مِنَ الْمُتَنَزِّلِ إِلَيْهِ بِذَلِكَ فَيَقُولَانِ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَيَقُولُ نَعَمْ فَيَقُولُ هَلْ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مِنْ بَعْدِي فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَيَقُولُ فَهَلْ يَنْزِلُ ذَلِكَ الْأَمْرُ فِيهَا فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَيَقُولُ إِلَى مَنْ فَيَقُولَانِ لَا نَدْرِي فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي وَ يَقُولُ إِنْ لَمْ تَدْرِيَا فَادْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بَعْدِي قَالَ فَإِنْ كَانَا لَيَعْرِفَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ شِدَّةِ مَا يُدَاخِلُهُمَا مِنَ الرَّعْبِ » کافی ج ۱ کتاب الحججه باب فی شان انا انزلنا ح ۵

۲- «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ» (نمل ۲۷ : ۴۰)

۳- « وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» رعد ۱۳ : ۴۳

۴- مراجعه کنید به تفسیر آیه ۴۰ سوره نمل و آیه آخر سوره رعد و روایات ذیل آن و همچنین کافی کتاب الحججه ج ۱ ص ۲۳۰ باب ما أعطى الأئمة ع من اسم الله الأعظم.

إمام علی علیه السلام می فرمایند:

«شب قدر در هر سال هست و امر سال در این شب نازل می شود و برای این امر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله والیانی وجود دارد.»

ابن عباس پرسید این ها چه کسانی هستند؟

فرمودند: من و یازده نفر از صلب من (۱)».

نتیجه:

هر سال شب قدر دارد شب قدر هر سال امر سال نازل می شود هم اکنون این امر بر چه کسی نازل می شود؟؟ و صاحب شب قدر کیست؟؟

بر اساس آن چه که در مقدمه گذشت قران اصول و کلیات را بیان می نماید آن چه که از این آیه شریفه استفاده می شود لزوم وجود «حجبت حی» است اما تبیین آن بر عهده روایات می باشد در تفسیر نور الثقلین بیش از یک صد روایت در مورد این موضوع ذیل این سوره، بیان شده است گرچه با دقت نظر در خود آیه، می توان نکات بسیار مهمی را در مورد جایگاه و شؤون امام استفاده نمود.

آیات ابتدای سوره مبارکه دخان نیز همین حقیقت را بیان می نماید (۲) و روایات متعددی ذیل آن از ناحیه معصومین علیهم السلام رسیده است از جمله این که راوی از امام صادق علیه السلام می پرسد چگونه بفهمم که هر سال شب قدر وجود دارد؟ حضرت فرمودند: هر شب ماه مبارک

۱- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ لَذَلِكَ الْأَمْرُ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةٌ مُحَدَّثُونَ» همان ص ۵۳۲ ح ۱۱ ابواب التاريخ باب في ما جاء في الاثني عشر...

۲- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱) وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳) فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴) أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۵) رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶)

رمضان شبی صد مرتبه سوره دخان را بخوان در شب بیست و سوم خواهی دید آن چه را باید بینی(۱).

### هادی زمان

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ(۲) تفسیر نمونه ج ۱۰ ص ۱۳۰

(۳) شوری ۴۲: ۵۲

۱- عن الصادق علیه السلام حدیث طویل و فیه قال السائل: یا بن رسول الله کیف أعرف ان ليله القدر یكون فی کل سنه قال: إذا أتى شهر رمضان فاقراء سوره الدخان فی کل ليله مائة مره، فاذا أتت ليله ثلاث و عشرين فانك ناظر إلى تصدیق الذی سألت عنه. کافی ج ۱ کتاب الحجّه باب فی شان انا انزلنا ص ۲۵۱ ح ۸

۲- رعد ۱۳: ۷ ﴿[ای پیامبر!] تو فقط هشدار دهنده ای و برای هر قومی راهنمایی هست انذار برای به راه آوردن گمراه، و هدایت برای پیمودن درست این راه و پیش بردن صحیح او در این مسیر است تا درجات رشد و تعالی را یکی پس از دیگری به خوبی طی کند

۳- رسول خدا؛ منذر است و مؤسس شریعت، کسی که گمراهان و بت پرستان را به راه آورد اما این کافی نیست. باید کسی باشد که حافظ و نگهبان و تداوم بخش راه او باشد و او «هادی» یعنی امام معصوم علیه السلام است. گر چه در آیات دیگر به خود حضرت «هادی» نیز اطلاق شده است

ج: هادی مردم این زمان کیست؟

نکته: واژه «هادی» و «بهدون» در اصطلاح قرآن معنای لغویش مراد نیست بلکه مراد شخصی است که به فرمان و امر الهی هدایت می کند و به اصطلاح جزء «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (۱) است و چنین کسانی به بیان مرحوم علامه در تفسیر المیزان، دارای مقام عصمت می باشند و لحظه ای در ضلالت و گمراهی نبوده و پیوسته با غیب مرتبط بوده اند. (۲)

مؤید این سخن، مفرد بودن «هادی» است اگر مراد معنای لغوی آن بود و طبعاً شامل علماء و سایر هدایت کنندگان می شد لازم بود تعبیر «هادون» یا «هدها» آورده شود.

۱- انبیاء ۲۱: ۷۳ و سجده ۳۲: ۲۴

۲- قرآن مجید در مورد مسأله امامت (به معنای عام که شامل نبوت هم می شود یعنی کسی که زمام امور خود را باید به او بسپاریم و از او پیروی نماییم) و این که چه کسی لیاقت امامت و رهبری را دارد، عقل انسان ها را به داوری فراخوانده و فرموده: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا- أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس ۱۰: ۳۵) «آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟» خداوند متعال در این آیه شریفه بین دو نفر تقابل ایجاد نموده سپس عقل را به داوری فراخوانده که کدام یک از این دو نفر شایستگی امامت را دارند: الف: کسی که به سوی حق هدایت می کند. ب: کسی که برای هدایت شدنش نیاز به هدایت هدایت کننده ای می باشد. طبیعی است که همه انسان ها این گونه اند که وقتی به دنیا می آیند چیزی نمی دانند «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» به تدریج بر فهم و عقل او افزوده می شود و با هدایت کسانی مثل انبیاء، ائمه علیهم السلام، علماء، معلمان، پدر و مادر زمینه هدایتشان فراهم می شود در نتیجه دسته اول باید کسانی باشند که هرگز حتی لحظه ای در ضلالت و گمراهی نبوده باشند تا نیاز به هدایت داشته باشند در غیر این صورت داخل در دسته دوم خواهند بود و دو گروه نخواهیم داشت لذا با استفاده از این تقابل نتیجه می گیریم که دسته اول کسانی هستند که پیوسته در هدایت بوده اند همانند حضرت عیسی علیه السلام که در بدو تولد می گوید: من بنده خدا هستم و... و به عبارت دیگر ویژگی این دسته این است که دارای مقام والای عصمت می باشند. ر.ک تفسیر المیزان ج ۱۰ ص ۵۶ ذیل آیه ۳۵ یونس

اگر هیچ روایتی ذیل آیه هفتم رعد نداشتیم دلالت آیه بر لزوم وجود حجّت خداوند در هر زمان با بیانی که گذشت کافی بود اما خوشبختانه روایاتی در این رابطه وجود دارد که هم شیعه و غیر شیعه هر دو نقل نموده اند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله (در رابطه با آیه ۷ رعد) دست خودشان را به سینه مبارکشان نهاده و فرمودند: من منذر هستم و اشاره به شانه مولی علی علیه السلام نموده و فرمودند: تو هادی هستی، به واسطه تو بعد از من هدایت یافتگان هدایت می شوند (۱). (در مورد قید «بعدی» دقت شود).

حموینی در فرائد السمطین از ابو هریره نقل می کند که « ان المراد بالهادی علیّ کرم الله وجهه» (۲)

نکته: اهل سنت در هنگام یاد کردن صحابه می گویند: «رضی الله عنه» اما بعد از نام مبارک حضرت علی علیه السلام می گویند: «کرم الله وجهه» وقتی علت این تفاوت را سؤال می کنیم، می گویند چون حضرت علی علیه السلام لحظه ای بت پرستید، بر خلاف صحابه!

یعنی بر پاکی حضرت علی از شرک و بت پرستی گواهی می دهند که طبعاً لیاقت ایشان را برای امامت، و عدم لیاقت کسانی که به گواهی خودشان زمانی بت پرست بوده اند نتیجه می دهد.

نتیجه سخن این که طبق این آیه شریفه در هر زمان لازم است یک « هادی » وجود داشته باشد که با ویژگی عصمت، تداوم بخش راه رسول گرامی اسلام باشد. (۳)

۱- « وضع رسول الله صلی الله علیه و آله یدیه علی صدره فقال: «انا المنذر» و اوما الی منکب علی علیه السلام وقال: «انت الهادی» بک یهتدی المهتدون بعدی » الغیبه نعمانی، باب ۴، ح ۳۸ به بعد و تفسیر فخر رازی ج ۱۹ ص ۱۴ و شواهد التنزیل حاکم حسکانی ذیل آیه ۷ رعد.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۰ ص ۱۳۰

۳- سایر آیاتی که دلالت بر وجود حجّت در هر زمان دارد عبارت است از: اعراف ۷: ۱۸۱، اعراف ۱۷: ۷۱، قصص ۲۸: ۵۱، فاطر ۳۵: ۲۴ در رابطه با جایگاه و شؤون و وظائف امام مراجعه کنید به بخش ضمیمه ها، ضمیمه شماره ۱ همچنین دلائل عقلی وجود حجّت در هر زمان را در ضمیمه شماره ۲ ملاحظه فرمایید.

نکته آخر این که موضوع «حجّت حیّ از منظر قرآن» یک مسأله جدّی و بسیار حائز اهمیت است که لازم است به عنوان یک موضوع مستقل مورد تحقیق جدی محققان ارجمنند قرار گیرد. از جمله اشارات قرآن در این رابطه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف: با پایان یافتن ساخت کعبه معظمه، ابراهیم خلیل الرحمن از طرف حق تعالی ماموریت یافت تا همه را به آمدن به این سرزمین دعوت نماید.

می فرماید: «و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند.» (۱)

تعبیر «به سوی تو بیایند = یأتوک» قابل دقت است نفرمود: «ندا بده تا مردم به سوی کعبه بیایند = یأتوا الکعبه»

اگر بر تمام انسان هایی که استطاعت رفتن به مکه را دارند لبیک گفتن به این ندا واجب است پس لازم است کسی همانند ابراهیم خلیل به عنوان حجت و ولی خداوند وجود داشته باشد تا تعبیر «یأتوک» صادق باشد و اگر در برخی از زمان ها در اثر قدر نشناسی مردم حجت خداوند غائب بوده است مثل زمان ما، خود مردم مقصرند و از طرف دیگر غائب بودن حجت خداوند منافاتی با بودن او در مکه و ایام حج ندارد همان گونه که بر اساس روایات متعدد امام زمان هر سال ایام حج در مکه حضور دارند. (۲)

روایاتی که ذیل آیه شریفه ۱۹۶ سوره بقره آمده است همین امر را تاکید می نماید. (۳)

ب: در ابتدای سوره ابراهیم می فرماید:

«[این] کتابی است که آن را به سوی تو فرورستادیم تا تو مردم را به خواست و فرمان پروردگارشان از تاریکیها [ی گمراهی] به روشنایی [هدایت] بیرون آری، به راه آن توانای بی همتا و ستوده» (۴)

۱- «وَ أَدْنٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (حج ۲۲: ۲۷)

۲- کافی ج ۱ کتاب الحجّه باب فی الغیبه ص ۳۳۷ ح ۶

۳- عن جابر عن أبي عبد الله عليه السلام (في قوله تعالى «وَ اتُّمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» قال: «تمام الحج لقاء الامام.» (نور الثقلين ذیل آیه ۱۹۶ بقره)

۴- «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»

اگر قرآن کافی بود و نیازی به حجت حئی نبود تعبیر «لُتُخْرِجَ» - که به معنای این است که تا تو مردم را از تاریکی به نور رهنمون شوی - جایی نداشت.

ج: در آیه ۱۶۴ سوره نساء می فرماید: «و اگر آنان هنگامی که بر خود ستم کردند نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر برای آنان آمرزش می خواست هر آینه خدای را توبه پذیر و مهربان می یافتند» (۱).

تعبیر «جاؤک» تمام مطلب را بیان نموده است اگر خداوند متعال می فرماید: «ادْعُوا اللَّهَ» (۲) شیوه و نحوه دعا کردن را هم در این آیه و آیات دیگر بیان نموده است. سنت خداوند بر این است که انسان با مراجعه به حجت حئی و در خواست از او برای طلب آمرزش، غفران خود را شامل بنده اش بفرماید و اگر در این زمان امام زمان ما غائب است غیبت هرگز مانع از توسل به ایشان نمی باشد.

خلاصه:

آیات متعددی ناظر به حجت حئی است از جمله آیه ۴ قدر و ۷ رعد

در شب قدر هر سال امر سال نازل می شود در زمان حیات نبی مکرم اسلام جبرئیل و فرشتگان از طرف خداوند این امر را محضر ایشان ابلاغ می نمودند هم اکنون نیز لازم است کسی در حد ولیاقت این امر به عنوان صاحب شب قدر وجود داشته باشد.

قرآن می فرماید برای هر قومی «هادی» وجود دارد با توجه به معنای خاص این اصطلاح در قرآن هادی امت در این زمان کیست؟

۱- «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»

۲- اسراء ۱۷: ۱۱۰

ص: ۴۴

**آیات ناظر به غیبتِ امام زمان**

**اشاره**



« قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ » (۱)

بگو: «ببیندیشید، اگر آبتان (در زمین) فرو رود، آن گاه چه کسی برای شما آب روان (نمایان = قابل دسترس) می آورد؟»

یکی از درد های بزرگ ما غفلت از نعمت های الهی است خداوند در این آیه شریفه می فرماید آیا به این مسأله فکر کرده اید که اگر همه چیز باشد ولی آب نباشد چه اتفاقی می افتد؟

ظهر و تفسیر آیه در رابطه با نعمت حیاتی آب می باشد (۲)

۱- ملک ۶۷ : ۳۰ واژه «أَرَأَيْتُمْ» ترکیبی است از همزه استفهام و فعل ماضی رأیتم این ترکیب در ادبیات عرب به معنای «أخبرونی» یعنی به من خبر دهید می باشد و در جایی که نیاز به تفکر و اندیشیدن باشد به کار می رود به بیان سلیس تر به معنای این است که آیا فکر کرده اید؟ کما این که در آیه ۶۸ سوره واقعه می فرماید: «أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ» قطعاً این تعبیر به معنای آیا دیده اید نیست چرا که فردی که آب می نوشد آن را می بیند بلکه به این معناست که آیا آبی را که می نوشید روی آن فکر کرده اید؟ سپس در ادامه آیه در مورد این که در چه چیزی باید فکر نمود می فرماید: «أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ...» راغب در مفردات می گوید: رأیت به معنای أخبرنی است و در نوع و تعداد مخاطب تاء تغییر نمی کند بلکه کاف بر سر آن می آید و تغییرات بر کاف صورت می گیرد. قال: أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي [الإسراء / ۶۲]، قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ [الأنعام / ۴۰]، وقوله: أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى [العلق / ۹]، قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ [الأحقاف / ۴]، قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ [القصص / ۷۱]، قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ [الأحقاف / ۱۰]، أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْيْنَا [الكهف / ۶۳]، همه این ها در آن معنای تنبیه و آگاهی وجود دارد» (المفردات ذیل واژه رای) واژه «غوراً» به معنای فرو رفتن می باشد لذا به فرورفتگی داخل کوه غار گفته می شود واژه «معین» اگر از ریشه «معن» باشد به معنای جاری است و اگر از ریشه «عین» باشد به معنای ظاهر و آشکار و در دسترس بودن می باشد یا آبی که به تعبیر عامیانه چشم را بگیرد یعنی تمیز و گوارا باشد «و المَعْنُ و المَعِينُ: الماء السائل، و قيل: الجاری علی وجه الأرض، و قيل: الماء العذب الغزیر، و کل ذلك من السهولة. و المَعْنُ: الماء الظاهر» (لسان العرب ذیل واژه معن)

۲- یکی از کفار هنگامی که این آیه را شنید که می گوید: "اگر آبهای مورد استفاده شما در زمین فرو رود چه کسی آب جاری در اختیار شما می گذارد" گفت: "رجال شداد و معاول حداد!" مردان قوی پنجه و کلنگهای تیز. آب را از اعماق زمین بیرون می کشند! اما شب خوابید آب سیاه چشمان او را فرا گرفت، در این حال صدایی شنید که می گوید: "آن مردان قوی پنجه و کلنگهای تیز را بیاور تا این آب را از چشم تو بیرون کشند!" (تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص: ۳۵۹) با تامل در آیه و دقت در این ماجرا به دست می آید که مراد خداوند متعال این است که اگر اراده کند آب را بگیرد در این صورت اگر جن و انس جمع شوند یک قطره آب نمی توانند به دست آورند.

اما تأویل و بطن آیه بر اساس روایات متعدد(۱)، در مورد مسأله ای بسیار حیاتی تر و مهم تر از آب است و آن مسأله امام و اضطرار به حجّت است.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید :

« معنای آیه این است که بگو بیندیشید اگر امامتان غائب شد به گونه ای که ندانید او کجاست پس چه کسی امامی ظاهری برایتان خواهد آورد که اخبار آسمانها و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیان کند(۲)؟ »

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید :

مقصود از «ماؤکم» ، «أئمه» علیهم السلام می باشند که آنها ابواب الله هستند «فمن یأتیکم بماء معین» یعنی چه کسی علم امام را برای شما خواهد آورد(۳) ؟

با تأمل در بطن آیه به این نتیجه می رسیم که هشدار وقوع غیبت ، از همان ابتدا داده شد که اگر مردم قدر «أئمه» علیهم السلام را ندانند به بلای غیبت امام دچار خواهند شد.

۱- جهت اطلاع از روایات از جمله روایت مهم رسول گرامی اسلام در این رابطه مراجعه نمایید به تفسیر البرهان ذیل همین آیه

۲- « عن أبي جعفر في قول الله عز وجل قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْرَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ فقال هذه نزلت في القائم يقول إن أصبح إمامكم غائبا عنكم لا تدرون أين هو فمن يأتيكم بإمام ظاهر يأتيكم بأخبار السماء والأرض و حلال الله جل و عز و حرامه ثم قال عليه السلام و الله ما جاء تأويل هذه الآية و لا بد أن يجيء تأويلها » كمال الدين ج ۱ ص ۳۲۵ باب ۳۲

ح ۳

۳- - تفسیر صافی ج ۵ ذیل آیه.

گرچه امت اسلام به هشدارهای قرآن توجه نمودند و قدر اهل بیت را ندانستند و طبق سنت الهی (۱) به بلای عظیم غیبت امام دچار شدند اما در عین حال همین آیه شریفه برای امروز ما پیام ها و نکات مهمی در بر دارد.

نکات :

۱- باعث و علت غائب شدن امام خود مردم هستند زیرا اگر خداوند بدون این که مردم نقشی داشته باشند حجت خود را غائب نماید این سؤال و اندیشیدن در مورد این مسأله که اگر امامتان غائب شد چه خواهید کرد معنا ندارد. (۲)

قدر شناسی مردم سبب غیبت شد و تا حقیقتاً قدر شناس حجت خداوند نشویم از ظهور خبری نخواهد بود (۳) از این جا رسالت خطیر و عظیم خواص مشخص می شود که با تمام توان باید نسبت به توجه دادن مردم به جایگاه و ویژگی های امام و حقوقی که امام بر مردم دارد بکوشند و از خسارت عظیم غیبت امام بگویند و بنویسند.

ممکن است کسی بگوید دیگران قدر شناسی کردند و سبب غیبت او شدند تقصیر ما چیست؟ پاسخ این است که:

اولاً: خداوند متعال در هر زمان بندگان خود را امتحان می نماید و میزان ولایت و محبت آنان را می سنجد به عنوان مثال پابندی ما به ارزش های دینی، اطاعت و پیروی ما از بزرگان دین یعنی فقهای جامع الشرائط، پرداخت خمس و زکات و...

یکی از حکمت های فریضه خمس همین موضوع است قطعاً امام زمان علیه السلام هیچ نیازی به خمس ما ندارد اما چرا این حق قرار داده شده است؟ اگر من از مال خود برای حضرت که

۱- «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال: ۵۳)

۲- مراجعه کنید به کافی ج ۱ کتاب الحججه باب فی الغیبه ح ۳۱ ص ۳۴۳، شرح کافی از مرحوم ملا صالح مازندرانی ج ۶ ص ۲۵۰، بحار ج ۵۱ ص ۱۱۳ باب روایات امیر المؤمنین ح ۸

۳- زیرا اگر بدون این که در مردم تغییری ایجاد شود دوباره آن نعمتی را که در اثر قدر شناسی از آنان گرفته شده بود برگرداند خلاف حکمت است این نکته به خوبی از آیاتی مثل آیه ۱۱ رعد و ۵۳ انفال استفاده می شود.

یک تکلیفی است از ناحیه خداوند نگذرم می توانم ادعای محبت داشته باشم؟! و یا از جان خود برای ایشان بگذرم؟!!

و ثانیاً: اگر کسی از این آزمون ها سر بلند بیرون بیاید و جزء منتظران واقعی باشد اجر و پاداش عظیمی خواهد داشت از جمله بودن با اهل بیت علیهم السلام در آخرت. (۱)

۲- معنای این سؤال که اگر امامتان غائب شد چه خواهید کرد این است که با غائب شدن امام، ما دچار خسران و ضرر جبران ناپذیری خواهیم شد گرچه امام غائب همانند خورشید پنهان دارای آثار و برکات زیادی برای ما و همه هستی است اما در عین حال بخش زیادی از فوائد امام مترتب بر عدم غیبت امام است که با غیبتش از آن محروم خواهیم شد.

اگر این خسارت عظیم را درک می کردیم به اضطراب می رسیدیم و خواستار رفع این بلا می شدیم در این صورت قطعاً دعا به اجابت می رسید چرا که «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ».

۳- نقش بی بدیل امام و ضرورت حضور او در جامعه به عنوان محور همه امور، علاوه بر ضرورت وجود امام، مسأله ای است که با تدبیر در این آیه شریفه و روایات متعدد در ذیل این آیه شریفه، به آن پی می بریم.

همان گونه که در روایتی که از امام باقر علیه السلام ذیل آیه ذکر شد حضرت فرمودند: « پس چه کسی اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما خواهد آورد؟!؟! »

چه کسی می تواند ادعا کند عالم به غیب و شهود است و بگوید «قبل از این که مرا از دست بدهید (هر چه می خواهید) از من پرسید»<sup>(۱)</sup>

چه کسی می تواند ادعا کند مرتبط با مبدأ غیب است و به عالم غیب آشنا تر است تا عالم شهود<sup>(۲)</sup> و کیست که بتواند بگوید: «اگر پرده (غیب) کنار رود چیزی بر یقین من افزوده نخواهد شد»<sup>(۳)</sup>

خو گرفتن به دوران غیبت امام و عادی شدن آن، از مصیبت هایی است که دچار آن شده ایم نشانه آن هم این است که هر کدام از ما سر گرم و مشغول کار خود هستیم و چه بسا روزها و هفته ها می گذرد و کمتر به یاد امام خود و تکلیف و رسالتی که در این رابطه داریم می افتمیم.

۴- یکی از القاب زیبایی ائمه به طور عام و لقب امام زمان عجل الله تعالی فرجه به طور خاص «ماء معین» است که از همین آیه شریفه گرفته شده است و تشبیه امام به آب، بیانگر نکات ظریف و عمیقی است.<sup>(۴)</sup>

جمله امام زمان به مرحوم حاج محمد علی فشنندی حقیقتاً تکان دهنده است وی می گوید: «دیدم سید بزرگواری وارد مسجد جمکران می شود با خود گفتم در این هوای گرم تشنه است ظرف آبی به او تعارف کردم (این ویژگی منتظران راستین است که هیچگاه بی تفاوت نیستند و پیوسته دنبال کار خیر و خدمت به دیگران آن هم با توجه به امام عصر و درخواست دعا برای حضرتش هستند) گرفتند و نوشیدند و ظرف را برگرداندند در این حال گفتم شما دعا کنید و فرج امام زمان علیه السلام را از خداوند بخواهید تا فرج ایشان نزدیک گردد فرمودند:

«شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند اگر بخواهند دعا می کنند و فرج ما می رسد» این سخن را فرمود تا نگاه کردم دیگر کسی را ندیدم.<sup>(۵)</sup>

به راستی ما چقدر به یاد حضرت هستیم؟! و آن گاه که به یاد او مییم آیا خود را برای او می خواهیم یا حتی او را هم برای خود و راحتیمان و حل مشکل خودمان می خواهیم!!!!؟؟؟

۱- «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» وسائل الشیعه ج ۱۵ کتاب الجهاد باب ۴۹ ص ۱۲۸ ح ۲۰۱۳۷ همچنین در رابطه با این موضوع مراجعه کنید به کافی ج ۱ کتاب الحججه باب «أَنَّه لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فِي يَدِ النَّاسِ إِلَّا مَا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ الْأَيْمَةِ عَ وَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ عِنْدِهِمْ فَهُوَ بَاطِلٌ» ص ۳۹۹

۲- «أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي - فَلَا تَأْتِي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْمَأْرُضِ - قَبْلَ أَنْ تَشْعَرَ بِرِجْلِهَا فِتْنَةٌ تَطَأُ فِي خِطَامِهَا - وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا» نهج البلاغه خطبه ۱۸۹

۳- «لَوْ كَشِفَ الْغُطَاءُ مَا أزدَدْتُ يَقِينًا» بحار الأنوار ج ۴۰ ص ۱۵۳

۴- ر.ک بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۴، ص: ۱۰۰ باب ۳۷ أنهم عليهم السلام الماء المعين و البئر المعطلة و القصر المشيد و

تأويل السحاب و المطر و الظل و الفواكه و سائر المنافع الظاهره بعلمهم و بركاتهم عليهم السلام  
٥- شيفتگان حضرت مهدي عليه السلام ج ١ ص ١٥٥ تشرف مرحوم حاج محمد علي فشندي

« ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (۱) »

« این کتاب که در آن هیچ شکی نیست، راهنمای پرهیزگاران است کسانی که به غیب ایمان می آورند »

ایمان به غیب از مهمترین ویژگی پرهیزکاران است کسانی که عقلشان در چشمشان نیست که فقط هر چه را با چشم سر ببینند بپذیرند و غیر آن را انکار کنند که اگر این چنین باشد فرقی بین انسان و حیوان باقی نمی ماند (۲) غیب مطلق خداوند متعال است او را با چشم سر نمی توان دید نه در دنیا نه در آخرت نه خواص نه عوام مهمترین ویژگی متقین این است که با تمام وجود آفریدگار هستی و آنچه را که او از آن خبر داده است را باور دارند پس در مرحله ظهر و تفسیر آیه، غیب به معنای «الله» تبارک و تعالی است کما این که در آیه ۱۶۲ سوره نساء به آن تصریح شده است

اما در مرحله بطن و تاویل آیه بر اساس روایات غیب مصادیق متعددی دارد مثل عرش، لوح، قلم، کرسی، بهشت، جهنم و... از جمله مصادیق آن، ایمان به حجّت غائب است امام صادق علیه السلام می فرمایند:

« متقین ایمان به غیب می آورند یعنی ایمان به حجّت غائب می آورند (۳) »

یعنی مثل کسانی نیستند که می گویند اگر امام از جانب خداوند وجود دارد پس کجاست؟ چرا او را نمی بینیم؟ متقین با دلائل عقلی، قرانی و روائی به یقین رسیده اند که خداوند هرگز هستی را بدون حجّت نمی گذارد و همان گونه که بسیاری از انبیاء عظیم الشان الهی و اوصیائشان بر اساس

۱- بقره ۲: ۳ و ۲

۲- برای پی بردن به جایگاه ایمان به غیب رجوع شود به تفسیر «فی ظلال القرآن» و تفسیر «المیزان» ذیل آیه

۳- عن یحیی بن أبی القاسم قال سألت الصادق ع عن قول الله عز و جل الم ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب فقال: « المتقون شیعه علی ع و الغیب فهو الحجه الغائب » کمال الدین ج ۲ باب ۱ ص ۳۷۴ ح ۲۰

حکمتِ الهی مدّتی از قوم خود غائب می شدند هم اکنون نیز حجتِ خداوند غائب است و روزی ظهور خواهد نمود .

در روایت دیگری حضرت می فرمایند :

« ایمان به غیب ، یعنی اقرار به قیام قائم که حق است» (۱)

دو چیز سبب می شود در مورد ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه شک و تردید ایجاد شود:

۱- طولانی شدن غیبت

۲- شبهه افکنی دشمنان

متقین به خداوند و وعده های او ایمان دارند و چون مژده و نوید ظهور حضرت را خود خداوند داده است آنها هرگز دچار شک و تردید نمی شوند و هم چنان چشم به راه مقدم نورانی حضرتش باقی می مانند (۲).

خلاصه:

از جمله آیات ناظر به غیبت حجتِ خداوند آیه ۳۰ ملک و ۳ بقره است

تفسیر آیه ۳۰ ملک نعمت حیاتی آب است که اگر همه چیز باشد ولی خداوند آب را ما بگیرد در واقع حیات را گرفته است اما تاویل آیه غیبت حجتِ خداوند است

۱- عن أبي عبد الله ع في قول الله عز وجل هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ قَالَ : « من أقر بقيام القائم ع أنه حق » كمال الدين ج ۱ ص ۴۸ مقدمه مصنف

۲- «... پس اگر روزگار (انتظار) به طول بینجامد و زمانه طولانی گردد چیزی جز بر یقین من به شما و عشق و علاقه ام و تکیه و اعتماد و انتظار و چشم به راهیم و مراقبت و محافظتم (از دین) با جان و مال و هر آن چه که خداوند روزیم نموده است، افزوده نخواهد شد.» «فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَتِ الْأَعْصَارُ لَمْ أَزِدْ بِكَ إِلَّا يَقِينًا وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا وَ عَلَيْكَ إِلَّا اعْتِمَادًا وَ لِظُهُورِكَ إِلَّا تَوْقُعًا وَ مُرَابَطَةً بِنَفْسِي وَ مَالِي وَ جَمِيعِ مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيَّ رَبِّي...» فرازی از زیارت بسیار مهم و زیبای حضرت. (بحار الأنوار ج : ۹۹ ص : ۹۹) در مفاتیح الجنان این زیارت در بخش زیارت سرداب مقدس بعد از زیارت آل یس ذکر شده است. سایر آیاتی که دلالت بر غیبت حضرت می کند عبارت است از: لقمان ۳۱ : ۲۰ حج ۲۲ : ۴۵ تکویر ۸۱ : ۱۵



غیبت او سبب محرومیت ما از بسیاری از خیرات و برکات می گردد

ویژگی پرهیزکاران این است که ایمان به حجّت غائب دارند

ص: ۵۳

آیات ناظر به وظائف منتظران

اشاره

## هشدار به منتظران خاتم الاوصیاء

« أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِتَذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (۱)

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و زمان (انتظار) بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟

وقتی باران بر زمین خاکی می بارد زمین با آغوش باز قطره باران را می پذیرد این حالت را خشوع می گویند

اما همین قطره وقتی به سنگ و امثال آن برخورد می کند کمانه می کند و ذره ذره می شود این حالت را قساوت می گویند روح و روان ما در برابر فرامین و دستورات الهی ممکن است یکی از این دو حالت را داشته باشد خداوند در ابتدا می فرماید:

آیا وقت آن فرا نرسیده است که دل‌های شما برای یاد خداوند و آن چه که از جانب او نازل شده است نرم و فروتن شود؟ و آیا وقت آن نرسیده که همانند اهل کتاب نباشید که دچار قساوت قلب شدند؟.

۱- - حدید ۵۷: ۱۶ واژه «أَلَمْ يَأْنِ» از ماده «أنى يأنى» به معنای نزدیک شدن زمان چیزی است مثل واژه «آن یئین» و «حان یحین» واژه «خشوع» به معنای نرم بودن رام بودن پذیرا بودن و امثال آن آمده است و ضد آن «قساوت» به معنای غلظت و سفتی می باشد. «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» یعنی کسانی که به آن ها کتاب (آسمانی) داده شده است و در اصطلاح به آن ها «اهل کتاب» گفته می شود و منظور یهود و نصاری می باشند. واژه «أَمِيد» به معنای زمان است منتها زمانی که انتهای آن نامعلوم باشد «و الْأَمِيدُ: مَدَّةٌ لَهَا حَدٌّ مَجْهُولٌ إِذَا أُطْلِقَ» (مفردات راغب) و واژه «فسق» به معنای خروج از طریق حق می باشد «أَنَّ الْأَصْلَ الواحد فى المادَّة: هو الخروج عن مقررات ديتيه أو عقليته أو طبيعته لازمه. و من مصاديقه: خروج العبد، عن أمر الرب، و عن طاعته» (التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، ج ۹، ص: ۸۹)

إمام صادق علیه اسلام می فرماید :

« این آیه در مورد مردم زمان غیبت نازل شده است و « آمد » یعنی زمان غیبت (۱) »

اهل کتاب چگونه بودند که قران هشدار می دهد شما عبرت بگیرید و همانند آنان نباشید!!

آنان حدّ اقل دو بار در آزمون انتظار، مردود شدند :

الف : زمانی که حضرت موسی علیه السلام به آنها گفت من به میعاد الهی می روم برادرم هارون در میان شما است از او پیروی کنید تا من بر گردم اما همین که بعد از سی روز نیامد دنبال سامری رفتند و گوساله پرست شدند.

آیا نمی بایست نسبت به وعده خداوند و پیامبرش اطمینان می داشتند و هم چنان منتظر می ماندند و این را می فهمیدند که در این تأخیر حکمتی نهفته است و موظفند که منتظر بمانند!

«موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!» (۲)

ب : مژده و نوید ظهور خاتم الانبیاء به اهل کتاب داده شده بود و این که آنها وظیفه دارند با ظهورش به او ایمان آورند اما همین که زمان انتظار طولانی شد نا امید شدند و به جای خشوع و اطمینان به وعده الهی دچار قساوت قلب شدند و دنبال هوا و هوس و دنیا طلبی رفتند و موعود خود را به کلی فراموش کردند (۳).

خداوند سبحان در این آیه شریفه از ما می خواهد از آنها عبرت بگیریم و با طولانی شدن زمان غیبت هرگز دچار قساوت قلب نشویم بلکه در برابر حکم خداوند که در قران و بیانات نورانی اهل بیت منعکس است مطیع و فرمانبردار باشیم هرگز سست نشده و به وعده او ایمان داشته و هم چنان با قلب و گفتار و کردار، منتظر و چشم به راه ظهور امام زمانمان باشیم.

إمام علی علیه السلام می فرماید :

۱- الغیبه نعمانی ص ۳۱ مقدمه مؤلف

۲- طه ۲۰ : ۸۶

۳- سوره بقره آیات ۸۹ به بعد

« برای قائم ما غیبتی است که زمان آن طولانی است... آگاه باشید کسی که در این دوران بر دینش ثابت قدم بماند و به خاطر طولانی شدن غیبتِ امامش دچار قساوت قلب نشود پس او در روز قیامت با من خواهد بود(۱)»

یعنی کسی که در دوران غیبتِ امام زمانش که بسیاری از مردم با فراموش کردنِ امام خود و وظیفه ای که در برابر او دارند دنبال مد و مد گرایی و چشم هم چشمی می روند و هر کسی سعی می کند در مسابقه رفاه و تجمل از دیگران عقب نماند در چنین دورانی اگر کسی قلبش هم چنان پذیرای دستورات الهی باشد و تمام سعیش این باشد که در زندگی راهی را که امام زمانش می پسندد دنبال کند و سلمان گونه زندگی کند که ویژگی او این بود که:

«خواسته مولایش علی را بر خواسته خودش مقدم می داشت»(۲) که البته بسیار سخت و دشوار ولی شدنی است جائزه و مدالی که به او خواهند داد، بودن با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در بهشت برین است حال انسان عاقل باید بیندیشد که آیا در عالم هستی جائزه و درجه ای بالاتر از این وجود دارد که انسان در زندگی ابدی خود همنشین اهل بیت علیهم السلام شود؟(۳)

۱- « أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ [وَأَوْ] لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولَ أَمِيدِ غَيْبِهِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ » کمال الدین ج

۱ باب ۲۶ ح ۱۴ ص ۳۳۶ و بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۰۹

۲- می گوید به امام صادق عرض کردم آقای من چگونه است که زیاد یاد سلمان را از شما می شنوم؟ حضرت فرمودند: «نگو سلمان فارسی بلکه بگو سلمان محمدی!» بعد فرمودند: «آیا می دانی چرا زیاد یاد سلمان می کنم؟» عرض کردم نه! فرمودند: «به خاطر سه ویژگی: ۱- ترجیح دادن خواسته مولایش امیر المومنین بر خواسته نفسش ۲- دوست داشتن فقراء و برگزیدن نشست و برخاست با آنان بر نشست و برخاست با مرفهان ۳- دوست داشتن علم و علماء. او بنده درستکار و در صراط مستقیم و تسلیم (خداوند) بود و از مشرکان نبود. «... قَالَ لَثَلَاثِ خِلَالٍ إِخْدَاهَا إِثَارُهُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَى هَوَى نَفْسِهِ وَ الثَّانِيَهُ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَ اخْتِيَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعُدَدِ وَ الثَّلَاثَهُ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ الْعُلَمَاءِ إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۲، ص: ۳۲۷)

۳- مراجعه نمایید به ضمیمه شماره ۴ با موضوع ارزش ایمان در عصر غیبت

تعبیر « فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ » به چه معناست ؟ در بسیاری از ترجمه ها این گونه ترجمه شده است که «زمان بر آنها طولانی شد» یا «دوران طولانی بر آنها گذشت» اما با تأمل در این آیه و سایر آیات مرتبط با آن مثل آیه ۸۶ طه و تعبیر «طال علی» که در مواردی مثل عمر هم به کار رفته است متوجه می شویم این تعبیر به معنای «طولانی آمدن» می باشد برای روشن تر شدن بحث، ابتدا این تعبیر را در مورد عمر و أجل بررسی می کنیم امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید :

«وَلَمَّا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ فِيهَا الْأَمَدُ» (۱) یعنی مبادا زمان عمرتان بر شما طولانی بیاید یعنی مبادا تصور کنید دارای عمر طولانی خواهید بود و آخرت را فراموش کنید! در خطبه ۲۲ هم نظیر این تعبیر آمده است (۲) طبیعی است که معنای این جمله این نیست که مبادا عمر شما طولانی شود!

در مورد آیه مورد بحث هم، همین معنا مورد نظر است یعنی شما مثل اهل کتاب نباشید که زمان بر آنها طولانی آمد یعنی تصور کردند تا زمان تحقق وعده الهی خیلی فاصله هست و منتظر بازگشت حجت خداوند نشدند هر کس به کار خود مشغول شد ! و این از آسیب های مهم دوران انتظار است یعنی خارج شدن از حالت انتظار و غفلت از زمینه سازی برای آمدن موعود الهی «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ تَرَاهُ قَرِيبًا» لذا فرمود : «فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً» (۳)

نتیجه:

در این آیه شریفه و وظائف منتظران در زیبا ترین شکل بیان شده است می فرماید: شما (ای منتظران خاتم الاوصیاء) براساس روایتی که از امام صادق علیه السلام گذشت)) همانند اهل کتاب که دچار قساوت قلب شدند نباشید بلکه «أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» باشید

۱- نهج البلاغه خطبه ۵۲

۲- « وَ لَمَّا يَلْهَيْنَكُمُ الْأَمَلُ، وَ لَمَّا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمُ الْأَجَلُ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ، وَ تَعْتِيبِ آجَالِهِمْ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمُوعُودُ، الَّذِي تُرَدُّ عَنْهُ الْمَعْدِرُ، وَ تُزْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةُ »

۳- الکافی ج ۱ کتاب الحجه ص ۳۳۳ باب نادر فی حال الغیبه

حالت خشوع قلب را در خود حفظ نمایید و همچنان در این دوران به یاد خداوند باشید و قلبتان پذیرای احکام و دستورات الهی باشد با حفظ حالت انتظار.

### مرزبانی از مرزهای جغرافیائی، اعتقادی بویژه امامت و مهدویت

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها)، استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!

در این آیه شریفه چند توصیه اساسی مطرح شده است:

۱- «اصبروا» صبر به معنای استقامت در راه رسیدن به هدف و استفاده از همه توان و انرژی خود و نا امید نشدن در هنگام مواجه شدن با مشکلات و شکست هاست در روایات جایگاه «صبر» نسبت به «ایمان» همانند جایگاه «سر» نسبت به «بدن» ذکر شده است طبعاً در مسیر رسیدن به اهداف بلندی که خالق و آفریدگارمان برایمان در نظر گرفته است گاهی سختی انجام آن چه که ما را به آن اهداف می رساند یا وسوسه های نفسانی و شیطانی یا بروز مشکلات و مصائبی که پیش می آید انسان را از طی مسیر باز دارد این جا عنصر صبر است که می تواند او را از این گردنه ها عبور دهد و به قله های بلند و رفیع انسانی برساند.

۲- «صابروا» مصابره به معنای همبستگی و ایستادگی امت در برابر فشارها و تهدیدات دشمن و کوتاه نیامدن و پافشاری بر اصول و ارزش هاست به عبارت دیگر مصابره همان صبر اجتماعی است.

۳- «رابطوا» این واژه از ریشه «ربط = بستن» می باشد و معنای آن مراقبت و مرزبانی است (۲) قرآن پیوسته خطر نفوذ دشمن را هشدار می دهد و می فرماید: کافران آرزو دارند شما از سلاح ها

۱- آل عمران ۳: ۲۰۰

۲- «رباط» مصدر فعل رَبَطْتُ وَرَبَطْتُ است، و «مُرَابَطَه» (در لفظ و معنی) مثل «محافظه» است، قال الله تعالى: وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ [الأنفال / ۶۰]، و قال: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا [آل عمران / ۲۰۰]، سپس به بیان دو نوع مرابطه و مراقبت و نگهبانی می پردازد یکی مراقبت مادی یعنی محافظت از مرزهای مسلمین دوم محافظت از ارزش ها مثل مراقبت از وقت نماز و... (المفردات ذیل واژه ربط)

و کالا- های خود غافل شوید و به یکباره به شما هجوم آورند (۱) لذا پاسداری از مرزها و مراقب نفوذ دشمن بودن توصیه دیگری است که در این آیه مورد تاکید قرار گرفته است.

اما روایات نکته ظریف تری را از آیه گوشزد می نمایند و آن دفاع از اهل بیت علیهم السلام است (۲) که در حقیقت دفاع از رسول الله صلی الله علیه و آله و دفاع از دین است

در چند روایت می فرماید: مراد آیه این است که «رابطوا امامکم» (۳)

و در تعبیر دیگر آمده است «رابطوا الائمه» (۴) یعنی از امام خود دفاع کنید.

و در تعبیر سوم می فرماید: از بودن با امام حفاظت کنید (۵) یعنی مراقب باشید ولایت و امامت را شما نگیرند.

اما روایتی را که مرحوم نعمانی در کتاب خود در دو جا آورده جالب توجه است امام باقر علیه السلام می فرماید: از امام مورد انتظار خود دفاع کنید (۶)

۱- «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَهُ وَاحِدَهُ» نساء ۱۰۲

۲- عن أبي جعفر عليه السلام قال: «... و رابطوا يقول في سبيل الله و نحن السبيل فيما بين الله و خلقه، و نحن الرباط الأذني، فمن

جاهد عنا فقد جاهد عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم و ما جاء به من عند الله لعلمكم تفلحون» تفسير نور الثقلين ذیل آیه

۳- عن يعقوب السراج قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام، تبقى الأرض يوماً بغير عالم منكم يفرع الناس اليه؟ قال، فقال لي، إذا

لا- يعبد الله، يا با يوسف لا تخلوا الأرض من عالم منا ظاهر يفرع الناس اليه في حلالهم و حرامهم، و ان ذلك لمبين في كتاب

الله، قال الله، «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» اصبروا على دينكم و صابروا عدوكم ممن يخالفكم، و رابطوا

إمامكم، «وَ اتَّقُوا اللَّهَ» فيما أمركم به و افترض عليكم. همان

۴- عن أبي جعفر عليه السلام: «... «و رابطوا» یعنی الائمه.» همان

۵- و فی روایه اخرى عنه «اصبروا» على الذی فینا، قلت، «و صابروا» قال، عدوكم مع وليکم «و رابطوا قال، المقام مع

إمامکم. همان

۶- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ - اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا فَقَالَ اصْبِرُوا عَلَىٰ أَذَاءِ الْفَرَايِضِ وَ صَابِرُوا

عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرِ. (الغيبه نعمانی باب ۱۱ حدیث ۱۳)



یعنی از وظائف مهم منتظران این است که نسبت به انتظار و ظهور بی تفاوت نباشند و در برابر نقشه های شوم مهدی ستیزان در انکار، تخریب و تحریف این اندیشه ناب، مراقبت و مرزبانی از مهدویت را به فراموشی نسپارند و هر کسی در حد توان خود دفاع از آن را وظیفه خود بداند. (۱)

خلاصه:

اگر قرآن «تَبَيَّنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» است قطعاً وظیفه ما را در دوران غیبت بیان نموده است

از جمله آیات ناظر به وظائف منتظران آیه ۱۶ حدید و ۲۰۰ آل عمران می باشد.

در دوران غیبت باید مراقب دل خود باشیم تا بر روی یاد خدا بسته نشود و پیوسته پذیرای دستورات قرآن و عترت باشد.

محافظت از اعتقاد به ولایت و بودن با اهل بیت علیهم السلام بویژه دفاع از امام منتظر از دیگر وظائف مهم ماست.

۱- مرحوم علامه در تفسیر المیزان بحث مفصلی را تحت عنوان «المرابطه فی المجتمع الاسلامی» در پانزده بخش ذکر نموده است که بسیار حائز اهمیت است از جمله در بخش پنجم می فرماید: «أن البحث العمیق فی أحوال الموجودات الکوئیه یؤدی إلى أن النوع الإنسانی سیبلغ غایته و ینال بغیته و هی کمال ظهور الإسلام بحقیقته فی الدنیا و تولیه التام أمر المجتمع الإنسانی، و قد وعدّه الله تعالی طبق هذه النظریه فی کتابه العزیز قال: ... «المائدة: ۵۴» و قال: وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُدِّلَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا الْآيَة: «النور: ۵۵»، و قال: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ: «الأنبياء: ۱۰۵»، إلى غیر ذلك من الآيات» ودر بخش پانزدهم از بحث خود می گوید: «الدين الحق هو الغالب على الدنيا بالآخرة...» و شهید مطهری در کتاب «قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام» به تبیین بخشهایی از آن پرداخته است.

**آیات ناظر به ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام**

**اشاره**

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (۲)

آنچه از جانب خدا برایتان باقی می ماند، برای شما بهتر است اگر به راستی ایمان آورده اید و من نگهبان شما نیستم.

در شب معراج حق تعالی به حبیبش فرمود ای احمد! عبادت ده جزء است نه جزء آن در طلب حلال است (۳) این همان توصیه ای است که حضرت شعیب علیه السلام به بیان این آیه خطاب به قومش بیان می کند که « مال حلال برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید.»

اما بطن آیه در مورد آخرین حجت از سلسله حُجَجِ الهی « بقیه الله الاعظم » روحی و ارواح العالمین لمقدمه الفداه می باشد در روایات متعددی از فریقین از امام مهدی، « بقیه الله » تعبیر شده است

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید :

« اولین سخنی که امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور بیان می کند " بقیت الله خیر لکم إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ " است سپس می فرماید " أنا بقیه الله و حجته و خلیفته علیکم " (۴)

۱- امام زمان جدای از ویژگی های اهل بیت، ویژگی های خاصی نیز دارد مثل: غائب شدن، خاتم الاوصیاء بودن، عمر طولانی، جوان ماندن و... در این بخش به سه ویژگی به عنوان نمونه خواهیم پرداخت و در بخش آیات تبیینی دو مورد دیگر خواهد آمد برخی دیگر نیز در خلال مباحث اشاره شده است مثل موضوع غیبت که در بخش غیبت گذشت.

۲- هود ۱۱: ۸۶

۳- « الدَّيْلِمِيُّ فِي إِرْشَادِ الْقُلُوبِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَسَعُهُ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِذَا طَيَّبْتَ مَطْعَمَكَ وَ مَشْرَبَكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كَنْفِي » بحار الانوار ج ۷۴ ص ۲۶ باب ۲- مواظب الله عز و جل

۴- « و أول ما ينطق به هذه الآية بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثم يقول أنا بقیه الله فی أرضه و خلیفته و حجته علیکم فلا یسلم علیه مسلم إلا قال السلام علیک یا بقیه الله فی أرضه » کمال الدین ج ۱ ص ۳۶۳ باب ۳۲ ح ۱۶ همچنین در تشریح احمد بن اسحاق محضر امام حسن عسکری علیه السلام و در خواست نشانه از حضرت ، برای اطمینان نسبت به امامت امام مهدی علیه السلام خود حضرت فرمودند : من بقیه الله هستم « فقال أحمد بن إسحاق فقلت له یا مولای فهل من علامه یطمئن إليها قلبی فنطق الغلام ع بلسان عربی فصیح فقال أنا بقیه الله فی أرضه و المنتقم من أعدائه » کمال الدین ج ۲ ص ۴۱۶ باب ۶ ح ۱

و وقتی راوی از امام صادق علیه السلام در مورد نحوه سلام کردن به حضرت سؤال می کند حضرت می فرماید: این گونه سلام کنید «السلام علیک یا بقیه الله فی أرضه» (۱) سپس همین آیه شریفه را تلاوت کردند.

در کتاب نور الابصار شبلنجی از علمای اهل سنت آمده است که:

وقتی حضرت مهدی علیه السلام خروج کند بر کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده نفر از یارانش گرد او جمع می شوند. پس اولین سخنی که بر زبان ایشان جاری می شود این آیه است «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین» پس می فرماید: «انا بقیه الله و خلیفته و حجّته علیکم» منم بقیه الله و خلیفه و حجّت خدا بر شما (۲).

نکته :

مهم ترین پیام آیه شریفه این است که خیر و صلاح شما در روی آوردن و توجه نمودن به امام مهدی آخرین حجّت الهی است حضرت به ما نیازی ندارد این ما هستیم که به حجّت الهی

۱- «مردی از امام صادق سؤال کرد آیا به حضرت مهدی می توان با تعبیر «امیر المومنین» سلام داد؟ حضرت فرمودند: نه! عرض کرد: چرا؟ فرمودند: زیرا امیر المومنین اسمی است که خداوند آن را بر علی گذاشته است و احدی قبل از او و بعد از او به این نام نامیده نمی شود مگر این که کافر خواهد بود. عرض کردم فدای شما شوم پس چگونه به حضرت مهدی سلام داده می شود؟ فرمودند: می گویند: «السلام علیک یا بقیه الله» سپس ایه شریفه (۸۶ هود) را خواندند. «...قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ قَالِ يَقُولُونَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ ثُمَّ قَرَأَ بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» کافی ج ۱ ص ۴۱۱ کتاب الحجّه ، باب نادر...

۲- نور الابصار، ص ۳۴۹

نیازمندیم و خیر و سعادت ، رشد و تعالی ما در گرو توجه به اوست کما این که خود حضرت در توقیعی بر این معنا تاکید می فرمایند. (۱)

دل به شرق یا غرب نبندیم کسی که این معنا را به خوبی فهمید امام راحل رضوان الله تعالی علیه بود که با تمام توان به میدان آمد تا زمینه ظهور حضرت را فراهم نماید ایشان انگیزه خود را از انقلاب اسلامی ، زمینه سازی قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام بیان می کنند و وظیفه ما این است که این راه را با جدیت هر چه بیشتر با اطاعت و پیروی از ولی فقیه و رهبر فرزانه انقلاب ادامه دهیم زیرا زمینه سازی ظهور بعهد خود امت است .

به امید این که هر چه زودتر به این باور برسیم که «بقیه الله خیر لنا» لذا قران این امر را مقید می کند به «إن كنتم مؤمنین»

۱- «مشاجره و دعوایی (در مورد حضرت مهدی) بین ابن ابی غانم قزوینی و گروهی از شیعیان صورت گرفت ابن ابی غانم می گفت امام حسن عسکری از دنیا رفت در حالی که جانشینی نداشت! سپس شیعیان حضرت نامه ای با ذکر این دعوا نوشتند و به ناحیه مقدسه فرستادند. پاسخ نامه آنان با خط مبارک حضرت، به این مضمون صادر شد: «به نان خداوند بخشنده مهربان خداوند ما را و شما را از فتنه ها محافظت فرماید و به ما و شما روح یقین را عنایت فرماید و ما و شما را از عاقبت به شر شدن نگه دارد مهانا خبر تردید گروهی از شما در دین و شک و سرگردانی آنان در مورد والیان امرشان به ما رسید. این مساله ما را غمگین ساخت به خاطر خودتان نه به خاطر خودمان و ما را آزرده به جهت خودتان نه به جهت خودمان زیرا خدا با ماست پس هیچ نیازی به احدی نداریم و حق با ماست و برگشتن و دست برداشتن کسی از ما، هرگز ما را به وحشت نمی اندازد و ما دست پرورده پروردگارمان هستیم و مخلوقات دست پرورده ما.» «...فَعَمَّنا ذَلِكْ لَكُمْ لَأَ لَنَا وَ ساءَنا فِیْكُمْ لَأَ فِینا لَأَنَّ اللّهُ مَعَنَا فَلَا فَاقَهُ بِنا إلی غَیْرِه وَ الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ یُوحِشَنا مَنْ قَعَدَ عَنّا وَ نَحْنُ صَنائِعُ رَبِّنا وَ الْخَلْقُ بَعْدَ صَنائِعِنا» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۸ باب ۳۱

« أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً » (۱)

۱- لقمان ۳۱ ک ۲۰ واژه « أَلَمْ تَرَوْا » از ماده رؤیت می باشد و به معنای « آیا ندیدید » می باشد اما مقصود چیست؟ این تعبیر در چنین مواردی برای دعوت به تفکر و آگاهی دادن به مخاطب است « و هی کلمه تقولها العربُ عند التَّعَجُّبِ من الشیء و عند تَنْبِیْهِه المخاطب کقوله تعالی: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ » (لسان العرب ذیل واژه رای) راغب اصفهانی هم بعد از اشاره به مصادیقی از این تعبیر می گوید: « کُلُّ ذَلِكَ فِيهِ مَعْنَى التَّنْبِيهِ » (مفردات ذیل همین واژه) آن چه که مهم است این است که آیه شریفه با دعوت به تفکر آغاز می شود موضوعی که در گسترده ترین سطح در قرآن به چشم می خورد بیش از پنجاه مورد ماده عقل آمده و تعبیر «لعلکم تعقلون» در پایان بسیاری از آیات به چشم می خورد. بیش از بیست مورد ماده «فکر» و همچنین ماده «فقه» (=فهم عمیق) مطرح شده است در بسیاری از موارد ماده «نظر» به معنای تحقیق و بررسی است مثل «قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» و «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» و «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و ندای « فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » و ندای « فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ » توصیه به مشورت گوش را نوازش می دهد اما با این حال به چه میزان ما این اصل قرآنی را مورد توجه قرار داده ایم؟! با کمال تأسف در مهم ترین کارها از جمله ازدواج به جای تحقیق و بررسی استخاره می گیریم!!؟ و عملاً- قرآن بعنوان کتاب استخاره در آمده است!!؟ به جای آن که اهل تحقیق و بررسی باشیم سپس با توکل به خداوند وارد عمل شویم بلکه اگر همه مراحل را طی کردیم و در حیرت ماندیم آنگاه می توانیم با مراجعه به اهلش استخاره بگیریم وقتی قرآن صرفاً برای زیبایی در سفره عقد باشد یا کار را به جایی رسانده ایم که اگر از خانه ای صدای قرآن بیاید فوراً می گویند چه کسی مرده است؟ و نهایتاً قرآن کتاب استخاره قرار می گیرد آیا این مهجوریت قرآن نیست؟؟ « وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا » (فرقان ۲۵ : ۳۰) وقتی قرآن مهجور شد «ولئى خداوند» هم مهجور خواهد ماند. قرآن نقشه راه زندگی و کتاب سعادت و خوشبختی و نسخه شفاء است بیایم قرآن را دریابیم و با عمل به آن خیر و سعادت دنیا و آخرت را به دست آوریم راه آن توجه به همان چیزی است که در این آیه دعوت شده ایم در مورد آن بیندیشیم واژه «إسباغ» از ریشه «سبغ» به معنای وسیع و تام و کامل است « درع سَابَغٌ: تامٌ واسعٌ. قال الله تعالی: أَنْ اِعْمَلْ سَابِغَاتٍ [سبأ/ ۱۱]، و عنه استعیر إسْبَاغُ الوضوء، و إسْبَاغُ النِّعَمِ قال: وَ اَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ » (مفردات ذیل واژه سبغ) لذا در آن معنای کثرت و فراوانی گنجانده شده است.

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟

موضوع سخن در این آیه شریفه «انسان» است.

معرفت نفس و انسان شناسی از مهم ترین و ضروری ترین موضوعاتی است که لازم است هر انسانی تمام توجه خود را نسبت به آن بکار گیرد.

آیا روی این موضوع فکر کرده ایم که انسان موجودی است که خداوند متعال آن چه که در آسمانها و زمین است را مسخر و رام او نموده است؟ و تمام نعمت های پیدا و پنهان خود را بر سر او فرو ریخته است!

حال سؤال این است چنین انسانی برای چه هدفی خلق شده است!؟

برای خوب خوردن و خوب پوشیدن و خوب لذت بردن!

اگر تمام دنیا برای انسان خلق شده است پس قطعاً او برای امری فراتر از آن آفریده شده است تاامل در این موضوع ما را به این نتیجه می رساند که نه تنها برای دنیا آفریده نشده برای صرف بهشت رفتن هم به این عالم نیامده است بلکه برای تقرب الی الله و سیر به سوی او قدم در این وادی گذاشته است.

لذا خداوندی که میلیاردها موجود آفریده است نوبت به انسان که رسید تعبیر «احسن الخالقین» به کار برده است یعنی استعداد بالقوه ای که خالق حکیم در وجود انسان قرار داده است به گونه ای است که در صورت شکوفا شدن می تواند به بالاترین درجات و مراتب برسد قطعاً درجه و رتبه و ارزش و مقام جز با رفع موانع و تقرب به خداوند با چیز دیگری به دست نمی آید.

اگر ما برای قرب الی الله به این عالم آمده ایم راهی پر پیچ و خم و پر از خطر و موانع در پیش داریم که طی این مسیر جز با وجود یک راهنمایی که خود در اوج و قلّه ی آن قرار دارد امکان پذیر نیست

این همان مطلبی است که در بیان نورانی آقا موسی بن جعفر علیه السلام بیان شده است که مراد از «نعمت ظاهره» امام ظاهر و مراد از «نعمت باطنه» امام غائب است (۱).

راوی سؤال می کند آیا در بین ائمه علیهم السلام کسی هست که غائب می شود؟ حضرت می فرمایند: بلی شخص او غائب می شود ولی یاد او از دل های مومنین غائب نخواهد شد او دوازدهمین (امام) از ماست....

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می فرمایند: نعمت ظاهره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و مراد از نعمت باطنه ولایت ما اهل بیت می باشد (۲).

نکات:

۱- از تامل در آیه شریفه و روایات رسیده در ذیل آن به دست می آید که فلسفه وجودی و رسالت اصلی امام معصوم، رساندن انسان های لایق به مقام عظیم قرب الی الله است نه این که

۱- راوی می گوید: از مولایم آقا موسی بن جعفر در مورد آیه «وَ أَشْبَحَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» پرسیدم حضرت فرمودند: مراد از نعمت آشکار امام آشکار و مراد از نعمت پنهان امام پنهان و غائب است عرض کردم آیا در میان ائمه کسی هست که غائب می شود؟ فرمودند: بلی شخص او از دیدگان مردم پنهان می شود ولی یاد او از دل های مومنین فراموش نمی شود و او دوازدهمین ماست خداوند هر مشکلی را برای او آسان و هر امر دشواری را برایش راحت می گرداند و گنجهای زمین را برای او آشکار خواهد ساخت و هر دوری را برایش نزدیک می گرداند و هر زورگویی معاندی را به دستش نابود می گرداند.»  
«...فَقَالَ عِ النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامِ الْغَائِبِ فَقُلْتُ لَهُ وَ يَكُونُ فِي الْأَائِمَّةِ مَنْ يَغِيبُ قَالَ نَعَمْ يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ...» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۴ ح ۶ ص: ۳۶۹)

۲- عن جابر قال: قال رجل عند أبي جعفر عليه السلام: «وَ أَشْبَحَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» قال: اما النعمة الظاهرة فالنبي صلي الله عليه و آله و ما جاء به من معرفه الله عز و جل و توحیده، و اما النعمة الباطنة فولایتنا أهل البيت و عقد مودتنا فاعتقد و الله قوم هذه النعمة الظاهرة و الباطنة و اعتقدها قوم ظاهره و لم يعتقدها باطنه، فأنزل الله: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ» (تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۲۱۳ ذیل آیه)



صرفاً امام را وسیله ای برای رسیدن به خواسته های مادّی خود قرار دهیم و فقط در هنگام مواجه شدن با مشکلات و نیازهای مادّی به او متوسل شویم!

وقتی راوی از امام صادق علیه السلام سؤال نمود «متی الفرج» فرج کی محقق می شود؟ حضرت از این سؤال ناراحت شدند زیرا دریافتند که مقصود او این است که حضرت مهدی می آید تا راحت شویم؟! لذا فرمودند: «آیا تو هم از کسانی هستی که دنیا را می خواهند؟! کسی که این امر را بشناسد فرج او حاصل شده است به جهت انتظارش!» (۱)

یعنی همین الان در عین غیبت امام می توان از فیوضات و هدایت های باطنی امام بهره مند شد به شرطی که خود را و امام را و هدف آمدنمان به دنیا و نقش امام را به خوبی بشناسیم.

امام حسین علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل بندگان خود را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند که اگر او را شناختند به بندگی او روی می آورند و با چنین عبودیتی از هر چیز و هر کس بی نیازگی شوند و به مقام غنا می رسند شخصی سؤال کرد «ما معرفه الله» این شناخت خداوند که می فرماید به خاطر آن اصلاً به این عالم آمده ایم چیست؟ (چگونه می توان به آن رسید؟) حضرت در پاسخ وی فرمودند: «شناخت خداوند شناخت همان حجّتی است که بر مردم اطاعت و پیروی از او واجب است.» (۲)

این جمله به این معناست که رسیدن به آن هدف، جز در پرتو هدایت و یاری چنین امامی امکان پذیر نمی باشد این همان نکته ظریفی است که مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۱۲۴ سوره

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى الْفَرْجُ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ وَأَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لَانْتِظَارِهِ. (الكافي - ط - الإسلامية)، ج ۱، كتاب الحجّه باب أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ ص: (۳۷۱)

۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَيَّدُوهُ فَإِذَا عَيَّدُوهُ اشْتَبَعُوا بِعِيَادَتِهِ عَنْ عِبَادِهِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ (علل الشرائع، ج ۱، باب ۹ ح ۱ ص: ۹)

بقره و آیه ۷۳ سوره انبیاء و همچنین در کتاب شیعه در اسلام به طور مبسوط به بحث پرداخته است.

با شناخت این حقیقت، نوع بهره و استفاده ما از امام متفاوت خواهد بود دیگر نمی نشینیم فقط به آینده نگاه کنیم امام کی می آید؟ بلکه هم اکنون از آثار و برکات وجودی حضرت همانند خورشید پشت ابر بهره خواهیم برد و با ظهور حضرت «نور علی نور» خواهد شد در حالی که اگر این معرفت نباشد معلوم نیست با ظهور حضرت چه وضعیتی خواهیم داشت! لذا رسول خدا فرمودند: «خوشا به حال کسانی که در زمان ظهور باشند به شرطی که در دوران غیبت، مطیع و فرمانبردار حضرت باشند و در امورات خود به ایشان اقتدا نمایند.»<sup>(۱)</sup>

و در بیان نورانی امام صادق آمده است «کسی که معرفت نسبت به این امر داشته باشد قطعاً فرج او حاصل شده است به جهت انتظارش»<sup>(۲)</sup>

آیا تا به حال برای شناخت خداوند متعال و عبودیت و بندگی بهتر او و برای نجات از وسوسه های نفسانی و شیطانی، به امام زمان متوسل شده ایم؟! و از او کمک خواسته ایم؟

۲- یکی از اسرار مهم ضرورت وجود امام و خالی نبودن زمین از حجت همین است که اگر انسان برای چنین هدف والایی به این عالم آمده است براساس برهان لطف باید هادی و رساننده او به این هدف نیز پیوسته باشد چرا که طی این مسیر به گونه ای نیست که صرفاً با «ارائه طریق» انجام گیرد بلکه «ایصال الی المطلوب» لازم است. و آنان که در چنین اصلی مشکل دارند و از غدیر فاصله گرفتند در واقع از انسانیت فاصله گرفتند و انسان را نشناختند.

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: « طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ » (بحار الأنوار ج: ۵۱ ص: ۷۲ و کمال الدین ج ۱ باب ۲۵ ح ۲ و ۳ ص

۲۸۶

۲- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى الْفَرَجُ فَقَالَ « يَا أَبَا بَصِيرٍ وَ أَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِانْتِظَارِهِ » کافی ج: ۱ ص: ۳۷۱ کتاب الحججه باب أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ

## مضطرّ

« أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَرِيمٌ »

یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می شوید.

در این آیه شریفه در سومین سؤال از مشرکین جهت توجه دادن آن ها به توحید می پرسد (بت ها بهترند؟) یا کسی که خواسته درمانده و مضطر را اجابت می کند و بلا و گرفتاری ها را برطرف می سازد؟!

اما در حقیقت ریشه همه گرفتاری های انسان غفلت از مسیری است که خالق او برای رسیدن به اهداف بلند انسانی تعیین نموده است و آن اطاعت و پیروی از ولی و حجّتی است که از سوی حق قرار داده شده است اعراض از غدیر و خانه نشین نمودن اهل بیت علیهم السلام در حقیقت خروج از مسیر و افتادن در انواع گرفتاری ها و مشکلات مادی و معنوی است و در حقیقت سرگردان شدن در وادی «تیه» است

لذا براساس روایات مراد از «مضطرّ» امام زمان علیه السلام و مراد از «السوء» غیبت ایشان بیان شده است از جمله امام صادق علیه السلام می فرماید: «این آیه در مورد قائم از آل محمد علیهم السلام نازل شده است او به خدا قسم مضطر است هنگامی که در مقام (حضرت ابراهیم) دو رکعت نماز می خواند و دعا می کند و خداوند گرفتاری را برطرف می نماید(۱).

۱- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نزلت في القائم من آل محمد عليهم السلام، هو و الله المضطر إذا صلى في المقام ركعتين و دعا الى الله عز و جل، فأجابه و يكشف السوء و يجعله خليفة في الأرض. تفسير نور الثقلين ذیل آیه

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام می فرماید: «گویا حضرت قائم را می نگرم که به حجر(الاسود) تکیه داده است به خدا قسم او همان مضطری است که در قران می فرماید «امن یجیب..» واولین کسی که با او بیعت می نماید جبرئیل است(۱).

اما این که چرا ما نسبت به غیبت حضرت بی تفاوت هستیم و حالت «اضطرار» به ما دست نمی دهد تا دعا کنیم و این گرفتاری برطرف شود علت آن این است که از ضررهای غیبت آگاه نیستیم و خود را و ولی خدا را نشناخته ایم و الا-ویژگی «جلب منفعت و دفع ضرر» ما را به اضطرار می رساند و قطعاً دعایمان برای ظهور به اجابت می رسد لذا به دست آوردن این معرفت امری لازم و ضروری است.

تعبیر علامه خبیر مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در عنوان روایات باب معرفت این است «باب وجوب معرفه الامام»(۲).

ایشان در این باب ۴۰ حدیث و مرحوم کلینی در کافی ۱۴ حدیث ذکر نموده اند دقت و تامل در این روایات بسیار حائز اهمیت است.

خلاصه:

امام زمان علیه السلام آخرین ذخیره و حجت حقیقی الهی است بر اساس آیه ۸۶ هود خیر و سعادت ما در گروه اطاعت و پیروی از ایشان است و لقب «بقیه الله» از همین آیه گرفته شده است.

همه عالم برای انسان خلق شده و او برای هدفی والاتر از عالم و رسیدن به آن هدف در گرو شناخت نعمت بزرگ الهی یعنی امام زمان علیه السلام و تبعیت از ایشان است.

مضطر حقیقی امام زمان علیه السلام است که دعای مورد اجابت حق تعالی قرار می گیرد.

۱- قال أبو جعفر عليه السلام و الله لكأني انظر الى القائم عليه السلام و قد أسند ظهره الى الحجر ثم ينشد الله حقه الى ان قال عليه السلام: هو و الله المضطر في كتاب الله في قوله: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكْشِفُ السُّوءَ وَ يُجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» فيكون أول من يبایعه جبرئیل عليه السلام ثم الثلاثمأه و الثلاثه عشر رجلا، فمن كان ابتلى بالمسير وافی و من لم يتل بالمسير فقد عن فراشه، و هو قول أمير المؤمنين عليه السلام: هم المفقودون عن فرشهم، و ذلك قول الله: اسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً قال: الخيرات الولایه. همان

۲- بحار الانوار ج ۲۳ ص ۸۳ همچنین مراجعه کنید به کتاب شریف کافی ج ۱ ص ۱۸۰ کتاب الحججه باب معرفه الامام

ص: ۷۲

آیات ناظر به ظهور و حکومت واحد جهانی

اشاره

« يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۳۲) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۳۳) » (۱)

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (۳۲) اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند که شرک و ورزان ناخشنود باشند .

آیه اول اشاره به تلاش مستمر دشمن در ضربه زدن به دین دارد اما نکته مهم آن این است که نسبت به جنگ روانی و به اصطلاح جنگ نرم دشمن هشدار می دهد یعنی گرچه یکی از روش های دشمن جنگ نظامی بوده اما خطر جنگ نرم بسیار بیش از جنگ نظامی است زیرا سلاح آن شایعه، شبهه افکنی و دامن زدن به اختلافات داخلی است و اثر آن غبار آلود شدن و مشتبه شدن حق و باطل است؛ فضای فتنه بوجود می آید؛ توان و انرژی جبهه حق به جای آن که متوجه دشمن اصلی شود صرف کوبیدن همدیگر می شود دوست و دشمن را اشتباه می گیرند و به جان هم افتند درگیری داخلی و برادر کشی به راه می افتد این جا نتیجه هر چه باشد به نفع دشمن تمام می شود و عمده ضربه ای که در طول تاریخ متحمل شده ایم از همین طریق بوده است.

یکی از نمونه های آن کاری است که معاویه در مبارزه با امام حسن مجتبی علیه السلام انجام داد وقتی دید از راه نظامی کاری از پیش نمی برد به جنگ نرم روی آورد و با شایعه افکنی و دروغ پردازی مثل پیوستن «سعد بن عباد انصاری» (۲) به معاویه یا صلح امام با معاویه (۳) کاری کرد که خود یاران حضرت به خیمه اش حمله بردند خیمه را غارت کردند و امام را مجروح نمودند نکته

۱- توبه ۹: ۳۲ و ۳۳

۲- سعد از سرداران با وفای سپاه حضرت بود و نام او لوزه بر سپاه معاویه می انداخت

۳- این در حالی بود که هیچ گفتگوئی بین امام و معاویه در این رابطه مطرح نشده بوده و چنین چیزی دروغ محض بود  
مراجعه کنید به کتاب سیره پیشوایان ص ۱۰۸ سیره امام حسن مجتبی بخش توطئه های خائنانه

مهم همین جاست که دشمن در این شیوه بدون هیچ هزینه و زحمتی می نشیند و به تماشای این صحنه ها می پردازد

این همان حقیقتی است که در ادبیات دینی ما تحت عنوان دَجَال مطرح شده است دَجَال از ریشه دَجَل به معنای دروغ، نیرنگ و تزویر می باشد و در اصطلاح به کسی یا کسانی گفته می شود که در برابر حق قد علم می کنند و تمام سعی و تلاش خود را در خاموش نمودن نور حق به کار می گیرند (يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ) و از طرف دیگر خود را حق جلوه می دهند پس ماهیت دجال را دو امر تشکیل می دهد:

۱- تضعیف، تخریب و نهایتاً سعی در نابودی حق از طریق ایجاد شک و تردید، دروغ و افترا جنگ و مبارزه و...

۲- با به تن نمودن لباس حق و استفاده از نمادهای حق، خود را حق جلوه می دهد.

آنچه را که برخی از اهل کتاب در مورد نبی مکرم اسلام انجام دادند (۱) و کاری که معاویه در مورد امام علی علیه السلام انجام داد و آنچه که سینمای هالیوود امروزه در باره حضرت مهدی در پیش گرفته نمونه ای از این حقیقت است امام مهدی را پادشاه وحشت و کسی که یاد و خاطره چنگیز و مغول را در اذهان زنده می کند و کاری جز ویرانگری و کشتار از او سر نمی زند معرفی می نماید و از طرف دیگر غرب و رئیس جمهور امریکا را مهربان تر از مادر نشان می دهد که برای نجات یک کودک جان خود را به خطر می اندازد!!!

امام علی علیه السلام می فرماید اگر باطل به طور خالص ارائه می شد هیچ نگرانی نبود چرا که هیچ عاقلی آن را اختیار نمی نمود و اگر حق خالص ارائه می شد هیچ اختلافی باقی نمی ماند (یعنی همه حق را برمی گزیدند) اما مقداری از این و قدری از آن را برداشته و در هم می آمیزند

۱- (ر.ک تفسیر آیات ۴۱ به بعد سوره بقره)

اینجاست که شیطان به سوی پیروان خود می شتابد و فقط کسانی که از طرف خداوند نیکی برایشان سبقت گرفته رهائی می یابند (۱).

نتیجه این که پیوسته در برابر جریان حق، جریان باطل (=دجال) وجود داشته اما براساس روایات، گسترده ترین برنامه انحرافی در آخرالزمان شکل می گیرد و موجبات گمراهی بسیاری را فراهم می آورد (۲).

اما مساله امید بخش در آیه این است که در برابر اراده دشمن، خداوند متعال اراده نموده که نقشه های آنان را نقش بر آب کند «وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ» و تاریخ گواه خوبی بر این امر است تلاش و اراده نمرودیان و فرعونیان و امثال آنان در محو و نابودی حق و اراده الهی در برابر اراده آن ها نمونه ای از این حقیقت امید بخش است.

اما آیه دوم: آن چه که در این آیه، محور بحث است و نقش بسیار مهمی در تفسیر آیه دارد واژه «لِيُظْهِرَهُ» است

واژه «ظَهَرَ عَلِيٌّ» و «أُظْهِرَهُ عَلِيٌّ» در قرآن به دو معنی آمده است:

الف: آگاهی و اطلاع که در ثلاثی مجرد (ظَهَرَ عَلِيٌّ) به معنای آگاه شدن (۳) و در باب افعال (أُظْهِرَهُ عَلِيٌّ) به معنای آگاه ساختن می باشد (۴).

ب: غلبه و برتری (۵) که مثل صورت فوق در ثلاثی مجرد به معنای غالب شدن و در باب افعال به معنای غلبه دادن می باشد.

۱- «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ ذِي حِجِّي وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَ لَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمْرَجَانِ فَيَجِيئَانِ مَعًا فَهَذَا لَكَ اسْتِخْوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَيَّ أَوْلِيَانِهِ وَ نَجَا الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ» (الكافي ج ۱ ص ۵۴، كتاب فضل العلم، باب البدع و الرأي و المقاييس)

۲- جهت تحقیق در مورد دجال مراجعه نمایید به: معجم موضوعی احادیث امام مهدی از استاد کورانی، فصل دوم، کتاب منتخب الاثر ج ۳ ص ۲۷۳ از حضرت آیه الله صافی گلپایگانی، تاریخ غیبت کبری از سید محمد صدر در سه بخش از کتاب دجال مطرح شده است.

۳- «أَوْ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَيَّ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» نور ۲۴: ۳۱

۴- «فَلَمَّا تَبَأَتْ بِهِ وَ أظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» تحریم ۶۶: ۳ «عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِهِ أَحَدًا» جن

۷۲: ۲۶

۵- «كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْنَا لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةَ» توبه ۹: ۸



در چنین مواقعی نیاز به قرینه معینه است که مشخص شود کدام معنا مقصود صاحب سخن است؟ همان گونه که در آیه ۸ سوره توبه همه مفسران معتقدند «یظہروا علیکم» به معنای غلبه و برتری است.

مشهور میان مفسران شیعه و اهل سنت این است که این آیه شریفه مژده و نوید حکومت واحد جهانی اسلام را در بر دارد و بر اساس روایات این حقیقت به دست حضرت مهدی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد.

اما از نظر بررسی احتمالات موجود در آیه، با توجه به مرجع ضمیر «لیظہره» و دو معنایی که برای این واژه وجود دارد، سه احتمال قابل تصور است:

۱- ضمیر در «لیظہره» به رسول خدا بر می گردد و اظهار به معنای مطلع ساختن است لذا معنای آیه این است «خداوند رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه دین ها آگاه سازد»

۲- ضمیر به دین بر می گردد و اظهار به معنای غلبه و برتری دادن است اما برتری با حجت و برهان و معنای آیه این است «خداوند رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین اسلام را بر همه دین ها برتری دهد» (با حجت و برهان قوی) و این امر از همان ابتدای نزول آیات قران تحقق پیدا کرد یعنی اسلام از نظر برهان بر همه ادیان برتری دارد.

۳- همان معنای فوق با این تفاوت که این غلبه و برتری غیر از برتری با حجت است یعنی علاوه بر آن برتری، خداوند متعال اراده نموده دین اسلام را دین واحد جهانی و حاکم بر همه ادیان قرار دهد یعنی مراد از غلبه دین حق بر همه دین ها «نشر و حاکمیت جهانی اسلام» است.

نقد این اقوال

قول اول: آیا آگاه ساختن پیامبر بر همه ادیان متفرع بر ارسال اوست؟ به عبارت دیگر آیا خداوند رسولش را فرستاد تا او را بر همه دین ها آگاه سازد؟ «ارسل رسوله..... لیظہره...»

آیا مشرکان نسبت به علم و آگاهی پیامبر اسلام اکراه داشتند یا نسبت به نشر و حاکمیت اسلام؟ «لیظہره...و لو کره المشرکون

«

قول دوم: آیا اتمام نور(۱)، با غلبه اسلام از نظر منطق و استدلال مناسب تر است یا با نشر و حاکمیت آن؟ و آیا مبارزه دشمن با اسلام به خاطر منطق و استدلال اسلام بود یا به خاطر نشر و حاکمیت حقیقت اسلام؟

نمونه بارز آن نوع برخورد استکبار جهانی با کشورهای اسلامی و خود فروخته که نه تنها هیچ تلاشی برای نابودی آنان صورت نمی گیرد بلکه با تمام وجود در حفظ آنان می کوشند زیرا مجری اهداف شوم غربند با این که چه بسا بیشترین چاپ قران در آن جا صورت می گیرد

اما در مقابل از تمام شیوه ها برای نابودی جمهوری اسلامی ایران بهره می گیرد و شب و روز برای از بین بردن آن می کوشد چرا؟ آیا در اسلام و قران ما با آنان تفاوت وجود دارد؟ یا مساله اجرای حقیقت اسلام و تلاش برای بیداری امت های اسلامی و تقویت روحیه ظلم ستیزی است!!؟

اضافه بر این که این آیات جزء آخرین آیاتی است که نازل شده و مشتمل بر مژده و نوید می باشد در حالی که غلبه و برتری اسلام از نظر منطق و استدلال از همان ابتدای بعثت حاصل بود .

مرحوم علامه در مورد این دو آیه می فرماید: این دو آیه، مؤمنین را نسبت به مبارزه با اهل کتاب تشویق می نماید و این امر را بر آن ها واجب می گرداند چرا که این دو آیه دلالت می کند بر این که خداوند اراده نموده این دین را در عالم بشری منتشر سازد پس باید در راه سعی و کوشش نمود (۲).

### نتیجه این که تفسیر صحیح آیه همان قول سوم است

علاوه بر این که روایات متعددی از فریقین بر این معنا تأکید می نماید که دین اسلام دین واحد جهانی خواهد شد .

قرطبی از علمای اهل سنت ذیل این آیه می گوید:

۱- « یُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ » توبه ۹ : ۳۲

۲- تفسیر المیزان، ذیل آیه ۳۲ و ۳۳ توبه

« سُدى (از راویان صدر اسلام) گفته است این حقیقت (غلبه اسلام بر سایر ادیان) با قیام حضرت مهدی به وقوع می پیوندد و کسی باقی نمی ماند مگر این که مسلمان می شود یا باید جزیه پرداخت (۱)»

و محمد بن یوسف گنجی یکی دیگر از علمای اهل سنت در کتاب بیان فی اخبار مهدی صاحب الزمان از قول سعید بن جبیر در تفسیر آیه شریفه می گوید:

« هو المهدی من ولد فاطمه » او مهدی از فرزندان فاطمه است (۲) (که اسلام را بر همه ادیان غالب می گرداند).

از ناحیه معصومین علیهم السلام روایات متعددی در مورد این آیه شریفه وارد شده است

إمام حسین علیه السلام می فرماید:

نهمین فرزند من کسی است که قیام به حق می کند و خداوند زمین را بعد از مردنش به دست او زنده می گرداند دین حق را به واسطه او بر همه دین ها غلبه می دهد هر چند مشرکان ناخشنود باشند (۳)

إمام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

به خدا قسم تاویل این آیه هنوز نیامده است و تاویل آن نخواهد آمد تا این که حضرت قائم قیام نماید (۴)

۱- تفسیر الجامع لاحکام القرآن ، ذیل آیه ۳۳ توبه

۲- بیان فی اخبار مهدی صاحب الزمان باب ۲۵ ح ۶۹ ص ۱۰۶ ملاحظه نامه ای که مرکز رابطه العالم الاسلامی در پاسخ به نامه ای از کنیا در مورد اصالت مهدویت نوشته است خالی از لطف نیست. مراجعه کنید به تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۳۷۵ و کتاب مهدویت در صحاح سته ابتدای بخش چهارم کتاب

۳- قال الحسين بن علی بن ابی طالب علیهم السلام: « منا اثنا عشر مهديا أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، و آخرهم التاسع من ولدي و هو القائم بالحق، يحيي الله به الأرض بعد موتها، و يظهر به الدين الحق على الدين كله و لو كره المشركون » كمال الدين، ج ۱ باب ۳۰ ح ۳

۴- قال ابو عبد الله عليه السلام في قوله عز و جل: « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ » فقال: و الله ما نزل تأويلها بعد و لا- ينزل تأويلها حتى يخرج القائم عليه السلام، فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم و لا- مشرك بالإمام الأكره خروجه «نور الثقلين، ذیل آیه راوی می گوید: به امام کاظم عرض کردم « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ » حضرت فرمودند: این همان چیزی است که خداوند رسولش را نسبت به ولایت برای وصیش فرمان داد و ولایت همان دین حق است گفتم: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» فرمودند: خداوند این دین حق را در زمام حضرت قائم بر همه دین ها غلبه می بخشد خداوند می فرماید: «و الله مُتِمُّ نوره» (آیه ۸ سوره صف) مراد ولایت حضرت قائم است «وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» یعنی هر چند کسانی که به ولایت حضرت علی کافر باشند ناخشنود باشند. همان در روایت بسیار مهمی امام باقر به

محمد بن مسلم می فرمایند: «قائم از ما با ترس و وحشت (که در دل دشمنان می افتد) یاری می شود و با نصرت (الهی) تایید و تقویت می گردد زمین برای او جمع و گنج های آن برای او آشکار می گردد حکومت او شرق و غرب را فرا خواهد گرفت و یظهر الله عز و جل دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون، و خداوند به دست او دینش را بر همه دین ها غلبه خواهد بخشید هر چند مشرکان ناخشنود باشند پس هیچ ویرانی باقی نمی ماند جز این که آباد می شود و حضرت عیسی مسیح فرود می آید و پشت سر او به نماز می ایستد.» (کمال الدین ج ۱ باب ۳۲ ح ۱۶)

چند نکته :

۱- موعود موجود یا موعودی که در آینده به دنیا خواهد آمد

طبق این آیه شریفه و آیات و روایات متعدد دیگر به اتفاق فریقین، وعده تحقق عدالت جهانی به رهبری مردی از نسل رسول الله مشهور به مهدی امت از طرف خداوند داده شده است اما آیا این موعود موجود است یا این که در آینده به دنیا خواهد آمد؟

این همان دو راهی بین ما و اهل سنت است ما معتقدیم هیچگاه زمین از حجت الهی خالی نبوده است و نخواهد بود و مصداق حجت حی در این زمان همان موعود امم حضرت مهدی است

اگر قران را به داوری و قضاوت بین ما و اهل سنت فرا بخوانیم قطعاً بر اساس آیاتی که در بخش «آیات ناظر به حجت حی در هر زمان» گذشت با قاطعیت می توان «موعود موجود» را از منتظر قران اثبات نمود.

۲- ولایت تداوم رسالت است و امام تمام شئون نبی مکرم اسلام به جز نبوت و دریافت وحی را عهده دار می باشد (۱). و اگر این نوید قرآن توسط آخرین وصی حضرت واقع می شود مثل این است که خود نبی این حقیقت را عملی ساخته است.

۳- در سوره صف آیه نهم، عین همین آیه تکرار شده و در سوره فتح آیه ۲۸، همین آیه آمده ولی پایان آیه می فرماید: «و کفی بالله شهیدا»

شاید سرّ آن این باشد که در سوره فتح اشاره به این نکته دارد که شاهدِ تحققِ این واقعیت و گواه و ضامن آن خود خداست که آن را اراده کرده و امضاء نموده. در نتیجه امری است قطعی و در سوره توبه و صفّ اشاره به این نکته دارد که چون چنین امری را خدا خواسته و امضاء نموده، پس قطعاً واقع می شود هر چند مشرکان از آن ناخشنود باشند یعنی هیچ قدرتی نمی تواند جلوی آن را بگیرد.

۴- این آیه امید و اعتماد به نفس را برای منتظران در بر دارد چرا که می فرماید: در برابر اراده دشمن در خاموش نمودن نور اسلام، خداوند اراده کرده که این نور و این حقیقت علی رغم خواست و میل دشمن، روشن باقی خواهد ماند و سراسر عالم را خواهد گرفت و همان معنایی را به ذهن می آورد که در جای دیگر می فرماید:

«و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!» (۲)

۵- از آیات متعدد دیگر قرآن به دست می آید (۳) که مردم در جهانی شدن اسلام و نشر و حاکمیت آن نقش دارند و هر چه بیشتر تلاش کنند و عملاً- لیاقت و شایستگی و پابندی خود را علی رغم همه فشارها و تهدیدات دشمن به اثبات برسانند، زودتر این حقیقت به وقوع خواهد پیوست «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (۴)

۱- برای توضیح بیشتر مراجعه نمایید به ضمیمه شماره ۱

۲- «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» آل عمران ۲: ۱۳۹

۳- مثل آیه ۱۱ سوره رعد و ۲۵ سوره حدید

۴- محمد ۴۷: ۷

۶- موضوع حکومت واحد جهانی مساله ایست که ریشه در قران دارد همان گونه که با تامل در این آیه و ده ها آیه دیگر و روایات وارده ذیل آن که در تفاسیر فریقین آمده به خوبی مشهود است لذا لازم است خواص از تبیین و تجزیه و تحلیل آن غفلت نورزند.

## پیشوائی مستضعفان

### اشاره

«و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱)

و می خواهیم بر آنان که در زمین به استضعاف کشیده شده اند، منت نهیم و آنان را پیشوا سازیم و آنان را وارث [زمین] گردانیم

واژه ها:

«نُرِيدُ» فعل مضارع از باب افعال به معنای «خواستن» است.

اراده در مورد حق تعالی به دو گونه است:

۱- اراده تکوینی که به فعل تعلق می گیرد و تخلف ناپذیر است و قطعاً واقع خواهد شد.

«فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود» (۲)

۲- اراده تشریحی که به اختیار انسان تعلق می گیرد و انجام آن به خواست انسان بستگی دارد در سوره مائده در مورد تشریح وضوء و غسل می فرماید: «وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ» خداوند می خواهد شما را پاک و طاهر گرداند.

در آیه مورد بحث، اراده از نوع اول است و اشاره به همان سنت قطعی و مسلم الهی در نابودی مستکبران و پیروزی مستضعفان دارد و سنت های الهی از اموری هستند که تغییر ناپذیر است. «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (۳)

«نَمِّنْ» از فعل مَنْ، يَمِّنْ، مِنْهُ، در این جا به معنای «نُنِّمَ نِعْمَةً عَظِيمَةً» است (۴) یعنی ما می خواهیم نعمت بزرگی را به آنها ببخشیم و به تعبیر راغب اصفهانی در مفردات «منت» در این جا

۴- «واژه منت به معنای نعمت سنگین است و به دو صورت است ۱- با عمل باشد در این صورت می گویند فلانی منت گذاشت یعنی نعمت عظیم و سنگین به او داد و این همان است که خداوند می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» [آل عمران / ۱۶۴ ... [إبراهیم / ۱۱]، «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا» [القصص / ۵]، ... ۲- با سخن باشد و این صورت که در بین مردم ممکن است واقع شود زشت و ناپسند است لذا گفته شده است منت کار را خراب می کند مگر در موردی که طرف ناسپاسی کند که در این صورت زشت نیست لذا گفته شده است که «إِذَا كَفَرَتِ النِّعْمَةُ حَسَّتِ الْمَنَّةُ». خداوند می فرماید: «يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمُ [الحجرات / ۱۷]» این همان مورد دوم و مذموم است اما منتی که به خداوند نسبت داده شده است همان نوع اول است و آن هدایت نمودن آنان است (که لطف عظیمی است) (المفردات ذیل واژه مَنْ)



منت عملی است یعنی بخشش نعمت عظیم. در قران این واژه در مورد نعمت هایی مثل: «اسلام و ایمان» (۱) «وحي و نبوت» (۲) «نجات از عذاب» (۳) و اموری از این قبیل بکار رفته است.

«أَسْتَضْعِفُوا» فعل ماضی مجهول از باب استفعال و به معنای «جُعِلُوا فِي الضَّعْفِ» می باشد یعنی کسانی که در ضعف قرار داده شدند و مورد ظلم و آزار و اذیت قرار گرفتند.

مقصود کسانی نیست که از نظر جسمی یا مالی یا فکری و اعتقادی ضعیف هستند نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به آقا امیر المومنین و حسنین علیهم السلام نگریستند و فرمودند: « شما بعد از من مورد ظلم و ستم قرار می گیرید» (۴) قطعاً اینان نه تنها ضعیف و ترسو نبودند بلکه در قله شهامت و شجاعت بودند اما در برابر ظلم نا جوانمردانه مستکبران در اثر نداشتن یاور و خطر

۱- حجرات ۴۹: ۱۷

۲- آل عمران ۳: ۱۶۴، نساء ۴: ۹۴، ابراهیم ۱۴: ۱۱ و...

۳- طور ۵۲: ۲۷، قصص ۲۸: ۸۲

۴- عَنِ الْمُفْضَلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع فَبَكَى وَ قَالَ أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي قَالَ الْمُفْضَلُ فَقُلْتُ لَهُ مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ مَعْنَاهُ أَنْكُمْ الْأَيْمَةُ بَعْدِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ فَهَذِهِ الْأَيَّةُ حَيَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۴، ص: ۱۶۸)

عظیم دشمنان داخلی و خارجی سکوت نمودند و همانند کسی که استخوان در گلو و خاری در چشم دارد سوختند و ساختند تا حق بماند. (۱)

### سنت قطعی و مستمر الهی

به بیان تفسیر نمونه (۲) «چقدر این آیه گویا و امیدبخش است؟ چرا که به صورت یک قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر بیان شده است، تا تصور نشود اختصاص به مستضعفان بنی اسرائیل و حکومت فرعونیان داشته، می گوید: ما می خواهیم چنین کنیم... یعنی فرعون می خواست بنی اسرائیل را تار و مار کند و قدرت و شوکتشان را در هم بشکند، اما ما می خواستیم آنها قوی و پیروز شوند.

این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر.

نمونه ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود و نمونه کاملترش حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یارانش بعد از ظهور اسلام بود.

نمونه "گسترده تر" آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله "مهدی" (ارواحنا له الفداء) است.

این آیات از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد، لذا در روایات اسلامی می خوانیم که ائمه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده اند.

در نهج البلاغه از امام علی علیه السلام چنین آمده است:

۱- «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدْ دِي وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا» (نهج البلاغه خطبه سوم) جهت آگاهی از وضعیت موجود بعد از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله مراجعه نمایید به کتاب چشمه در بستر از حجه الاسلام پور

سید آقائی قسمت اوضاع مدینه ص ۳۱ به بعد

۲- تفسیر نمونه ج ۱۶ ص ۱۱ ذیل آیه

" دنیا پس از چموشی و سرکشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد - به ما روی می آورد ... سپس آیه " وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ " را تلاوت فرمود" (۱)

و در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار می خوانیم که در تفسیر آیه فوق فرمود:

" این گروه آل محمد صلوات الله علیهم هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود برمی انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند" (۲)

و در حدیثی از امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام می خوانیم:

" سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد که نیکان از ما اهل البیت و پیروان آنها بمنزله موسی و پیروان او هستند، و دشمنان ما و پیروان آنها بمنزله فرعون و پیروان او می باشند" (۳) (سرانجام ما پیروز می شویم و آنها نابود می شوند و حکومت حق و عدالت از آن ما خواهد بود)»

حکیمه خاتون فرزند امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسگری علیه السلام که شاهد ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است می گوید: وقتی حضرت به دنیا آمدند، روز هفتم ولادتشان در برابر پدر گرامی شان ایستاد و این آیه شریفه را تلاوت نمود « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ ...» (۴)

۱- «لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا - عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا - وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ - وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» نهج البلاغه حکمت ۲۰۹

۲- «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعْزُهُمْ وَ يُدِلُّهُمُ عَدُوَّهُمْ» بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۵۴ و الغيبة شیخ طوسی ص

۱۸۴

۳- «وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ شَيَعَتَهُمْ بِمَنْزِلِهِ مُوسَى وَ شَيَعَتِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا وَ أَشْيَاعَهُمْ بِمَنْزِلِهِ فِرْعَوْنُ وَ أَشْيَاعِهِ» بحار الأنوار ج ۲۴ ص ۱۶۷ باب ۴۹- أنهم عليهم السلام المستضعفون

۴- کمال الدین ج ۲ ص ۴۲۴ باب ۴۲ ح ۱

نتیجه: «یُرید» بیانگر قطعیت و حتمیت ظهور و «أَنْ تَمَنَّ» عظمت و اهمیت این نعمت را بیان می کند و «عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ» برای مظلومان جهان امید بخش است و پیام استقامت و ایستادگی را در بر دارد.

آن چه که مهم است این است که حضرت مهدی علیه السلام به فرمان الهی برای نجات و رهائی مظلومان از چنگال خون... آشامان خواهد آمد او منجی و پناه محرومان است در این باره ذیل آیه ۱۷ حدید توضیح بیشتر داده خواهد شد.

خلاصه:

باید پیوسته مراقب شیطنت های دشمن بویژه فتنه افروزی آنان بود.

در برابر اراده دشمن در نابودی حق، خداوند متعال اراده نموده است که دین حق را بر همه دین ها غلبه بخشد و دین اسلام به رهبری حضرت مهدی علیه السلام دین واحد جهانی گردد.

اراده قطعی خداوند بر این امر تعلق گرفته است که با نابودی مستکبران، مظلومان جهان را به رهبری امام زمان علیه السلام وارث آنان گرداند.

## حکومت جهانی صالحان

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱۰۵) إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ (۱) (۱۰۶)

و به یقین ما، در زبور نوشتیم پس از ذکر، که زمین را بنندگان نیکوکار من میراث برند. به راستی در این سخن برای خداپرستان پیام روشنی است.

«ل» و «قد» هر دو، عامل تأکید می باشد

«کتبنا» یعنی نوشتیم ما، اما به بیان راغب در مفردات هر گاه بخواهند از امری حتمی و قطعی خبر دهند از این واژه استفاده می شود (۲)

«زبور» از ماده زَبَرَ به معنای کتاب می باشد اگر الف و لام آن جنس باشد به معنای همه کُتِبَ آسمانی است و اگر الف و لام آن عهد باشد به معنای کتاب خاصی از میان کُتِبَ آسمانی است یعنی زبور حضرت داوود علیه السلام

«ذکر» در قرآن کریم به معانی متعددی آمده است و در این آیه به معنای «لوح محفوظ» یا به معنای «تورات» می باشد

از امام صادق علیه السلام در مورد «زبور» و «ذکر» در این آیه سؤال شد فرمودند: مراد از ذکر آن چه نزد خداست می باشد (ام الکتاب و لوح محفوظ) و مراد از زبور کتابی است که بر حضرت داود علیه السلام نازل شد (۳).

«الارض» اگر الف و لام آن جنس باشد به معنای همه کره زمین و اگر عهد باشد به معنای سرزمین خاصی از آن است

«یرثها» از ماده إرث به معنای انتقال مال میت به ورثه است ولی در این جا به معنای کنائی آن یعنی تسلط یافتن و قدرت و غلبه پیدا نمودن است.

۱- انبیاء ۲۱: ۱۰۵ و ۱۰۶

۲- «و یعبّر عن الإثبات و التقدير و الإيجاب و الفرض و العزم بالکتابیه، و وجه ذلك أن الشیء یراد، ثم یقال، ثم یکتب، فالإرادة مبدأ» مفردات راغب اصفهانی واژه کتب

۳- مجمع البیان، ذیل آیه

نکته: وجود دو عامل تأکید در ابتدای آیه و همچنین واژه «کتبنا» که بیانگر قطعیت و حتمیت است و پیشگویی این مسأله در کُتُب آسمانی قبل، بیانگر اهمیت موضوعی است که در این آیه شریفه پیشگویی شده است.

اما آنچه که مهم است و محور بحث در آیه محسوب می شود واژه «الارض» است که سه دیدگاه در مورد آن وجود دارد:

۱- الف و لام «الارض» عهد است و مراد از آن سرزمین مکه می باشد

طبق این بیان، آیه شریفه فتح مکه را پیشگویی نموده و به مسلمانانی که تحت ظلم و ستم کفار و مشرکین قریش قرار داشتند این مژده و نوید را داده که روزی همین مکه به دست بندگان صالح خداوند، یعنی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اصحابش، فتح می شود که در سال هشتم هجرت این وعده الهی محقق شد

۲- الف و لام «الارض» عهد است اما مقصود از آن سرزمین بهشت و فردوس برین است در سوره مبارکه مؤمنون پس از ذکر ویژگی مؤمنین می فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰) الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)»

طبق این بیان، آیه شریفه مربوط به عالم آخرت و بهشت است و بر این نکته تأکید می نماید که بهشت جای صالحان است

۳- الف و لام «الارض» جنس است و اطلاق آن همه کره زمین را در بر می گیرد

و طبق این بیان، آیه ناظر به آینده بشریت و حکومت جهانی صالحان به رهبری «ابا صالح المهدی» عجل الله تعالی فرجه خواهد بود که مژده آن در آیات و روایات داده شده است

گر چه هر سه مطلبی که بیان شد در جای خود مسلم و قطعی است اما به جهت این که واژه «الارض» در آیه مطلق ذکر شده و هیچ دلیل معتبری بر تفسیر آن نداریم لذا این آیه شریفه مژده و نوید ظهور و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در بر دارد

روایات متعددی از ناحیه معصومین علیهم السلام، این معنی را تأیید می کند و سیاق این روایات نشان می دهد که ناظر به ظُهر و تفسیر آیه است

إمام باقر عليه السلام در مورد «عبادی الصالحون» می فرمایند: «آنها اصحاب امام مهدی در آخر الزمان هستند» (۱).

مرحوم طبرسی رضوان الله تعالی علیه همین قول را ترجیح می دهد و می فرماید :

« برخی گویند : یعنی زمین بهشت را بندگان صالح من به ارث می برند. مثل: «الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفُرْدَوْسَ» (مؤمنون ۱۱) آنها که بهشت فردوس را به ارث می برند. برخی گویند : مقصود همین زمین است که بدست امت محمد (صلی الله علیه و آله) خواهد افتاد. چنان که فرمود: «زُوِيَ لِي الْاَرْضُ فَأَرَيْتُ مَشَارِقَهَا وَ مَغَارِبَهَا وَ سَبَّحْتُ مَلَكَ اُمَّتِي مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا» زمین برای من جمع شد و تمام شرف و غرب آن به من نشان داده شد. بزودی ملک امت من همه آنها را فرا می گیرد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: اینها اصحاب مهدی در آخر الزمانند. مؤید آن روایتی است که خاص و عام از پیامبر خدا روایت کرده اند که: « لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً صالحاً من اهل بيتي يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما قد ملئت ظلماً و جوراً » اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا آن روز را طولانی میکند تا مردی صالح از اهل بیت من را مبعوث گرداند و زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، پر از عدل و داد کند. (۲).

مرحوم علامه رضوان الله تعالی علیه نیز در تفسیر المیزان می فرماید :

مراد از وراثت زمین ، تسلط یافتن صالحان بر منافع زمین است که یا دنیوی است به این معنا که زمین از شرک و معصیت پاک خواهد شد و یک جامعه بشری صالح ، ساکن این زمین خواهند شد و یا اخروی است که همان دست یافتن به مقامات قرب الهی است لذا آیه مطلق است و هیچ دلیلی بر تخصیص آن نداریم ولی سیاق آیه بیانگر این است که این آیه عطف باشد به آیه «فمن يعمل

۱- عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: «قوله عز وجل: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» هم أصحاب المهدى (عليه السلام) في آخر الزمان» (تفسیر المیزان) راجع إلى البرهان ذیل آیه (امام الباقر) علیه

السلام) وقوله : ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر، قال: الكتب كلها ذكر. وأن الارض يرثها عبدي الصالحون، قال: القائم عليه السلام وأصحابه. (معجم احاديث امام مهدى عليه السلام ج ۵ ذیل آیه)

۲- تفسير مجمع البيان ذیل آیه

من الصالحات...» که ناظر است به پاداش اخروی صالحان و آیه مورد بحث مربوط است به پاداش دنیوی صالحان و نتیجه این می شود که پاداش دنیوی صالحان این است که حاکم بر زمین می شوند (۱).

آلوسی از مفسران اهل سنت نیز در تفسیر خود نظیر همین مطلب را ذکر کرده است (۲).

جان کلام این که آنچه که به عنوان سنت الهی در مورد همه امت ها در سوره مبارکه اعراف مورد تأکید قرار گرفته که «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۳) و همین طور در سوره قصص بیان شده «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» که پایان شب سیه سپید است و ظلم همانند کف روی آب رفتنی است در آیه مورد بحث مورد تأکید قرار گرفته است و بارزترین و کامل ترین مصداق نابودی ظلم و ستم در گستره جهانی پیشگوئی شده و در آیه ۵۵ سوره نور با تفصیل بیشتری بیان شده است .

در آیه بعد میفرماید « در این مسأله پیام روشنی برای خدا پرستان وجود دارد»

۱- تفسیر المیزان ج ۱۴ ص ۳۳۱ ذیل آیه

۲- «... در روایت دیگری از ابن عباس آمده است که مراد از «الارض» زمین دنیا است که مومنان آن را به ارث می برند و حاکم بر آن می شوند و این همان گفتار کلبی است و با آیه «لَيْسَ يَخْلَفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (النور: ۵۵) تأکید و تقویت می شود و مسلم و ابو داوود و ترمذی (سه نفر از صاحبان صحاح سته) از ثوبان و او از رسول خدا نقل نموده اند که حضرت فرمودند: «خداوند زمین را برای من جمع نمود و مشرقها و مغرب های آن (یعنی تمام نقاط زمین) را دیدم و همانا حکومت امت من به آن چه که از زمین برایم جمع شد خواهد رسید» و این وعده ایست از ناحیه خداوند متعال به غلبه دین و عزت اهل آن و سیطره آنان بر بیشتر مناطق آباد زمین که مردم به آن جا رفت و آمد دارند و الا سرزمین هایی نیز هست که مسلمانان به آن جا قدم نگذاشته اند مثل سرزمین مشهور به سرزمین جدید و هند غربی. البته همه این سرزمین ها نیز در دوران حضرت مهدی و فرود آمدن حضرت عیسی در حوزه اسلام قرار می گیرد دیگر نیازی به آن توجیه نیست (یعنی معنای آیه این می شود که تمام نقاط زمین روزی تحت حکومت اسلام قرار خواهد گرفت) تفسیر روح المعانی ج ۹ ص ۹۹ ذیل آیه و مراجعه کنید به تفسیر

روح البیان اسماعیل حقی

۳- اعراف ۷: ۱۲۸



«بلاغ» به معنای رسیدن به «انتهای چیزی»، «تبلیغ و رساندن» و «کفایت کردن» می باشد (۱) و آیه با هر سه معنا سازگاری دارد به راستی پیام این آیه چیست؟ آیا برای امت نقشی برای حاکمیت صالحان قرار داده نشده است؟ آیا نمی توانند برای تحقق هر چه زودتر این نوید، قدمی بردارند!!

چند نکته:

۱- یکی از کنیه ها و به تعبیر دقیق تر یکی از القاب حضرت که در قالب کنیه آمده «ابا صالح» است ما دلیل نقلی بر این که چنین تعبیری در مورد حضرت اطلاق شده باشد نداریم به نظر می رسد به تعبیر برخی از بزرگان (۲) این تعبیر از همین آیه شریفه گرفته شده است یکی از معانی «أب» صاحب است «ابا صالح» یعنی کسی که بندگان صالح در اختیار دارد. حضرت مهدی علیه السلام رهبر و امام «عبادی الصالحون» است لذا او را «ابا صالح» می گویند.

۲- با توجه به سنت الهی و آیاتی مثل آیه ۱۱ سوره رعد و آیه ۲۵ سوره حدید و امثال آن، بنا نیست عالم با اعجاز اصلاح گردد (۳) بلکه نیاز به انسان هایی است که خیر و صلاح بر وجودشان حاکم شده باشد پس:

اولاً هر کسی در هر موقعیت و مسؤلیتی که دارد باید بکوشد از ظلم و ستم دوری کند و اهل عدل و داد باشد و به عبارت دیگر «منتظران مصلح خود باید صالح باشند» (۴)

۱- مفردات راغب إصفهانی واژه بلغ

۲- حضرت آیه الله مکارم شیرازی ر.ک فصل نامه تخصصی انتظار شماره ۱۱ و ۱۲ ص ۲۱

۳- بشیر نبال می گوید با امام باقر عرض کردم می گویند وقتی حضرت مهدی قیام کند همه کارها خود به خود (معجزه آسا) درست می شود و با اندازه شیشه حجامت خونی ریخته نمی شود. حضرت فرمودند: «هرگز قسم به آن کسی که جان من به دست اوست اگر بنا بود کارها برای کسی خود به خود درست شود برای رسول خدا این چنین می شد در حالی که دندانهایش خونی و صورتش مجروح شد نه چنین نیست قسم به آن کسی که جانم به دست اوست تا این که ما و شما عرق و خون بریزیم سپس عرق پیشانی خود را پاک نمودند. (الغیبه للنعمانی باب ۱۵ ح ۲ ص: ۲۸۴)

۴- اگر مرد در خانه با قلدری رفتار کند و حقوق همسر و فرزندان را رعایت نکند اگر خانم خانه با به رخ کشیدن زندگی دیگران و چشم هم چشمی مرد خانه را بیازارد اگر فرزندان توصیه اکید قرآن را در اطاعت و پیروی از پدر و مادر به فراموشی بسپارند و اگر یک کارمند بین دوست و رفیق و اقوام خود و دیگران فرق بگذارد و اگر فروشنده ای اهل انصاف نباشند و خدای ناکرده با احتکار و گرانفروشی و کم فروشی و امثال آن رفتار نمایند یا پزشکی در درمان بیمار خود کوتاهی کند یا معلمان و روحانیون در برابر وقتی که از مخاطب خود می گیرند مطلب مفید و مورد نیاز را ارائه ندهند و... در این صورت ظالم خواهیم بود. باید در عمل پایبندی خود به عدالت و عدالت خواهی را به اثبات برسانیم تا لیاقت یاری حضرت را پیدا نماییم. (برای آگاهی از ویژگی یاران حضرت مهدی علیه السلام مراجعه کنید به فصل نامه تخصصی انتظار شماره ۳ مقاله مهدی یاوران)

و ثانیاً همه به ویژه مادران در تربیت چنین انسان هایی تمام همت و تلاش و خود را به کار گیرند.

### خلافت صالحان

« وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ » (۱)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امتیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

نکات :

۱- آن چه که در این آیه شریفه آمده است وعده الهی است و وعده خداوند تخلف ناپذیر است (۲). علاوه بر آن ، برای بیان اهمیت و حتمیت آن از چندین عامل تأکید یعنی «لام» و «نون تأکید ثقیله» استفاده شده است

۱- نور ۲۴ : ۵۵

۲- ر.ک: آل عمران ۳: ۹، نساء ۴: ۸۷ و ۱۲۲، غافر ۴۰: ۵۵

۲ - مورد خطاب در «منکم» اُمَّتِ اسْلَامٍ و «مِنْ» برای تبعیض است و اُمَّتِ اسْلَامٍ بر چند دسته هستند:

(الف) کسانی که اصلاً ایمان نیاورده اند ولی در ظاهر تظاهر به اسلام می کنند = منافقین

(ب) کسانی که ایمان آورده اند اما عملاً روال سابق خود را دارند = عملوا السیئات

(ج) کسانی که هم عمل صالح دارند و هم عمل سیئی «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخِرَ سَيِّئًا» (توبه ۹: ۱۰۲) مثل غالب انسان ها.

(د) کسانی که در اثر توجه به فرامین الهی و تهذیب نفس، خیر و صلاح بر عقائد؛ گفتار و کردار آنها حاکم است = الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ که در راس آن معصومین هستند.

وعده خداوند این است که دسته چهارم مجریان این طرح خواهند بود.

۳ - «الارض» به همان بیانی که در آیه ۱۰۵ انبیاء گذشت مطلق است یعنی سراسر زمین.

۴ - «لَيْسَ يَخْلِفَنَّهُمْ» فعل مضارع از مصدر «إِسْتِخْلَافٌ» به معنای «کسی را جانشین قرار دادن» می باشد و در این جا به قرینه جمله بعد (كَمَا اسْتَخْلَفَ...) همانند تعبیر «یرثها» در آیه ۱۰۵ انبیاء کنایه از تسلط و قدرت و حاکمیت است یعنی خداوند وعده داده است که کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند را حاکم بر روی زمین قرار دهد.

۵ - مراد از «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» مؤمنانی از قوم نوح، هود، صالح، شعیب و امثال آن می باشد که با هلاکت کافران و مشرکان نجات می یافتند و وارث و حاکم بر زمین می شدند.

۶ - «لَيُمَكِّنَنَّ» فعل مضارع از مصدر تمکین به معنای «چیزی را در جای خود استوار ساختن» می باشد و کنایه از ثبات و استقرار و استحکام است.

تمکین دین و استوار ساختن دین با این امور شکل می گیرد:

(الف) تبیین درست و کامل دین که توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می گیرد تا دین متهم به ناکار آمدی نگردد.

(ب) پیاده شدن دین در ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و خلاصه همه امور دنیوی و اخروی.

(ج) مورد اهانت قرار نگرفتن و حفظ عزت و شوکت آن.

د) این که دین غالب جهان شود. در غیر این صورت، تمکین دین صدق نمی کند وقتی دین مرضی خداوند به خود می بالد و استوار است که غالب بر همه ادیان گردد لذا مرحوم طبرسی؛ در مجمع البیان می فرماید: تمکین دین همان است که در آیه ۳۳ توبه آمده «لیظهره علی الدین کله» یعنی غلبه آن بر همه ادیان.

۷ - «لَيَبْدُلَنَّهُمْ مِنْ بَعِيدٍ خَوْفِهِمْ أَثْمًا» یعنی ترسشان را به امانت و آرامش مبدل می کند برای این که امنیت مطلق بر عالم حاکم شود و هیچ ترسی وجود نداشته باشد باید جامعه از وجود دشمن داخلی و خارجی، پنهان و آشکار، دین و دنیا عاری شود.

۸ - دین مرضی خداوند چه دینی است؟ با توجه به اینکه خود اسلام دارای فرقه های بسیار زیادی است دینی که حاکم بر جهان می شود کدام دین است؟

از آنجا که «القرآن يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا» آیه سوم سوره مائده جمله «ارتضی لهم» را تفسیر می کند می فرماید: «وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» الف ولام «الاسلام» عهد است یعنی اسلامی که امروز (عید غدیر) برای شما کامل نمودم و نعمتم را برای شما به اتمام رساندم را برای شما به عنوان دین می پسندم و دین مرضی من است. به عبارت دیگر اسلام با ولایت مرضی من است و چنین اسلامی بر عالم حاکم خواهد شد.

۹ - التفات در آیه (تغییر خطاب از غیبت به متکلم وحده، ابتدا فرمود «وعد الله» ولی این جا فرموده «یعبدوننی») و مؤکد ساختن «یعبدوننی» به «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» و از طرفی «شیئا» که نکره است و در سیاق نفی واقع شده و مفید عموم است همگی دلالت دارد بر از بین رفتن شرک به طور کامل و حاکمیت مطلق توحید. نه شرک جلی و آشکار وجود خواهد داشت و نه شرک خفی و پنهان مثل ریا بلکه معنویت و اخلاص حاکم خواهد شد.

با دقت در این نکات، نتیجه می گیریم که خداوند متعال، حاکمیت همه جانبه دین حق را که به دست بندگان صالح و شایسته او در سراسر گیتی صورت می گیرد را به ائمت اسلام مژده می دهد. و این همان مسئله ای است که در روایات گوناگون از آن به عنوان حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) یاد شده است.

مرحوم علامه طباطبایی؛ در تفسیر گرانسنگ المیزان می فرماید: حق این است که اگر این آیه حق معنایش داده شود جز بر جامعه موعودی که با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) شکل می گیرد منطبق نمی شود (۱).

چند نکته:

۱. اهل سنت می گویند این آیه در شأن حکومت خلیفه اول و دوم نازل شده است! حال با توجه به نکات نه گانه ای که بیان شد باید دید آیا این مژده بر حکومت آنان قابل انطباق هست یا نه؟!

آیا خانه نشین کردن اهل بیت علیهم السلام، سلمان ها، مقدادها و ابازرها... و قدرت یافتن معاویه ها، ولیدها، خالد بن ولیدها با تعبیر «آمنوا منکم و عملوا الصالحات» سازگاری دارد؟!

آیا برنامه تبعیض نژادی و برتری دادن عرب بر عجم و قریش بر غیر قریش و بنی امیه بر غیر بنی امیه و... تمکین دین و جزء برنامه اسلام بود؟!

آیا قلع و قمع قبایلی که از دادن زکات به مامور خلیفه اول امتناع کردند و همچنین برخورد با آنها به جرم ارتداد، (که در تاریخ با عنوان «رده» از آن یاد شده است) به بهانه بیعت نکردن با ابوبکر به گونه ای که حتی خالد بن ولید با حمله به قبیله «مالک بن نویره» او را به همین جرم کشت و همان شب با همسر او همبستر شد (۲)؟! و...

آیا اینها با برقراری امنیت مطلق که در آیه آمده قابل جمع است؟! و این برنامه ها حاکمیت دین مرضی خداوند بود؟!

۲. از نظر ترتیب نزول سوره انبیاء هفتاد و سومین و سوره نور صد و سومین سوره است لذا گویا آیه ۵۵ نور تفسیر و تفصیل آیه ۱۰۵ انبیاء است در آنجا فقط اصل طرح و مجریان و گستره آن بیان شده بود اما در این آیه ویژگی ها و اهداف آن نیز بیان شده است.

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۰ ذیل همین آیه

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۱ نکته عجیبی که وی یادآور می شود این است که مالک آماده مذاکره بود ولی خالد از زن مالک بن نویره خوشش آمد لذا حاضر به مذاکره نشد و دستور حمله را صادر کرد تا زودتر به خواسته شومش برسد!!؟؟.

۳. راوی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد خوفی که در این آیه ذکر شده است سؤال نمود حضرت فرمودند: در زمان هر یک از آن ها (ائمه علیهم السلام) حاکمی است که متعرض آنان می شود و اذیتشان می کند پس آنگاه که خداوند در قیام «قائم» ما شتاب بخشد زمین را پر از عدل و داد نماید آنگونه که از ظلم و جور پر شده است (۱).

امام سجاد (علیه السلام) بعد از قرائت این آیه شریفه فرمودند:

اینان به خدا قسم پیروان ما «اهل بیت» هستند که خداوند متعال به دست مردی از ما یعنی مهدی این امت، این برنامه را عملی خواهد ساخت (۲)...

و امام صادق علیه السلام فرمود: «هذه الایه نزلت فی القائم واصحابه (۳)».

۴- اما مهمترین نکته آیه این است که هدف نهائی از ظهور «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» است عبادتی عاری از هر گونه شرک جلی و خفی

مطلب آنگاه اهمیّت پیدا می کند که بدانیم کمتر کسی است که عبادت او از شرک پنهان خالی باشد از نبی مکرم اسلام منقول است که فرمودند: «شرک از حرکت مورچه بر روی سنگ سیاه صاف در

۱- «...ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ... فَقَالَ جَنْدَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا خَوْفُهُمْ قَالَ يَا جَنْدَلُ فِي زَمَنِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ جَبَّارٌ يَعْتَرِيهِ وَيُؤْذِيهِ فَاِذَا عَجَلَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا يَمَلَأُ الْأَرْضَ قَسِيظًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ أَوْلِيَّكَ وَصَيْفُهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَقَالَ أَوْلِيَّكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ..» بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۰۴ باب ۴۱- نصوص الرسول

۲- : امام سجاد آیه شریفه «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ..» را خواندند و فرمودند: آن ها به خدا قسم پیروان ما اهل بیت هستند که خداوند آن (وعده) را به دست مردی از ما انجام می دهد و او مهدی امت است و همان کسی است که رسول خدا در باره اش فرموده اند: اگر از دنیا فقط یک روز بیشتر باقی نمانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا این که مردی از عترت من عهده دار امورشان گردد اسم او اسم من است و زمین را پر از قسط و عدالت می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. مثل همین مطلب از امام باقر و امام صادق نیز نقل شده است. (مجمع البیان و تفسیر عیاشی ذیل آیه)

۳- : الغیبه نعمانی باب ۱۳ ح ۳۵ ص ۲۴۷

شب تاریک پنهان تر است» نمونه آن ریا و خود نمایی یا چرخاندن انگشتر برای یادآوری مطلبی یا می گوئیم اگر فلاخن پزشک به داد بچه ام نرسیده بود مرده بود و... (۱)

از طرف دیگر بالاترین حجاب و مانع دیدن حق و تقرّب الی الله همین شرک است در مراحل سیر و سلوک گفته می شود اولین منزل، «یقظه» و بیداری است یعنی این که انسان بفهمد برای این دنیا و خوردن و خوابیدن آفریده نشده است و آخرین منزل «توحید» است قطعاً کسی که قدم در این راه می گذارد موحد است اما آن توحیدی که آخرین منزل است و کمتر کسی به آن می رسد همان توحید ناب و خالص است که در این صورت انسان مظهر اسماء و صفات الهی می شود در بخشی از حدیث قدسی خداوند متعال می فرماید: «من این گونه ام که هر چه بخواهم همان خواهد شد از من پیروی کن تا تو را این گونه قرار دهم که هر چه بخواهی همان شود.» (۲)

راه آن این است که انسان تلاش کند خود را از شرک پنهان برهاند و تمام کارهایش فقط و فقط برای خداوند باشد.

به عبارت دیگر حضرت مهدی علیه السلام می آید تا انسان را تفسیر کند و زمینه شکوفائی استعدادهای ربّانی او را فراهم نماید تا به بالاترین درجات انسانی برسد.

خلاصه:

حاکمیت صالحان بر سراسر گیتی با تمام قاطعیت در آیه ۱۰۵ انبیاء و ۵۵ نور مورد تاکید قرار گرفته است و هدف نهائی، حاکمیت توحید ناب و خالص از هر گونه شرک جلی و خفی است و برای رسیدن به چنین جامعه ای «منتظران مصلح خود باید صالح باشند».

۱- ر.ک تفسیر نمونه ج ۱ ص ۱۲۳ و جلد دهم صفحه ۸۸ ذیل آیه ۱۰۶ سوره یوسف

۲- وَ فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا غَنِيٌّ لِمَا أَفْتَقِرُ أَطْعِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرْ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ أَطْعِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ ۚ كُنْ فَيَكُونُ أَطْعِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ ۚ كُنْ فَيَكُونُ (بحار الأنوار ج : ۹۰ ص : ۳۷۶)

## آیات ناظر به هدف از ظهور و وضعیت جهان پس از آن

اشاره



## سر سبزی و حیات دوباره عالم

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۱)

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید.

در این آیه به بیدار شدن طبیعت و سرسبزی و خرمی آن بعد از زمستان سرد، اشاره شده است در اثر بارش باران و تاییدن آفتاب بهاری و وزش نسیم ملایم، طبیعت جان تازه ای می گیرد و درختان برگ و شکوفه می گیرند و با رویش گیاهان گویا زمین به جنب و جوش در می آید این ها همه آیه و نشانه قدرت و رحمت الهی است که انسان را به یاد مبدأ و معاد می اندازد

اما روایات از حقیقت مهمتری پرده بر می دارند و آن زنده شدن زمین با نور عدالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام است زمینی که در اثر کفر و شرک و تبعیض و بی عدالتی مرده است با حاکمیت توحید خالص و تحقق عدالت جان تازه ای می گیرد و عالم و آدم همه به وجد می آیند.

از منظر قرآن کفر به منزله مرگ و کافر مرده محسوب می شود می فرماید: « این (کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است! تا افرادی را که زنده اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد!» (۲) یعنی در برابر «مَنْ كَانَ حَيًّا» «الکافرین» قرار داده شده است در جای دیگر می فرماید: « آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برایش

قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمتها باشد و از آن خارج نگردد؟! این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می دادند، تزئین شده (و زیبا جلوه کرده) است» (۳) این جا از «ایمان آوردن» تعبیر به «زنده شدن» شده است

۱- حدید ۵۷: ۱۷

۲- «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (۶۹) لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقِّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» یس ۳۶: ۶۹ و ۷۰

۳- «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام ۶: ۱۲۲)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «خداوند زمین مرده را به وسیله حضرت قائم علیه السلام زنده می گرداند و منظور از مردن زمین، کفر اهل آن است و در حقیقت کافر مرده است» (۱)

در واقع می توان گفت حضرت برای «احیاء» می آید همان گونه که در دعای گرانقدر عهد می خوانیم «خدایا بوسیله او شهرهایت را آباد و بندگانت را زنده بگردان» (۲) و اگر سخن از شمشیر و قهر و خشم حضرت شده دقیقاً در همین راستاست یعنی برای بر طرف نمودن موانع رشد و برای احیاء عالم و نجات مظلومان از چنگال ظالمان دست به شمشیر می برد.

به عبارت دیگر او برای هدایت و نجات می آید اگر تمام انسان ها ندای او را لبیک گوید و دست از ظلم و ستم بردارند هرگز دست به شمشیر نخواهد برد اما چون شعار او عدالت و دوری از ظلم است و این امر با زیاده خواهی عده ای دنیا طلب منافات دارد در برابر او قد علم کرده و به مبارزه با حضرتش بر می خیزند اینجاست که ایشان بعد از اتمام حجّت، به فرمان الهی آنان را از میان بر می دارد

نکته اساسی این جاست که دشمنان چون از وضعیت خود با خبر بوده و ماموریت الهی حضرت را دریافتند شمشیری را که علیه خودشان بود به سمت مردم بر گردانند و با اجیر کردن مزدوران قلم به دست ده ها روایت جعل و به معصومین نسبت دادند به این مضامین که «حضرت مهدی کاری جز شمشیر ندارد» یا «او هشت ماه شمشیر را از دوش خود پایین نمی آورد»  
؟؟؟

جعل این احادیث از سوی دشمنان و انتشار آن از سوی دوستان غافل و جاهل سبب شده چهره ای خشن از حضرت در ذهن ها شکل بگیرد به گونه ای که تا نام حضرت برده می شود شمشیر در کنار آن به ذهن می آید و عده ای برای نشان دادن ارادت خود به حضرت، می گویند گردن خود را برای شمشیر حضرت آماده کنیم؟؟؟؟

۱- عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل: اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوتُتَاتِ بِعِيدِ مَوْتِهَا قَالَ: يحيي الله تعالى بالقائم بعد موتها، یعنی بموتها کفر آنها و الکافر میت. (تفسیر نور الثقلین ذیل آیه)

۲- «وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ» (بحار الأنوار ج: ۹۹ ص: ۱۱۱)

به یقین می توان گفت بزرگترین ظلمی که به ایشان شده است همین است که ما او را ناخواسته قاتل معرفی کرده ایم! چرا امام خود را از منظر قران و روایات معتبر به گونه ای معرفی نکرده ایم که گل و بلبل؛ سر سبزی و خرمی در کنار نام حضرت تداعی می شود؟ (۱)

امام رضا علیه السلام می فرماید: «امام کسی است که می توان با او مانوس و همراه شد او پدر دلسوز برادر همزاد و مادر مهربان نسبت به فرزند خرد سال است او پناه بندگان در شدائد و سختی هاست» (۲)

با توجه به این آیه و سایر آیات و روایات می توان به خوبی وضعیت جهان پس از ظهور را ترسیم نمود در آیه ۹۶ سوره اعراف می فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم» (۳) با نابودی ظلم و تحقق عدالت و تقوا، خیر و برکت از آسمان و زمین عالم را در بر خواهد گرفت به گونه ای که مشکل مردم آن زمان این است که مستحق نمی یابند تا به او کمک کنند (۴)

وضعیت جامعه به حدی از رشد و سعادت می رسد که رسول خدا می فرماید:

«عدالت حضرت مهدی چنان مردم را در بر می گیرد تا این که به منادیش فرمان می دهد ندا دهد چه کسی به مال نیاز دارد؟

۱- جهت آشنائی بیشتر با موضوع جلوه هایی از مهر و محبت حضرت مراجعه کنید به کتاب مهر بیکران از حجه الاسلام شاه آبادی، کتاب میر مهر از حجه السلام پور سید آقائی و کتاب شمیم رحمت از آیه الله روحانی که خلاصه ای از آن در فصل نامه تخصصی انتظار شماره ۱۱ و ۱۲ آمده است.

۲- «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَمَنْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ» (الكافی ج : ۱ کتاب الحججه باب نادر جامع فی فضل الإمام و صفاته ص : ۲۰۰)

۳- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

۴- امام صادق علیه السلام: «فَحِينَئِذٍ تَطْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بَرَكَاتَهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لَصَدَقْتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغَنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ» (بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۳۸)

هیچ کس از میان مردم بر نمی خیزد (زیرا مشکل مالی ندارند و از طرف دیگر به جهت رشد فکری و عقلی، ارزش را در مال نمی بینند تا حرص به دنیا سبب رقابت در مسائل مالی و دنیوی گردد بلکه رقابت در امور معنوی و خدمت به دیگران جامعه را در بر گرفته است) به جر یک نفر که می گوید من مال می خواهم حضرت می فرماید:

برو نزد خزانه دار و بگو مهدی فرموده است به من مال بدهی! وقتی خزانه دار دامن او را پر از مال می کند او پشیمان می شود و (خود را ملامت می کند) می گوید: من حریصترین و طمع کارترین امت محمد هستم ناتوان ترینشان از آن چه که آنان را (از معنویت) در بر گرفته است لذا مال را برمی گرداند و خزانه دار می گوید ما چیزی که به کسی دادیم پس نمی گیریم! (۱)

نکته: همچنین با توجه به آیه قبل از این آیه یعنی آیه شانزدهم این سوره مطلب ظریفی را می توان از آن استفاده نمود و آن این که دل هایی که در اثر غفلت و گناه مرده است با ظهور حضرت و رشد فکر و عقل بشر (۲) عاشقانه و خاشعانه متوجه معبود خود شده و با اطاعت و پیروی از مولای خود به حیات طیبه دست می یابند (۳).

و این همان درخواستی است که هر روز از خداوند متعال می خواهیم «خدایا بواسطه او بندگانت را زنده بگردان» (۴)

۱- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «و يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ فَيَقُولُ أَنَا فَيَقُولُ أَنْتَ السَّدَانُ يَعْنِي الْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِنِي مَالًا فَيَقُولُ لَهُ اخْضُ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أَبْرَزَهُ نَدِمَ فَيَقُولُ كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّهُ مُحَمَّدٍ نَفْسًا أَعْجَزَ عَمَّا وَسِعَهُمْ فَيَرُدُّهُ وَ لَمَّا يَقْبَلُ مِنْهُ فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَمَّا نَأْخُذُ شَيْئًا أَعْطَيْنَاهُ» بحار ج ۵۱ ص ۹۲

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ» (الكافي ج: ۱ كتاب العقل ح ۲۱ ص: ۲۵)

۳- «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل ۱۶: ۹۷)

۴- « وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ» (فرازی از دعای عهد)

## امدادهای غیبی هنگام ظهور

« هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ » (۱)

آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه‌ها و برنامه‌های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه‌ای در اختیارشان بگذارند؟! با اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده، و همه کارها به سوی خدا بازمی‌گردد.

روایات وارده ذیل آیات، در بسیاری از موارد آیه را ناظر به قیامت و روایات دیگر همان آیه را ناظر به رجعت و دسته سوم همان آیه را مربوط به ظهور معرفی می‌کند سرّ آن را مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل همین آیه بیان می‌نماید (۲) و آن این است که ظهور، رجعت (۳) و قیامت یک «ما به الاشتراک» دارند و یک «ما به الامتیاز» وجه مشترک این سه، تجلی و ظهور حق است یعنی پرده و حجاب‌ها کنار می‌رود و حقائق برای همه روشن می‌شود اما تفاوت آن در میزان این ظهور و بروز است روز قیامت روز تجلی تام و روزی است که همه امور پنهان آشکار می‌شود (۴) این تجلی در دوران رجعت از قیامت کمتر و در دوران ظهور از رجعت کمتر است در نتیجه سه مرحله از یک حقیقت‌اند و سه دوره‌ای است که یکی پس از دیگری واقع می‌شود

روایاتی که ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم وارد شده است نیز این سه مرحله را تایید می‌نماید (۵).

۱- بقره ۲: ۲۱۰

۲- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۰۶

۳- این رجعت دوره‌ای است بعد از ظهور و قبل از قیامت و غیر از رجعتی است که در دوران ظهور اتفاق می‌افتد برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به بخش ضمائیم شماره ۳

۴- «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» طارق ۸۶: ۹

۵- فی کتاب الخصال عن مثنی الحنّاط قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: أيام الله يوم يقوم القائم و يوم الكره و يوم القيمه. (تفسیر نور الثقلین ذیل آیه)

یک دسته از روایاتی که ذیل آیه مورد بحث آمده در مورد امدادهای غیبی در هنگام ظهور است گرچه سنت الهی بر این تعلق گرفته است که تا مردم تحول و تغییر را حقیقتاً نخواهند اذن فرج داده نخواهد داد

امداد الهی به دنبال خواست و حرکت مردم است. ماجرای جنگ بدر نمونه روشنی از این واقعیت است وقتی آن چه در توان داشتند خالصانه به میدان آوردند خداوند هم از زمین و آسمان نصرت خود را شامل حالشان نمود. در مورد ظهور هم همین اتفاق خواهد افتاد. (۱)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: گویا قائم اهل بیت را می بینم در بالای نجف پرچم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را برافراشته آنگاه فرشتگان بدر بر او فرود می آیند. (۲)

در روایات متعددی سخن از نزول فرشتگان برای یاری ایشان مطرح شده است تمام فرشتگانی که برای یاری انبیاء به زمین آمده اند بر نگشته اند و منتظر ظهور هستند تا به یاریش بشتابند. (۳)

۱- این موضوع تحت عنوان شرائط و زمینه های ظهور با استفاده از آیاتی مثل آیه ۱۱ ارعد و ۲۵ حدید و بررسی سیره خداوند از منظر قرآن در مورد امت ها و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد مثل باب ۱۵ از الغیبه نعمانی، مورد بحث قرار گرفته است. ر.ک شرائط ظهور، مهدی یوسفیان؛ انتشارات مرکز تخصصی مهدویت قم-مقدمات ظهور، مجتبی فلاح، فصل نامه انتظار شماره ۷-زمینه سازی ظهور، محمد فاکر میبیدی، فصل نامه انتظار شماره ۱۱ و ۱۲-جان و جانان، مرتضی نائینی، فصل نامه انتظار شماره ۲ و ۳-شرائط و موانع ظهور، حسین استاد ولی-تحولات درونی مقدمه انقلاب بزرگ، مصطفی چمران، مجله موعود شماره ۱۳-آینده و آینده سازان، محمد دشتی-امام مهدی و سنت های الهی، ابراهیم شفیعی سروسستانی، مجله موعود شماره ۳۳

۲- عن ابي حمزه، عن ابي جعفر (عليه السلام)، قال: «يا ابا حمزه، كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ عَلَا نَجْفَكُمْ، فَإِذَا عَلَا فَوْقَ نَجْفَكُمْ، نَشْرُ «۴» رايه رسول الله (صلى الله عليه و آله)، فإذا نشرها انحطت عليه ملائكة بدر». (تفسير نور الثقلين ذيل آيه)

۳- أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام يقول لو قد خرج قائم آل محمد عليه السلام لنصره الله بالملائكة المسومين و المردفين و المنزلين و الكروبين يكون جبرئيل أمامه و ميكائيل عن يمينه و إسرافيل عن يساره. الغيبة نعماني باب ۱۳ ح ۲۲ و ر.ك: الغيبة نعماني، ص ۲۵۱، باب ۱۹ في صفة جنوده و باب ۱۳ ح ۲۲ و ر.ك بحار ج ۵۲ باب ۲۷ ج ۴۰ و ۴۸

در حدیث مهم دیگری در رابطه با مرکب حضرت مهدی علیه السلام، امام باقر می فرمایند: هفت هودج از نور در پشت کوفه (نجف) فرود می آیند و مشخص نیست ایشان در کدامیک از این هودج هاست (۱).

تعبیر «هودجی از نور که فرود می آید» و این که «مشخص نیست ایشان در کدامیک از این هاست» از نظر ویژگی این مرکب و رعایت نکات امنیتی جای توجه و بررسی ویژه دارد.

همچنین ذیل آیه ۶۰ سوره بقره - که ماجرای جاری شدن دوازده چشمه آب از سنگی خاص با زدن عصا توسط حضرت موسی علیه السلام بر آن، مطرح شده است - حضرت می فرمایند: وقتی حضرت مهدی علیه السلام از مکه خارج می شوند منادی حضرت صدا می زند نیازی نیست کسی آب و غذا با خود بردارد چرا که سنگی که نزد حضرت موسی علیه السلام بوده نزد ایشان است و هر کجا کاروان اتراق می کند چشمه هایی از آن جاری می شود پس هر کس گرسنه است سیر و هر کس تشنه است سیراب می شود. (۲).

### فرصت تا کی؟

« هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا - أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قَلِ انْتِظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ » (۳)

۱- العیاشی: عن جابر، قال: قال أبو جعفر (علیه السلام)، فی قوله تعالی: فی ظِلِّ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ. قال: «ینزل فی سبع قباب من نور، لا یعلم فی أيها هو، حین ینزل فی ظهر الکوفه، فهذا حین ینزل». (تفسیر نور الثقلین ذیل آیه)

۲- قال ابو جعفر علیه السلام إذا خرج القائم من مکه ینادی منادیه: الا لا یحملن أحد طعاما و لا شرابا، و حمل معه حجر موسی بن عمران علیه السلام و هو وقر بعیر، فلا ینزل منزلا الا انفجرت منه عیون، فمن کان جائعا شبع، و من کان ظمئنا روی و رویت دوابهم حتی ینزلوا النجف من ظهر الکوفه. (همان ذیل آیه ۶۰ بقره. و مراجعه کنید به کمال الدین ج ۲ باب ۲۶ ح ۲۷ و ۲۸ نعمانی باب ۱۳ ح ۲۸ و باب ۱۹)

۳- انعام ۶: ۱۵۸

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: « (اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید،) انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شما را) می کشیم!»

در آیه شریفه فوق اشاره به توقعات بیجای معاندان دارد نهایتاً می فرماید: مهلتِ ایمان آوردن و جبران گذشته همیشگی نیست آنگاه که نشانه های رستاخیز (یا علائم مرگتان) پدیدار شد دیگر ایمان آوردن یا دست از گناه برداشتن و به اعمال خیر روی آوردن به حالتان سودی ندارد اگر قبول ندارید منتظر باشید تا این حقیقت را خود ببینید.

به همان بیانی که ذیل آیه ۲۱۰ سوره بقره در چند بُعدی بودن آیات بیان شد، دسته ای از روایات، این آیه را مربوط به حوادثی می داند که در آستانه برپایی قیامت اتفاق می افتد از جمله این که چهل روز قبل از قیامت حجت بر داشته شده و در توبه بسته می شود (۱).

اما دسته دیگر آن را مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام می داند امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از «یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ..» قیامت حضرت قائم است (۲).

آن چه که مسلم و قطعی است این است که حضرت مهدی علیه السلام برای هدایت همه بشر و نجات آنان از کفر و تباهی و رهاییشان از انحطاط می آید و با ظهور ایشان باب توبه بسته نمی

۱- امام صادق می فرماید: «پیوسته در روی زمین از طرف خداوند حجّتی وجود دارد که حلال و حرام الهی رامی شناسد و به راه خدای عزیز و بزرگ دعوت می نماید و حجّیت برداشته نمی شود مگر چهل روز قبل از قیامت در این هنگام حجّت برداشته می شود باب توبه بسته شده و کسی که تا آن موقع ایمان نیاورده باشد دیگر ایمان آوردنش فایده ای ندارد آن ها بدترین مخلوقات خدایند و قیامت بر آن ها برپا می شود» «...فاذا رفعت الحجة أغلق باب التوبة ولا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل ان ترفع الحجة...» کمال الدین ج ۱ باب ۲۲ ح ۲۴ ص ۲۲۹

۲- قال الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام، فی قول الله عز و جل. «یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا یَنْفَعُ نَفْساً إیمانها لَمْ تُكُنْ آمَنْتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِی إیمانها خیراً» یعنی خروج القائم المنتظر منا. کمال الدین ج ۲ باب ۱ ح ۵۴ ص ۳۵۷



شود امام صادق علیه السلام می فرمایند: کسانی به او ملحق می شوند که شبیه خورشید پرست و ماه پرست هستند (۱).

با چنین وضعیتی مراد آیه یکی از دو امر می تواند باشد:

۱- مراد قیام حضرت است همان گونه که در روایات وارده ی ذیل آن تعبیر «قیام» (۲) و «خروج» آمده نه ظهور و در جای خود ثابت شده که ظهور و قیام یکی نیست.

حضرت بعد از دعوت همه بشریت به خیر و صلاح و اتمام حجت بر دشمنان دست به شمشیر می برد و برای رهائی مردم اقدام کرده و عالم را از وجود نا اهلان پاک می گرداند در چنین وضعیتی که مرگ و عذاب الهی را در برابر خود می بینند دیگر ایمان آوردن کافران اثری ندارد. چرا که این ایمان اضطراری و فرعون گونه است فرعون وقتی دید در حال غرق شدن است و هیچ راهی وجود ندارد گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد و من از مسلمین هستم!» (۳) و خداوند فرمود: «الآن؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی!»

این مطلب در جای دیگر به صراحت بیان شده است می فرماید: «برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: «الآن توبه کردم!» توبه نیست و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم» (۴).

۱- امام صادق علیه السلام: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عَيْدِهِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ» (الغیبه نعمانی باب ۲۱ ح ۱)

۲- عن أبي عبد الله (عليه السلام)، أنه قال: «...فيومئذ لا ينفع نفسا إيمانها لم تكن آمنت من قبل قيامه بالسيف» (تفسير البرهان ذیل آیه ح ۳)

۳- یونس ۱۰ ک ۹۱

۴- وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا نساء ۴ : ۱۸

امام رضا علیه السلام می فرماید: «او (حضرت مهدی علیه السلام) عذاب برای کافران است»<sup>(۱)</sup>

۲- این قضیه مربوط به رجعتِ سران کفر و ضلالت و منافقانِ اُمّت و گمراه کنندگان مردم است اینان که بی ایمان از دنیا رفته اند یا هیچ عمل خیری در نامه عملشان ثبت نشده است هنگام رجعت، ایمان آوردن آنان اثری ندارد به عبارت دیگر آنان برای مجازات و بیان ظلم ها و توطئه هایی که علیه حق اعمال نموده بودند به این عالم برگردانده می شوند نه برای جبران گذشته این همان حقیقتی است که در زیارت ارزشمند «آل یس» به آن اشاره شده است می فرماید: «رجعت شما (اهل بیت علیهم السلام) حق است و هیچ تردیدی در آن نیست روزی که ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت!»<sup>(۲)</sup>

با توجه به این نکته که در دوران رجعت ائمه<sup>(۳)</sup> علیهم السلام، دشمنان آنان رجعت داده و این همان روزی است که «لا یَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا...»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اولین کسی که (در دوران رجعت) به دنیا رجعت می کند امام حسین علیه السلام و یارانش هستند و یزید بن معاویه و یارانش»<sup>(۴)</sup>

۱- «... يَكُونُ رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ» الغيبة (للنعمانی)، النص، ص: ۱۸۱

۲- «وَ أَنَّ رَجَعَتَكُمْ حَقٌّ لِمَا رَبَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۳، ص: ۱۷۲)

۳- در مورد انواع رجعت مراجعه نمایید به ضمیمه شماره ۳

۴- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ أَصْحَابُهُ وَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابُهُ فَيَقْتُلُهُمْ حَيْدَ وَ الْقَدَّهِ بِالْقَدَّهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» بحار الأنوار ج: ۵۳ ص: ۷۶

خلاصه:

با نابودی ظلم و فراقیر شدن عدالت و وضعیت عالم متحول و خیر و برکت مادی و معنوی از زمین و آسمان شامل حال مردم خواهد شد و زمین مرده با ظلم و دل های مرده با غفلت و گناه، با ظهور حضرت مهدی علیه السلام و پیروی از ایشان زنده خواهد شد.

به دنبال خواست و اراده مردم در لیبیک به ندای حضرت، امدادهای الهی نیز همانند بدر و احزاب در سطحی وسیعتر شامل حال مومنان خواهد شد.

فرصت ایمان آوردن و اصلاح گذشته ویران، همیشگی نیست با ظهور حضرت و اتمام حجت بر ظالمان و پایان یافتن ضرب الاجلِ او دیگر ایمان آوردن سودی ندارد چرا که این ایمان فرعون گونه است کما این که با پدیدار شدن نشانه های برپایی قیامت نیز دیگر فرصتی برای جبران وجود ندارد.

ص: ۱۰۹

عصر ظهور

اشاره

## سوره مبارک عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

به نام خداوند بخشنده مهربان به عصر سوگند، (۱) که انسانها همه در زیانند (۲) مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند! (۳)

یکی از بزرگترین نعمت های الهی بر انسان، نعمت حیات است. با سرمایه عمر است که می توان به بالاترین درجات صعود نمود و حتی از فرشتگان سبقت بگیرد (۱) و این فرصت تا وقتی است که از این نعمت برخورداریم آن چه که مهم است این است که:

اولاً این سرمایه محدود است

و ثانیاً هر لحظه و ثانیه ای که بر ما می گذرد از آن کاسته می شود و به بیان نورانی امیر المومنین علیه السلام «هر نفسی که انسان می زند قدمی به اجل خود نزدیک می شود» (۲)

اگر در برابر کاسته شدن این سرمایه عمل صالح در بستر ایمان از او سر بزند سود کرده در غیر این صورت دچار خسران و ضرر شده است یکی از مفسران می گوید من معنای این سوره را وقتی فهمیدم که در هوای گرم یخ فروشی با صدای حزین فریاد می زد «به کسی که سرمایه اش ذوب می شود رحم کنید» (۳) یعنی بیایید و یخ مرا بخرید تا خسارت نکنم.

۱- امام علی می فرمایند: «خداوند در فرشتگان عقل قرار داده است بدون شهوت و در چهار پایان شهوت قرار داده است بدون عقل و در انسان هر دو را قرار داده است پس کسی که عقلش بر شهوتش غلبه کند از فرشتگان برتر است و کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند از چهارپایان بدتر است. (تفسیر نور الثقلین ذیل آیه ۱۷۹ اعراف ج ۲ ص ۱۰۳)

۲- «نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَىٰ أَجَلِهِ» (نهج البلاغه حکمت ۷۴)

۳- «و عن بعض السلف: تعلمت معنی السوره من بائع الثلج کان یصیح و یقول: ارحموا من یدوب رأس مالہ، ارحموا من یدوب رأس مالہ فقلت: هذا معنی: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ یمر به العصر فیمضی عمره و لا یکتسب فإذا هو خاسر.» (مفاتیح الغیب، ج

نکته جالب توجه این قضیه این است که در سرمایه های دیگر اگر فروشنده چیزی نفروشد سود نکرده ولی ضرر هم نکرده زیرا اصل سرمایه را دارد اما اگر کسی یخ یخ فروش را نخرد او سرمایه اش را نیز باخته است و حکایت ما و سرمایه عمر همان حکایت یخ و یخ فروش است

در این جا هدف، شرح و بسط محتوای این سوره مبارکه نیست بلکه هدف نگاهی گذرا از منظر مهدویت به سوره فوق است که در دو بخش به آن می پردازیم در یک مرحله از دیدگاه روایات و در مرحله دیگر تحلیل بخش پایانی سوره.

مرحله اول:

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «وَالْعَصِيرِ» یعنی (قسم به) زمان قیام حضرت قائم «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» یعنی دشمنان ما در خسر و زیان هستند (یعنی با قیام حضرت، دشمنان حق نابود خواهند شد) «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» یعنی مگر کسانی که به آیات خداوند ایمان بیاورند «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» نسبت به برادران دینی خود مواسات و همدلی داشته باشند «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» نسبت به امامت همدیگر را توصیه نمایند «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» و نسبت به عترت و پایبندی به آن استقامت داشته باشند. (۱)

طبق این بیان، خداوند متعال به زمان ظهور قسم یاد نموده است شاید بتوان یکی از نکاتی را که از این قسم استفاده نمود این باشد که سیره حق تعالی تا قبل از ظهور و لیش و در برنامه ای که برای انبیاء و اولیاء صلواته علیهم اجمعین مقرر نموده بود مدارا و اتمام حجت بر دشمنان بوده اما با قیام حضرت دیگر فضایی برای دشمنان دین و مستکبران عالم باقی نمانده و او جلوه «أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ» (۲) خواهد بود و به دست حضرتش نتیجه ظلم و ستم را خواهند چشید و نابود خواهند شد.

۱- عن المفضل ابن عمر قال: سألت الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام عن قول الله عز و جل: وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قال: العصر عصر خروج القائم عليه السلام «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» يعني اعدانا الا الذين آمنوا يعني بآياتنا و عملوا الصالحات يعني بمواساه الاخوان و تواسوا بالحق يعني الامامه و تواسوا بالصبر يعني بالعترة. (تفسير نور الثقلين ذيل سوره)

۲- فرازی از دعای افتتاح

چرا برای نجات از خسران به جمله «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» اکتفا نشد؟ با این که همه اعمال خیر در این تعبیر داخل است.

سرّ جمله «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» که ذکر خاص بعد از عام است این است که در چند صورت است که حق و باطل مشتبه شده و از طرفی تشخیص حق از باطل و از طرف دیگر پابندی به آن مشکل خواهد بود در چنین شرائطی است که ممکن است انسان تمام سرمایه های معنوی خود را ببازد و دچار خسران جبران ناپذیر گردد و تاریخ نمونه های فراوانی از آن به خود دیده است

مقام معظم رهبری در بیانی حکیمانه می فرمایند:

«یکی از اشکالات کار ما نشناختن وضع زمانه است. بعضی ها علم و تقوا دارند؛ اما در عین حال نمی توانند جایگاه و سنگری را که باید در آن باشند و کار کنند بشناسند مثل کسی که در بین جبهه ی خودی و دشمن سنگر و جایگاه خودش را گم می کند و جهت دشمن را اشتباه می کند، آتش هم می گیرد؛ اما گاهی آتش را روی سر دوستان می ریزد.»<sup>(۱)</sup>

و اما موارد آن:

#### ۱- در اقلیت قرار گرفتن حق

نمونه آن وضعیتی است که بعد از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به وجود آمد.

در چنین وضعیتی، عدّه ای اکثریت را دلیل حق دانسته و مسیر اشتباه را در پیش می گیرند این جاست که مومنین باید به داد همدیگر برسند و به تعبیر قران «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» داشته باشند «تواصی» به معنای همدیگر را سفارش کردن است.

حق در این جا چیست؟

۱- فرمایشات رهبری در دیدار با علماء و روحانیون کرمان ۱۱/۰۲/۱۳۸۴

به بیان قرآن مجید اقلیت و اکثریت هرگز دلیل حق و باطل نیست چه بسا اقلیت بر حق و اکثریت بر باطل باشند و بالعکس. در حدود ۶۷ مورد اکثریت را با تعابیری مثل «اکثرهم لا يعلمون» «لا یعقلون» «لا یشکرون» «لا یومنون» و امثال آن نقد کرده است.

این تعابیر به این معنا نیست که همیشه اکثریت بر باطل است بلکه معنای آن این است که باید حق را شناخت و مدافع و مطیع آن بود گرچه پیروان آن در اقلیت باشند.

توصیه قرآن مجید این است که «سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید» (۱) یعنی با قدرت و نیروی ایمان می توان بر باطل غالب شد

در ماجرای درگیری طالوت و جالوت خداوند مومنین را این گونه می ستاید « اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان است.» (۲)

نتیجه این که توصیه به حق و پابندی به آن در چنین شرائطی وظیفه همگانی است

امیر المومنین می فرماید: «هرگز در مسیر حق به خاطر کمی اهلش (در اقلیت بودن) به وحشت نیفتید» (۳)

۲- وجود افراد سرشناس و با سابقه ی درخشان در جبهه باطل

همان وضعیتی که در جنگ جمل اتفاق افتاد شخصی آمد نزد حضرت و عرضه داشت یا امیر المومنین مگر می شود جبهه مقابل بر باطل باشند در حالی که میان آنان صحابه بزرگی مثل طلحه و زبیر و شخصیتی مثل عایشه وجود دارند؟؟!

۱- «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» آل عمران ۳ : ۲۴۹

۲- بقره ۲ : ۲۴۹

۳- «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلِّهِ أَهْلُهُ» خطبه ۲۰۱



حضرت فرمودند: تو کسی هستی که کلاه سرت رفته است دین خدا را با معیار شخصیت ها و سابقه آن ها نمی توان شناخت بلکه باید نشانه حق را یافت پس حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی (۱).

یعنی وقتی حق را با ملاک ها و معیارهای آن شناختی نقطه مقابل آن باطل است و هر کس گرد آن بود، باطل بدان با هر سابقه و نام و رسمی که باشد.

### ۳- دوران غیبت ولی خداوند

سابقه و پیشینه غیبت حجت های الهی نشان می دهد که بسیاری از منتظران در دوران غیبت، حق را گم کردند یا در پابندی به آن دچار مشکل شدند همان گونه که در مورد غیبت امام زمان کمتر روایتی داریم که از این دوران خبر داده باشد و چنین هشدار می ندادند (۲).

توصیه به حق در این دوران چیست؟

مرحوم شیخ صدوق قدس سره کتاب ارزشمند کمال الدین و تمام النعمه را به توصیه امام زمان علیه السلام با همین انگیزه نوشتند حضرت فرمودند کتابی بنویس و در آن از غیبت انبیاء یادآوری کن تا مردم بدانند امامشان اولین کسی نیست که غائب شده است (۳). یعنی برای پذیرش راحت تر غیبت، از سابقه آن برای مردم بگو.

۱- «فَإِنَّكَ امْرُؤٌ مَلْبُوسٌ عَلَيْكَ إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِآيَةِ الْحَقِّ فَاعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ» بحار الأنوار ج: ۶ ص: ۱۷۸

۲- کمال الدین ج ۱ باب ۲۵ ح ۷، باب ۲۶ ح ۱ و ۱۵ و ۱۶ باب ۳۰ ح ۳ باب ۳۱ ح ۸ و ج ۲ باب ۱ ح ۲۴ و ۲۵ و....

۳- «آن چه که سبب شد این کتاب را تالیف کنم این بود که وقتی بهره خود را از زیارت امام رضا گرفتم با نیشابور برگشتم و آنجا اقامت نمودم دیدم بیشتر شیعیانی که آن جا رفت و آمد می کنند در اثر غیبت حضرت دچار حیرت و سرگردانی شده اند... تا این که شبی در عالم رؤیا دیدم مشغول طواف خانه خدا هستم و دور هفتم آمدم کنار حجر الاسود مولایم صاحب الزمان را دیدم کنار درب کعبه هستند به ایشان نزدیک شدم حضرت آن چه در دلم بود را دانستند سلام کردم جواب دادند و فرمودند: چرا کتابی در مورد غیبت (من) نمی نویسی تا نگرانیت در این رابطه برطرف شود؟ عرض کردم ای فرزند رسول خدا چیزهایی در این زمینه نوشته ام فرمودند: الان کتابی بنویس و در آن غیبت های انبیاء را یادآور شو (تا مردم بفهمند غیبت سابقه دارد) «...ثم قال لی لم لا تصنف کتابا فی الغیبه حتی تکفی ما قد همک فقلت له یا ابن رسول الله قد صنفت فی الغیبه أشياء فقال ع لیس علی ذلک السبیل امرک أن تصنف و لکن صنف الآن کتابا فی الغیبه و اذکر فیہ غیبات الأنبیاء ع.» (کمال الدین ج ۱ مقدمه مولف)

در روایات متعددی بیان شده است که این غیبت آزمونی است برای مردم تا مومنان راستین مشخص شوند

امام صادق علیه السلام می فرمایند: به خدا قسم آن چه به آن چشم دوخته اید (فرج) نخواهد بود تا این که غربال شوید به خدا قسم آن چه که به آن چشم دوخته اید نخواهد بود تا این که خالص شوید (۱) (کوره امتحان شما را خالص نماید)

در چنین شرائطی عده ای:

-همرنگ جماعت می شوند و...

-عده ای بی تفاوت شده در گوشه ای می خزند و سرگرم کارهای روز مره خود می شوند.

-و عده ای شرائط موجود را تحمل نمی کنند و خودسرانه دست به اقداماتی می زنند که گاهی خسارت آن برای دین کمتر کار دشمنان نیست در حالی که به بیان نورانی امیر المومنین علیه السلام «در هر حرکت و اقدامی نیاز به آگاهی و شناخت است» (۲)

توصیه و سفارش همدیگر به حق و پابندی به آن وظیفه همه منتظران است توصیه به این که:

۱- وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمِيدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَعْرَبُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمِيدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمِيدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا لِمَا وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَمِيدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعِيدٍ إِيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمِيدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ يَشْقَى وَ يَسِيدَ مَنْ يَسْعَدَ» (الكافی ج : ۱ کتاب الحججه باب التمحیص ص : ۳۷۱) برای اطلاع از سایر روایات

مراجعه کنید به کافی ج ۱ کتاب الحججه باب التمحیص و همان باب فی الغیبه و منتخب الأنوار المصیئه ص ۸۲ فصل ششم

۲- «مَا مِنْ حَرَكَهٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَتِهِ» (بحار الأنوار ج : ۷۴ ص : ۲۶۸)

قرآن نقشه راه زندگی و راهنمای سعادت و خوشبختی دنیا و عقباً و شفای درد های بی درمان ماست نه کتابی که صرفاً برای خواندن و ثواب بردن و بوسیدن نازل شده باشد. از آخرین سفارش های حضرت امیر علیه السلام این بود که «دیگران در عمل به قرآن از شما سبقت نگیرند» (۱).

خداوند در هر زمان یک هادی برای ما قرار داده که هم راه است و هم راهنما و ما مکلفیم با تمام توان به این ریسمان الهی چنگ بزنیم و با مال و جان خود از این اعتقاد محافظت نمائیم. (۲) این نعمت سرمایه ایست گرانبها که سارقان در کمین آن نشسته اند لذا مهم ترین وظیفه ما در این دوران، تقویت و تعمیق معرفت و شناخت خود نسبت به امام زمان، جایگاه او در عالم، شؤون و وظائف ایشان، حقوقی که بر ما دارند می باشد.

در این دوران مراقب باشیم بت بزرگ مدگرایی و چشم هم چشمی و وسوسه شرکت در مسابقه رفاه و تجمل، دین و ایمانمان را نابود نسازد بلکه با یاد خدا و پذیرای فرمان الهی بودن خود را بیمه نمائیم.

سختی پابندی به ارزش های دینی و تمسخر دیگران سبب نشود از مرکب صبر پیاده شده و از راه مانده و جزء زیان کاران شویم.

با صداقت، امانتداری، انصاف، رحم و مروت، در دستکاری مایه زینت امام زمانمان بوده و با یاری همدیگر و حل مشکلات دیگران، اتحاد و همدلی موجبات رضایتش را فراهم نماییم.

با اطاعت از «ولی فقیه» و تلاش در جهت زمینه سازی ظهور لیاقت و شایستگی خود را برای یاریش ثابت کنیم.

یادمان باشد گناه بویژه مال حرام، ما را از خداوند دور می کند بین ما و امام زمانمان جدائی می اندازد همان گونه که کوفیان را از امامشان جدا ساخت و خسر دنیا و الاخره شدند.

۱- «وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ» (نهج البلاغه نامه ۴۷)

۲- دلیل آن آیاتی مثل ۷ رعد ۵۹ نساء و حدیث غدیر و ثقلین حدیث منزلت و ده ها دلیل عقلی و نقلی دیگر است.

امام حسین در روز عاشورا خطاب به کوفیان که اجازه سخن گفتن به حضرت نمی دادند فرمودند: «وای بر شما! چه مانعی دارد که ساکت شوید و سخن مرا گوش کنید؟ جز این نیست که من شما را براه هدایت دعوت میکنم، کسی که از من اطاعت کند هدایت می شود و کسی که نافرمانی نماید هلاک و کافر خواهد شد. شما عموماً امر مرا اطاعت نمی کنید، گوش بسخن من نمیدهید. زیرا شکم های شما از حرام پر شد.» (۱)

و امام زمانمان علیه السلام در توقیعی از تشنه و تفرقه و کارهای ناپسندمان گلایه کرده و می فرماید: «آن چه که از کارهای ناشایست آنان به ما می رسد ما را از آنان جدا ساخته است.» (۲)

#### خلاصه:

طبق روایت امام صادق علیه السلام خداوند متعال در سوره «عصر» به زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام قسم یاد نموده است که دشمنان حق در زیان خواهند بود و فقط کسانی که اهل ایمان و عمل صالح به ویژه اهل توصیه همدیگر به حق و صبر باشند رستگار خواهند بود.

در چند صورت حق و باطل مشتبه و پایبندی به حق دشوار خواهد بود مثل در اقلیت قرار گرفتن حق، وجود افراد سرشناس در جبهه باطل و دوران غیبت حجت خداوند. در چنین مواقعی مومنان باید با توصیه همدیگر به حق و صبر به داد هم برسند.

۱- «وَيَلُكُم مِّمَّا عَلَيْكُمْ أَنْ تُنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَشْتَمِعُوا قَوْلِي وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْتَدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلَأْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرِّ» (بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۵، ص: ۸)

۲- «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَنْصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَمَّا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ» (بحار الأنوار ج: ۵۳ ص: ۱۷۶)

## آیات ناظر به رجعت

اشاره

## زنده شدن گروهی از هراتمی

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ» (۱)

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم و آنها را نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند.

یکی از اعتقادات مهم شیعه عقیده به رجعت است عقیده ای که از ضروریات مذهب و ایمان به آن لازم (۲) و از ایام الله است. (۳)

و مقصود از آن به بیان مرحوم شیخ مفید این است که «خداوند متعال گروهی از مردگان را به همان چهره و صورتی که بوده اند به دنیا برمی گرداند و گروهی را (از خوبان) عزت و گروه دیگر را (از بدان) ذلت می بخشد» (۴)

زنده شدن گروهی از کسانی که از دنیا رفته اند مساله ای است که به تصریح قران و روایات بارها در اقوام گذشته بویژه بنی اسرائیل اتفاق افتاده است (۵)

۱- نمل ۲۷: ۸۳ واژه «حشر» به معنای جمع کردن و خارج نمودن گروهی از جایگاهشان می باشد. «حَشَرَهُمْ يَحْشُرُهُمْ وَ يَحْشُرُهُمْ حَشْرًا: جمعهم و منه يوم المَحْشَرِ... و المَحْشَرُ: المجمع الذی يحشر إليه القوم، و كذلك إذا حشروا إلى بلد أو مَعْشَرَ أو نحوه» (لسان العرب) «الحَشْرُ: إخراج الجماعة عن مقرهم و إزاجهم عنه إلى الحرب و نحوها» (مفردات راغب)

۲- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا» (بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۹۲)

۳- امام باقر علیه السلام در مورد آیه ۵ سوره ابراهیم می فرماید: « أَيَّامُ اللَّهِ تَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (بحار الأنوار ج : ۵۱ ص : ۵۰)

۴- «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُدُّ قَوْمًا مِنَ الْأَمْوَاتِ إِلَى الدُّنْيَا فِي صُورِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا فَيُعِزُّ مِنْهُمْ فَرِيقًا وَ يَذَلُّ فَرِيقًا» (أوائل المقالات ، ص ۷۸)

۵- بقره : ۵۵ ، ۷۳ ، ۲۴۳ ، ۲۵۹ آل عمران ۳ : ۴۹ مائده ۵ : ۱۱۰ اعراف ۷ : ۱۵۵ مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه که کتاب بسیار ارزشمندی در موضوع رجعت می باشد حدود پنجاه مورد رجعت در اقوام گذشته را بیان نموده اند.

اما آیا این مساله در امت اسلام هم اتفاق خواهد افتاد؟

امام صادق علیه السلام از حماد سؤال نمودند: «مردم (اهل سنت) در رابطه با آیه «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» چه می گویند؟» عرض کرد می گویند در مورد قیامت است حضرت فرمودند: «آیا در قیامت خداوند متعال از هر امتی فقط گروهی را محشور و بقیه را رها می کند؟! این آیه مربوط به رجعت است و آیه قیامت «وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (کهف ۱۷: ۴۷) است.» (۱)

چند نکته:

- «مِنْ» در «مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ» برای تبعیض است.

- آیات در جمله «مِمَّنْ يُكذِّبُ بآيَاتِنَا» مطلق آیات است و مراد فقط آیات قران نیست و مصداق «کسانی که آیات ما را تکذیب نمودند» همه کسانی هستند که در طول تاریخ آیات الهی از جمله کتب آسمانی، انبیاء و ائمه علیهم السلام را تکذیب نموده اند می شود.

- در آیه ی قبل از آیه ی مورد بحث، سخن از «دَابَّةِ الْأَرْضِ» به میان آمده است که به تصریح روایات از اشراط الساعه یعنی از علائم قیامت و مربوط به قبل از قیامت است و در چند آیه بعد یعنی آیه ۸۷ سخن از نفخ صور و برپائی قیامت به میان آمده است طبعاً سیر منطقی آیات اقتضاء می کند که موضوع مطرح شده در آیه ۸۳ مربوط به قبل از قیامت باشد.

- گزارش دادن از قیامت به این که «قیامت روزی است که از هر امتی گروهی زنده خواهند شد» قطعاً گزارش نادرستی است.

با توجه به نکات فوق، آیه شریفه ظهور در حشر این گروه قبل از قیامت دارد و این همان مطلبی است که در روایات تحت عنوان رجعت بیان شده است امام باقر علیه السلام به ابا بصیر فرمودند: «آیا مردم عراق منکر رجعت هستند؟» گفت: بله حضرت فرمودند: «آیا قران نمی خوانند؟ و یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا».

۱- عَنْ حَمَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ قَالَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ أَيْ حَشَرُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَ يَدْعُ الْبَاقِينَ إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۶۰)

البته در این آیه سخن از رجعتِ مکذبین مطرح شده است و در آیات دیگری و صدها روایت (۱) رجعت خوبان و سایر موضوعات آن ذکر شده است

### استدلال بر وقوع رجعت با آیات دال بر رجعت در اقوام گذشته

صغری:

به تصریح قرآن در موارد متعددی فرد یا افرادی پس از مرگ به اذن الهی زنده شدند مثل زنده شدن هفتاد نفری که با حضرت موسی علیه السلام به کوه طور رفته بودند (۲)، هزاران نفری که از ترس مرگ از شهر و دیار خود فرار کرده بودند (۳)، عزیر نبی که بعد از یک صد سال به اذن الهی برانگیخته شد (۴) و همین طور مقتول بنی اسرائیل که زنده شد و از قاتل خود خبر داد (۵).

کبری:

طبق حدیث نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله هر آن چه که در اقوام گذشته اتفاق افتاده است در این امت نیز واقع خواهد شد (۶).

نتیجه:

رجعت در امت اسلام قطعاً واقع خواهد شد.

۱- برای اطلاع از آیات و روایات مراجعه کنید به کتاب «ایقاظ الهجعه» از شیخ حر عاملی و بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۹

۲- اعراف ۷: ۱۵۵ و بقره ۲: ۶۵

۳- بقره ۲: ۲۴۳

۴- بقره ۲ آیه ۲۵۹

۵- بقره ۲ آیه ۷۳

۶- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَحَذْوُ الْقُدِّهِ بِالْقُدِّهِ» (من لايحضره الفقيه ج: ۱ ص: ۲۰۳) برای اطلاع از روایات در این رابطه مراجعه نمایید به تفاسیر روائی ذیل آیه ۱۹ سوره انشقاق نکته: مواردی که بر اساس روایات معتبر از این عام استثناء شده باشد می پذیریم مثل تحریف ناپذیری کتاب آسمانی اسلام، اما در مورد رجعت نه تنها دلیلی بر خروج آن از این عام نداریم بلکه صدها روایت بر تحقق آن در آخر الزمان تاکید دارد.



مامون به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «یا ابا الحسن عقیده شما در مورد رجعت چیست؟»

حضرت فرمودند: «رجعت حق است در ائمت‌های گذشته بوده است و قرآن نیز در مورد آن سخن گفته است و پیامبر اسلام فرموده است هر آن چه که در ائمت‌های گذشته بوده است در این ائمت نیز خواهد بود(۱)»

موضوع رجعت در تاویل بسیاری از آیات(۲)، مطرح شده است که تفصیل مطلب و بحث پیرامون موضوعاتی مثل فلسفه رجعت، رجعت کنندگان، شبهات رجعت(۳) و موضوعاتی از این قبیل مجال دیگری را می‌طلبد.

نکته مهم در این رابطه این است که اعتقاد به رجعت از امید بخش‌ترین اعتقادات است زیرا عده‌ای در اثر ضعف عقیده ممکن است با خود بیندیشند که از کجا معلوم ما زمان ظهور زنده باشیم؟! این ویروس سبب خمودی و سستی در منتظران می‌شود.

جدای از این که اگر کسی جزء منتظران راستین باشد و وظیفه خود را به درستی انجام دهد به بیان امام صادق علیه السلام اجر کسانی که در رکاب حضرت هستند را خواهد داشت،(۴) موضوع رجعت در درمان این بیماری نقش بسیار مهمی دارد اگر در زمان حیات خود تمام سعی و تلاش خود را در شناخت و ویژگی‌های منتظران راستین بکار گرفته و با جدیت و اخلاص در جلب

۱- عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قَالَ الْمَأْمُونُ لِلرِّضَاعِ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ فَقَالَ ع «إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ» (بحار الأنوار ج: ۵۳ ص: ۵۹)

۲- یونس ۱۰: ۳۹، انبیاء ۲۱: ۹۵، آل عمران ۳: ۸۱، مومن (غافر) ۴۰: ۵۱، ق ۵۰: ۴۱ و ۴۲، مدثر ۷۴: ۱ و ۲ و ۳۴ و ۳۵، سبأ ۳۴: ۲۸، قصص ۲۸: ۸۵ و....

۳- در تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۱۰ سوره بقره و همچنین تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۵۶ بقره و ۸۳ سوره نمل به پاره‌ای از شبهات اشاره و پاسخ داده شده است.

۴- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «...مَنْ سِيرَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصِيحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَمَا مِنْ مَرَاتٍ وَ قَسَامِ الْقَائِمِ بَعْدَهُ كَمَا كَانَ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعَصِيَاءُ الْمُرْخُومَةُ» (بحار الأنوار ج: ۵۲ ص: ۱۴۰ و الغيبة نعمانی باب ۱۱ ح ۱۶)

رضایت امام خود و تخلق به آن ویژگی ها بکوشیم این امید وجود دارد که جزء رجعت کنندگان قرار گیریم این همان چیزی است که در بسیاری از ادعیه و زیارات (۱) مربوط به امام زمان علیه السلام از خداوند درخواست می کنیم. (۲)

نکته آخر این که در چند آیه سخن از نزول حضرت عیسی مسیح علیه السلام مطرح شده است و در تفاسیر شیعه و اهل سنت مطالب ارزشمندی بیان شده است مثل آیه ۱۵۹ نساء، ۶۱ سوره زخرف و ۴۶ سوره آل عمران.

بخاری و مسلم در صحیح خود از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت نموده اند که حضرت فرمودند: «چگونه خواهید بود آنگاه که فرزند حضرت مریم فرود آید در حالی که امام از شما باشد.» (۳)

این موضوع مورد اجماع تمام فرق مسلمان است که بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، حضرت عیسی از آسمان چهارم فرود می آید و پشت سر امام زمان علیه السلام به نماز می ایستد. تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل.

خلاصه:

رجعت به معنای این است که گروهی از کسانی که از دنیا رفته اند به اذن الهی بر می گردند خوبان برای ترفیع رتبه افتخار یاری دین و ظالمان برای ذلت، مجازات و درس عبرت.

آیه ۸۳ سوره نمل از حشر و زنده شدن گروهی از هراتی قبل از قیامت خبر می دهد.

۱- مثل دعای عهد، زیارت جامعه کبیره، زیارتی که در اعمال ماه رجب از حسین بن روح نوبختی رضوان الله تعالی علیه رسیده و چند زیارتی که در مفاتیح الجنان بعد از زیارت آل یس آمده است.

۲- جهت اطلاع بیشتر در رابطه با رجعت به ضمیمه شماره ۳ مراجعه کنید.

۳- الْبَخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِسَنَدِهِ فِي صَحِيحِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ.» صحیح بخاری، ج ۲ (از مجموعه ۴ جلدی) کتاب ۶۰ احادیث الانبیاء باب ۵۱ نزول عیسی بن مریم ح ۳۴۴۹ ص

۴۰۲ و صحیح مسلم (یک جلدی) کتاب الایمان باب ۷۱ نزول عیسی بن مریم ح ۲۴۵ به بعد ص ۷۵

بر اساس حدیث پیامبر اسلام هر آن چه که در امت های قبل اتفاق افتاده است از جمله رجعت، در این امت نیز واقع خواهد شد.

## آیات تبیینی

اشاره

**تعریف :****اشاره**

مراد از آیات تبیینی آیاتی است که برای پاسخ به سؤالات و شبهات مهدویت و همچنین روشن تر ساختن مباحث مهدویت کاربرد ویژه دارد گر چه مستقیماً ارتباطی با بحث مهدویت ندارد .

نمونه ای از این آیات :

**۱- آثار و برکات وجودی امام غائب**

عده ای عقیده به امام غائب را عقیده ای لغو و بیهوده می دانند چرا که چنین امامی بود و نبودش یکسان است!!؟؟(۱)

در ماجرای شگفت انگیز حضرت موسی و خضر علیهما السلام می بینیم حضرت خضر در میان مردم زندگی می کند در عین حال کسی او را نمی شناسد و از کارهایش خبر ندارد و به اصطلاح غائب است(۲) پیوسته در تلاش و تکاپو است گاهی در دریا، گاهی در خشکی و گاهی به دادِ دین مردم و گاهی به دادِ دنیای آنان می رسد و مأموریت های الهی خود را دنبال می کند بر اساس حکمت الهی برای حضرت موسی پرده از کارهای او برداشته می شود و او با تعجب ماجرای سوراخ نمودن کشتی ، قبض روح پسر بچه و تجدید بنای دیوار را نظاره می کند و در نهایت بر حکمت آنها نیز واقف می گردد(۳).

پس غائب بودن و به صورت ناشناس زندگی کردن مانع انجام مأموریت های الهی نیست و امام زمان عجل الله تعالی فرجه در عین غیبت، آثار و برکات متعدد برای فرد و جامعه دارد خود

۱- قاضی عبد الجبار معتزلی: «اگر امام ظاهر نشود تا به وسیله او نقص ها جبران شود، چه فائده ای بر او مترتب است بسان آن که اصلاً حجتی بر روی زمین نباشد!» شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، رضوانی، ج ۲، ص ۲۴۴ تفتازانی: «مسأله اختفای امام از مردم، به این کیفیت که تنها اسمی از او در میان باشد جداً بعید است و امامت او در خفاء امری بیهوده است!» شرح مقاصد تفتازانی، ج ۵، ص ۳۱۲

۲- در بحث غیبت تبیین شده است که غیبت به معنای «ناشناس بودن» است.

۳- سوره کهف ۱۸ : آیات ۶۵ به بعد

حضرت فرموده اند: «ما حفظ و توجه به شما را فروگذار نکرده ایم و شما را از یاد نبرده ایم که اگر این گونه نبود بلاها شما را در بر می گرفت و دشمنان شما را ریشه کن می کردند» (۱).

## ۲- خطر اِرتداد هنگام ظهور و لزوم آمادگی در دوران اِنتظار

اهل کتاب در اِنتظار «خاتم الانبیاء» صلی الله علیه و آله بودند اما با تحقق وعده الهی به او کفر ورزیدند (۲) و ما در اِنتظار «خاتم الاوصیاء» عجل الله تعالی فرجه هستیم با تحقق وعده خداوند چه خواهیم کرد؟!

نکته جالب این که در آیات ۹۰ به بعد سوره بقره علت ایمان نیاموردن آنان بیان شده است از جمله حرص به مادیات و دنیا گرائی (۳).

پس باید عبرت گرفت و با بررسی آن علل و عوامل در دفع و رفع آن آسیب ها کوشش نمود قبل از آن که دیر شود. در آیه ۱۶ حدید نیز بر این امر تأکید شده است.

موضوع «آسیب شناسی جامعه منتظر» از مهمترین موضوعاتی است که باید خواص جامعه به طور جدی به آن بپردازند.

## ۳- تسلیم محضِ حجتِ خداوند بودن

به راستی چه چیزی سبب شده است تا عده ای به گواهی تاریخ در برابر حجت های الهی به مخالفت بر خیزند بدون این که دشمنی یا حب دنیا علت این مخالفت بوده باشد؟!

و همین موضوع در مورد برخی از منتظران حضرت هشدار داده شده است! (۴) مشکل کجاست؟ و راه چاره چیست؟

۱- «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاةِكُمْ وَ لَا نَاسِيِينَ إِذْ ذُكِرْتُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْيَطَلَمَكُمُ الْأَعْيَادُ» بحار الأنوار ج ۵۳

ص ۱۷۴ باب ۳۱- ما خرج من توقيعاته عليه السلام ..... الاحتجاج ج ۲ ص ۴۹۵

۲- «... فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ...» بقره ۲: ۸۹ به روایات وارده ذیل این آیه در تفاسیر روایی مراجعه شود.

۳- «وَ لَتَجِدَنَّهْم أٰخِرَ صَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاهِ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ» بقره ۲: ۹۶

۴- عن الصادق عليه السلام: «إذا خرج القائم ع خرج من هذا الأمر من كان يرى أنه من أهله» (الغيبه نعمانی باب ۲۱ ح ۱)

پس از ظهورِ امام زمان عجل الله تعالی فرجه و با توجه به معیارهای تشخیصِ موعود راستین از مدعیان مهدویت، مهمترین وظیفه ما این است که خود حضرت را معیارِ حق قرار دهیم و در صفحه ذهنمان فقط این مطلب باشد که «الْحُجَّه بِنِ الْحَسَنِ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ الْحُجَّه» (۱) و کارهای حضرت را با عقل ناقص خود نسجیم چرا که او دارای مقام عصمت و مأمورِ الهی است.

کسی که ویژگی او این است که «وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي» (۲) اگر بخواهیم افعال او را با ذهن خود بسنجیم قطعاً دچار مشکل می شویم «وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا» (۳)

نمونه قرآنی این مسأله ماجرای ذبح گاو توسط بنی اسرائیل بود وقتی حضرت موسی علیه السلام فرمانِ الهی را مبنی بر ذبح گاو بیان نمود آنها گفتند: آیا ما را مسخره کرده ای (۴)؟! (یعنی ما به تو می گوئیم از خداوند بخواه قاتل جوانِ بی گناه مشخص شود آنگاه به ما می گوئی گاو بکشیم! کشتن گاو چه ارتباطی با قاتل دارد!؟)

با بیان فوقِ إشکالِ کارِ آنان به خوبی روشن می شود اگر آنان به این مطلب توجه می نمودند که حضرت موسی علیه السلام می گوید خداوند متعال فرمان می دهد که گاوی ذبح نماید لازم بود با تمام وجود در پی انجام این فرمان باشند هر چند سر آن را ندانند.

قطعاً یکی از دستاوردهای مهم سفرِ حضرت موسی در همراهی با حضرت خضر نیز همین موضوع حساس بود وقتی حضرت خضر علت کارهای خود را تشریح نمود (۵) گفت: «وَمَا فَعَلْتُهُ

۱- رسول خدا در در مورد همه ائمه فرمودند: «آنان با حق هستند و حق با آنان است» عَنْ حَدِيثِهِ بْنِ أُسَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ وَ سَأَلَهُ سَيِّدُ الْمُرُومِ عَنْ الْأَئِمَّةِ فَقَالَ «الْأَئِمَّةُ بَعْدِي عَدَدُ نُبِيَّائِي إِسْرَائِيلَ تَشْرَعُهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَ مِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَلَّا إِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمْ» بحار الأنوار ج: ۳۶ ص: ۳۲۹

۲- كهف ۱۸: ۸۲

۳- كهف ۱۸ آیه ۶۷

۴- «وَ إِذِ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» بقره ۲:

۶۷

۵- مراجعه کنید به آیات ۷۹ تا ۸۲ سوره كهف

عَنْ أَمْرِي» یعنی آن چه را که انجام دادم سر خود و از روی هوا و هوس نبود بلکه من مامور الهیم!

مشکل این جاست که ما براساس علوم و اطلاعاتی که داریم قضاوت می کنیم از منظر دید حضرت موسی (ع)، سوراخ کردن کشتی و کشتن بچه جرم و گناه بسیار بزرگ و نابخشودنی بود! لذا به شدت اعتراض کرد.

اما آیا اگر آن چه را که حضرت خضر می دانست او هم اطلاع داشت باز هم این کارها را خلاف می دید یا عین تفضل و رحمت می دید؟! لذا وقتی حضرت خضر حکمت و فلسفه ماموریت الهی خود را بیان نمود او شرمنده شد و دانست که در برابر مامور خدای حکیم، باید مطیع و فرمانبردار بود.

در قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی در معارضه و مبارزه با مستکبران و دجالان، مواردی پیش می آید که به خاطر رعایت اصول امنیتی و غلبه بر دشمن، صلاح نیست اسرار و واقعیت های ماموریت محوله بیان شود در چنین مواقعی است که اهمیت این نکته به خوبی مشخص می گردد.

#### ۴- عمر طولانی و محال نبودن آن

برخی از افراد عمر طولانی را امری محال دانسته و همین امر را بهانه ای برای انکار وجود حضرت یا تردید در آن دانسته اند! آیا عمر طولانی محال است؟!

خداوند متعال در مورد حضرت یونس می فرماید: «و اگر او از تسبیح گویان نمی بود حتماً در شکم ماهی تا روزی که خلق مبعوث شوند باقی می ماند» (۲)

حضرت یونس در جایی قرار گرفته (معدّه نهنگ) که جای هضم هر چیزی است که درون آن قرار گیرد، هوایی برای تنفس نیست و در ظلمت محض به عبارت دیگر در بدترین موقعیت حیات قرار دارد خدایی که این قدرت را دارد که بنده اش را در چنین جایگاهی تا روز قیامت نگه دارد آیا قدرت ندارد حجتش را در شرائط طبیعی نگه دارد؟!

نکته جالب این که در این صورت نهنگ هم لازم بود تا قیامت زنده باشد.

۱- این ماجرا مربوط به دوران قبل از نبوت حضرت موسی می باشد.

۲- «فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (۱۴۳) لَلْبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴۴)» صافات ۳۷: ۱۴۳ و ۱۴۴



گر چه حضرت یونس علیه السلام نجات یافت اما این آیه امکان عمر طولانی را اثبات می کند زیرا اگر عمر طولانی محال بود معنی نداشت که بفرماید: «لَلْبَثِّ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ».

ممکن است کسی بگوید به چه دلیل می گوئید مراد از این جمله این است که تا قیامت به صورت زنده زندانی می شد؟

در پاسخ خواهیم گفت ماندن تا روز قیامت به صورت مرده امر عجیبی نیست هر کس که می میرد روح او تا قیامت باقی خواهد ماند سپس زنده خواهد شد.

آیه فوق امکان عمر طولانی را اثبات می نماید اما وقوع آن را نیز می توان اثبات نمود قران یک مقطع از حیات حضرت نوح علیه السلام یعنی دوران تبلیغ او تا زمان نفرین را، ۹۵۰ سال بیان می کند(۱) اگر دوران قبل از نبوت و دوران بعد از طوفان را هم اضافه کنیم یک دوره بسیار طولانی خواهد شد.

به بیان نورانی امام صادق، وی ۲۵۰۰ سال عمر نمود.(۲)

## ۵ - جوان ماندن امام زمان عجل الله تعالی فرجه

یکی از شگفتیها و معجزات خداوند در مورد حضرت این است که گرد پیری بر چهره مبارک ایشان نمی نشیند و پیوسته چهره او همانند جوانی ۳۰ تا ۴۰ ساله می باشد(۳)

با بیان امام صادق برخی وقتی حضرت با به این صورت می بینند او را انکار می کنند!؟ چرا که باور چنین حقیقتی برایشان دشوار است!

۱- عنكبوت ۲۹: ۱۴

۲- بحار ج ۱۱ ص ۲۸۵

۳- ابا صلت هروی می گوید: به امام رضا عرض کردم نشانه های حضرت قائم هنگام قیام چیست؟ فرمودند: نشانه اش این است که سنش زیاد اما چهره اش جوان است به گونه ای که کسی که به ایشان نگاه می کند تصوّر می کند او چهل ساله یا کمتر از آن است و از جمله نشانه هایش این است که با گذشت شب و روز پیر نمی شود تا این که اجلش فرا برسد. (یعنی تا پایان عمر) کمال الدین ج ۲ ص ۶۵۲ باب ۵۷- ما روی فی علامات خروج القائم علیه السلام

قطعاً ریشه و منشأ این سنگین بودن چنین امری و همین طور موضوع طول عمر حضرت، ضعف در توحید و خداشناسی است امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «خداوند به او عمر طولانی می دهد سپس همانند جوانی کمتر از چهل سال او را ظاهر می گرداند تا معلوم شود خداوند بر هر کاری توانا است»<sup>(۱)</sup>

آیا چنین امری امکان پذیر است؟

خداوندی که می تواند غذا و نوشیدنی عَزَّیرِ نبی را به مدت صد سال تر و تازه<sup>(۲)</sup>

و اصحاب کهف را به مدت سیصد و نه سال بدون این که آب و غذائی بنوشند سالم و زنده نگه دارد<sup>(۳)</sup>

از دل کوه شتر برای مردم بیرون آورد<sup>(۴)</sup>

و آتش را بر ابراهیم خلیل سرد و سلامت گرداند<sup>(۵)</sup>

از دل یک سنگ دوازده چشمه جاری سازد<sup>(۶)</sup>

جوان نگه داشتن حجّتش امری ساده و آسان است آری او «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ»<sup>(۷)</sup> است .

این آیات، نمونه هایی از آیات تبیینی مهدویت بود نمونه های دیگر مثل:

-آیه ۹۲ سوره یوسف برای تبیین جلوه رحمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه،

-آیات ۱۲۳ به بعد آل عمران، ۹ به بعد انفال، ۲۵ سوره احزاب، ۲۴ سوره فتح، و آیاتی از این قبیل برای تبیین نقش امدادهای الهی در یاری حضرت.

۱- کمال الدین ج ۱ باب ۲۹ ح ۲

۲- «فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ» بقره ۲: ۲۵۹

۳- سوره کهف آیات ۱۷ به بعد

۴- اعراف ۷: ۷۳

۵- انبیاء ۲۱: ۶۸

۶- بقره ۲: ۶۰

۷- بروج ۸۵: ۱۵ و ۱۶

- آیات ۱۵۱ آل عمران و ۱۲ أنفال و ۱۸ كهف و ۲۶ أحزاب و ۲ حشر برای تبیین نقش رعب در شكست دشمن و پیروزی لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه،

- آیات ۱۱ سوره رعد و ۲۵ حدید برای تبیین نقش مردم در ظهور و...

خلاصه:

دسته ای از آیات قران برای تبیین و توضیح موضوعات مهدوی و پاسخگویی به سؤالات و شبهات این عرصه، نقش تعیین کننده ای دارد.

برای تبیین فوائد امام غائب، علل مخالفت گروهی از مومنان با حضرت هنگام ظهور، خطر ارتداد برخی از آنان، موضوع طول عمر امام زمان علیه السلام و جوان ماندن ایشان و دهها موضوع دیگر، می توان از آیات قران کمک گرفت.

ص: ۱۳۳

بخش ضمیمه

اشاره

## ضمیمه شماره ۱: امامت در یک نگاه

مهمترین مسأله ای که پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در میان امت اسلام مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و در طول تاریخ همواره محور مباحث بوده مسأله امامت می باشد .

مهدویت زیر مجموعه امامت است و نوع نگاه و اعتقاد به امامت در مهدویت منعکس می گردد و منشأ اختلافاتی که در بحث مهدویت بین ما و اهل سنت، وجود دارد همین نکته است لذا قبل از ورود به این بحث لازم است موضوع امامت بررسی شود

معنای لغوی امام :

به انسان یا چیزی که مورد پیروی قرار گیرد خوب باشد یا بد ، حق باشد یا باطل امام گفته می شود(۱)

عرب به شاغولی که بنا استفاده می کند؛ الگویی که خیاط از آن کمک می گیرد؛ فرمانده؛ راهنما؛ راه و ... امام می گوید(۲)

در قران و روایات واژه امام علاوه بر معنای اصطلاحیش به معنای لغوی نیز به کار رفته است تعبیر «ائمہ کفر»(۳) و «ائمہ جور»(۴) از همین باب است طبق این معنی به عنوان مثال حضرت ابراهیم

۱- « و الإمام: المؤتم به، إنسانا كأن یقتدی بقوله أو فعله، أو کتابا، أو غیر ذلك محققا کان أو مبطلا، و جمعه: أئمه. و قوله تعالی: یَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ [الإسراء/ ۷۱] آی: بالذی یقتدون به » مفردات راغب اصفهانی ، ذیل واژه امام

۲- مراجعه کنید به لسان العرب و القاموس المحيط

۳- «فَقَاتِلُوا أئِمَّةَ الْکُفْرِ» توبه : ۱۲

۴- ۱۲- راوی از امام صادق در مورد تفسیر سوره شمس سؤال نمود حضرت فرمودند: «...» وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» مراد از این جمله که «قسم به شب آن گاه که خورشید را بپوشاند» پیشوایان جور هستند که امر رهبری را که از آل رسول بود به خود اختصاص دادند و در جایگاهی نشستند که شایسته آل رسول بود پس دین خدا را با ظلم و ستم پوشاندند...» الکافی ج ۸ ص ۵۰ حدیث موسی علیه السلام .....

خلیل علیه السلام امام نور است و نمرود امام نار. در بین مردم به ویژه در میان عرب به علمای بزرگ امام گفته می شود.

معنای اصطلاحی :

الف : اصطلاح قرآنی

امامت به معنای درجه و رتبه ای فوق ثبوت و رسالت است که خداوند متعال به برخی از بندگان خاص خود عطا نموده است طبق آنچه که در آیه ۱۲۴ بقره آمده است حضرت ابراهیم علیه السلام در حالی که نبی و رسول بود بعد از پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز امتحانات الهی، خداوند متعال این مدال را به او عطا نمود(۱).

لازم به ذکر است که نسبت بین « امام » به این معنی و « نبی » ، عموم و خصوص من وجه است برخی از انبیاء هم نبی بودند و هم امام ، برخی فقط نبی بودند ائمه معصومین نیز امام هستند ولی نبی نیستند(۲).

ب : اصطلاح کلامی

امامت در اصطلاح کلام به معنای جانشینی رسول گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله می باشد.(۳)

اصل امامت به معنای مذکور مورد اتفاق همه فرق مسلمان می باشد اما در مورد جزئیات آن اختلافات بسیار زیادی وجود دارد .

مسأله مهم در این جا این است که اگر موضوع جانشینی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مورد بحث است بینیم

۱- وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴)

۲- برای آشنایی با این اصطلاح قرآنی مراجعه کنید به تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۲۴ بقره و ۷۳ انبیاء و ۳۵ یونس

۳- شرح مواقف و شرح مقاصد جلد آخر، آخرین بحث کتاب با عنوان «المرصد الرابع فی الامامه» الهیات آیه الله سبحانی ج ۴

اولاً شئون و وظایف رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چه بوده؟

ثانیاً کسی که می خواهد جانشین حضرت قرار گیرد وظیفه او چیست؟ به عبارت دیگر معنای جانشینی و امامت چیست؟ آیا جانشینی در تمام وظایف و شئون به جز دریافت وحی مطرح است یا جانشینی فقط در حیطه حکومت و کشورداری مورد نظر است!!؟

شئون و وظایف رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم:

۱- دریافت و ابلاغ وحی به امت

۲- تبیین آیات قرآن

طبق آیات ۴۴ و ۶۴ سوره مبارکه نحل آیات قرآن نیازمند به تبیین می باشد چرا که در قرآن عمدتاً کلیات مطرح شده است و بیان جزئیات هر مسأله و حدود و ثغور آن از طرف خداوند متعال به عهده رسولش گذاشته شده است. به عبارت دیگر علاوه بر «وحی قرآنی»، «وحی تبیینی» هم وجود دارد(۱).

طبق این اصل، قرآن نیازمند به تبیین می باشد و اگر کسی بگوید «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» کتاب خدا برای ما کافی است و نیاز به چیز دیگری نداریم منشائی جز جهل ندارد و همین آیات خط بطلان بر این دیدگاه می کشد.

۳- بیان احکام و سایر نیازهای دینی مردم

احکام به معنای بایدها و نبایدهایی است که از سوی آفریدگار هستی به جهت رشد و تعالی انسان توسط رسولش بیان می شود پیروی از احکامی که از غیر این طریق بیان شود و با سلسله مراتب به حق تعالی منتهی نشود خروج از توحید محسوب می شود(۲).

۴- پاسخ به سؤالات و شبهات

۱- «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)» سوره مبارکه قیامه

۲- در تفسیر صافی ذیل آیه ۳۱ توبه (اتَّخَذُوا أَخْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...) از قول امام صادق بیان می کند که حضرت فرمودند: به خدا قسم آن ها مردم را به عبادت خودشان فراخواندند که اگر این کار را می کردند کسی اجابت نمی کرد بلکه آن ها حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام نمودند (و مردم بدون دلیل و با علم به کذبشان، پذیرفتند) پس مردم آن ها را عبادت کردند از ناحیه ای که خود نفهمیدند.

اگر رسول برای هدایت بشر آمده است باید موانع هدایت نیز برداشته شود و از جمله این موانع شبهاتی است که اگر حل نشود موانع هدایت خواهد بود .

#### ۵- قضاوت و داوری

طبق آنچه که از آیه ۶۵ سوره نساء و آیه ۶ و ۳۶ سوره احزاب و سایر ادله استفاده می شود قضاوت و داوری شأنی است الهی که خداوند متعال آن را بر عهده رسولش قرار داده است و کسی حق داوری دارد که از طرف رسول و جانشینان معصومش مأذون باشد در غیر این صورت غاصب خواهد بود و داوری او هیچ ارزشی نخواهد داشت و مصداق مراجعه به طاغوت است (۱).

#### ۶- ولایت معنوی

۱- « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا » نساء ۴: ۶۰ عمر بن حفصه می گوید: از امام صادق سؤال کردم در مورد دو نفر از شیعیان که دعوی بر سر بدهی یا ارث پیدا می کنند و برای قضاوت پیش حاکم یا قاضی (منسوب از طرف خلیفه غاصب) می روند آیا این کار جائز است؟ حضرت فرمودند: کسی که دعوی خود را نزد آنان ببرد چه (دعوایشان) حق باشد یا باطل در واقع به طاغوت مراجعه نموده در حالی که مأمورند به آن کفر بورزند خداوند فرموده است: « يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ » گفتم پس چه کنند؟ فرمودند: تحقیق کنند کسی از شما که راوی حدیث ماست و در (شناخت) حلال و حرام ما صاحب نظر است و احکام ما را می شناسد او را به عنوان حاکم قرار دهند بدرستی که من چنین کسی را بر شما حاکم قرار دادم پس وقتی حکمی کرد اگر کسی نپذیرد در واقع حکم خدا را سبک شمرده و ما را نپذیرفته است و کسی که ما را نپذیرد در واقع خدا را نپذیرفته است و این به منزله شرک به خدا است. (کافی ج ۱ کتاب العلم باب اختلاف الحدیث ح ۱۰ ص ۶۷)



ولّی عالم، خداوند متعال است که رسول از طرف او مظهر اعمال ولایت در عالم قرار می گیرد مسأله شب قدر و نزول فرشتگان در این شب به محضر حجّت زمان در راستای همین حقیقت است (۱).

#### ۷- حفظ دین از تحریف

چون دین اسلام، آخرین دین است و وحی تشریحی تا ابد قطع شده است پس باید پیوسته اصل دین آنگونه که نازل شده است نزد ولّی خداوند محفوظ نماند. (۲)

#### ۸- زعامت و رهبری

در صورتی که زمینه تشکیل حکومت وجود داشته باشد از جمله وظایف حضرت، تشکیل حکومت اسلامی است همانگونه که با هجرت ایشان به مدینه منوره عملاً این حقیقت شکل گرفت .

عهده دار شدن این وظائف نیازمند به علم ، اذن ، ولایت و قدرت الهی و مقام والای عصمت می باشد تا مردم نسبت به آن چه بیان می شود اعتماد و اطمینان کامل داشته باشند .

با رحلت حضرت مهمترین و اساسی ترین مسأله ای که در میان امت اسلام مطرح شد بحث جانشینی رسول گرامی اسلام بود .

حال سؤال این است که معنای جانشینی پیامبر چیست ؟ و وظیفه جانشین حضرت چه می باشد؟

قطعاً شأن اول منتفی است چرا که حضرت خاتم الانبیاء والمرسلین است (۳) و با یرتجالش وحی نیز قطع می گردد حال باید دید رابطه امام با سایر شؤون و وظائف پیامبر اسلام چیست ؟

۱- ر.ک کتاب ولاء و ولایتها و کتاب امامت و رهبری از شهید مطهری

۲- « بَلَىٰ لَمَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَعْمُورًا لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ » نهج البلاغه

حکمت ۱۴۷

۳- « مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا » احزاب ۴۰: ۳۳

اهل سنت امام را به معنای حاکم و اداره کننده جامعه می نگرند که چون زندگی مردم اجتماعی است پس حال که رسول خدا از دنیا رفته است بر مردم واجب است از میان خود کسی را به عنوان حاکم برگزینند .

اما شیعه امامیه امامت را تداوم رسالت و امام را عهده دار تمام شؤون و وظائف رسول گرامی صلی الله علیه و آله به جز دریافت وحی می داند.

و بدیهی است که تفاوت این دو نگاه نسبت به امام و امامت از عرش تا فرش می باشد.

امامت از دیدگاه اهل سنت :

تعریف : « الامامه رئاسه عامه فی امر الدین و الدنیا خلافه عن النبی (۱) »

امامت ریاستی است عمومی در مسأله دین و دنیا بعنوان جانشین پیامبر

جایگاه :

از دیدگاه اهل سنت امامت از فروع دین و تکلیف خود امت است و وجوب آن کفائی است (۲)

راههای نصب و تعیین امام :

الف : رأی اکثریت                      ب : رأی اهل حل و عقد

ج : وصیت امام قبل                      د : از طریق اجبار و زور ( القهر و الاستیلاء = کودتا )

نکته : اگر امامی از طریق اجبار و زور قدرت را در دست گرفت سپس دیگری آمد و بر او غالب شد شخص اول از امامت عزل و دومی که قدرت را در دست گرفته امام خواهد شد (۳) !!

صفات و ویژگی های امام :

گر چه علمای اهل سنت برای امام شرائطی مثل مجتهد ، مدیر ، مدبر ، شجاع ، عادل بودن و امثال آن را ذکر کرده اند اما در عین حال گفته اند اگر کسی که دارای این شرائط باشد نبود بر امت

۱- شرح مقاصد تفتازانی بخش آخر المرصد الرابع فی الامامه

۲- شرح مواقف قاضی ایجی بخش آخر المرصد الرابع فی الامامه

۳- شرح مقاصد تفتازانی بخش آخر المرصد الرابع فی الامامه

واجب است کسی را که فاقد این شرائط است انتخاب کنند تا آنجا که تفتازانی می گوید حتی اگر فاسق و جاهل هم باشد باز اطاعت از او لازم است (۱)!!

حال باید این سؤال را از آنان پرسید که اگر در میان امت کسی که از نظر علم و عدالت سرآمد دیگران باشد وجود داشته باشد آیا امامت به غیر او می رسد؟! این در حالی است که بزرگان آنها به برتری امام علی علیه السلام نسبت به دیگران اقرار نموده اند قاضی ابوبکر باقلانی می گوید بارها خلیفه دوم گفت اگر علی به داد ما نرسیده بود هلاک شده بودیم (۲) عجیب تر از آن سخن ابن ابی الحدید است که می گوید: « الحمد لله الذی قدّم المفضول علی الفاضل (۳) » « آیا با این سخن، حکمت و عدالت خداوند را زیر سؤال نبرده است؟! »

وظیفه امام :

وظائف امام عبارت است از: « سازماندهی سپاه و حفظ مرزها، مقابله با ظالم و گرفتن حق مظلوم، اقامه حدود، تقسیم بیت المال، فرستادن آنها به حج و جهاد » به بیان باقلانی این ها وظائف امام است و به خاطر همین نصب می شود (۴)

همان گونه که ملاحظه می شود وظائفی که برای امام بیان می کنند همان وظائف یک پادشاه و رئیس جمهور است و امام به عنوان اداره کننده جامعه و حاکم دیده می شود!

امامت از دیدگاه شیعه :

تعریف :

«الامامه نیابه عن النبی فی جمیع شؤونه الا الوحی إنتصاباً من الله» (۵)

۱- شرح مقاصد تفتازانی بخش آخر المرصد الرابع فی الامامه

۲- تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل ص ۴۷۶ و مراجعه کنید به تفاسیر اهل سنت ذیل آیه ۲۰ سوره نساء

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۳

۴- تمهید الاوائل ص ۴۷۷ باب ما اقیم الامامه لاجله

۵- برای تعریف امامت مراجعه کنید به کتب کلامی مثل: الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل، آیه الله سبحانی ج ۴ ص

۸ و الامامه فی اهم الکتب الاسلامیه و عقیده الشیعه الامامیه، آیه الله سید علی میلانی ص ۴۵ و...

امامت نیابت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است در همه شؤون و وظائف او به جز دریافت وحی که از طرف خداوند نصب می شود .

جایگاه :

طبق این تعریف امامت از اصول دین و امری است که در عرش الهی حکم آن صادر می شود و اهمیت آن به حدی است که اگر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این امر الهی را به امت ابلاغ نکرده بود گویا رسالتش را انجام نداده بود (۱).

و با اعتقاد به امامت و ولایتی که از سوی حق تعالی صورت گیرد توحید شکل می گیرد (۲).

و به همین جهت است که اگر کسی معتقد به چنین امامی نباشد و از دنیا برود به مرگ جاهلی از دنیا رفته است و به بیان امام صادق علیه السلام باید از خداوند بخواهیم حجتش را به ما بشناساند چرا که در غیر این صورت گمراه خواهیم شد (۳).

۱- « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مَمْرًا مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ » مائده ۵ : ۶۷

۲- امام رضا از قول پدران بزرگوارشان از امام باقر نقل می فرمایند که در مورد آیه « فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ فِطْرَتَ النَّاسِ عَلَيْهَا » فرمودند: مراد «لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام» می باشد و توحید تا این جاست اِلَى هَاهُنَا التَّوْحِيدِ». (یعنی با پذیرش ولایت توحید شکل می گیرد به عبارت دیگر موضوع توحید، نبوت و ولایت اقل و اکثر ارتباطی است مثل نماز و روزه است که تا آخرین جزء آن انجام نپذیرد نماز و روزه ای شکل نمی گیرد.) بحار الانوار ج ۳ ص ۲۷۷ باب ۱۱ الدین الحنیف ح ۳

۳- « ... فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي حَجَّتْكَ ضَلَلتَ عَنْ دِينِي » کمال الدین ج ۲ باب ۱ ح ۲۴ ص ۳۴۳ در این جا مناسب است بخش هایی از روایت امام رضا علیه السلام در مورد امامت ذکر شود : عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ كُنَّا مَعَ الرَّضَاعِ بِمَرْوٍ فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجُمُعَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي يَدَيْهِ مَقْدَمًا فَأَذَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَ فَأَعْلَمْتُهُ حَوْضَ النَّاسِ فِيهِ فَتَبَسَّمَ عَ ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ جَهْلَ الْقَوْمِ وَخُدْعُو عَنْ آرَائِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ صَ حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ بَيِّنٍ فِيهِ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْحُدُودُ وَ الْأَحْكَامُ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَا فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ مَا فَزَّنَّا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْزَلَ فِي حَجِّهِ الْوَدَاعِ وَ هِيَ آخِرُ عُمْرِهِ صَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ أَمْرَ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمُضْ صَ حَتَّى بَيَّنَّ لَامْتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَ أَوْصَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَهُمْ عَلَى قَصِيدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَ عَلِمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ فَمَنْ رَعِمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُكْمَلْ دِينَهُ فَصَدَّ رَدَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ هَيْلٌ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَ أَعْظَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِآرَائِهِمْ أَوْ يَقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ إِنَّ الْإِمَامَةَ حَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَ بَعْدَ النَّبِيِّ وَ الْخَلَّةَ مَرْجَبَهُ تَالِئَهُ وَ فَضِيلَةَ شَرَفَهُ

بِهَا وَ أَشَادَ بِهَا ذَكَرَهُ فَقَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا... إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ صَ وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَ إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صِلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرِ الْفَنَى وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِفْضَاءِ الْجُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعِ الثُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِإِلْحَاكِمِهِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْمَأْفِقِ بَحِيثٌ لَمَّا تَنَالَهَا الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارُ الْإِمَامُ الْبِدْرُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ النُّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدُّجَى وَ أَجْوَازِ الْبُلْدَانِ وَ الْقَفَارِ وَ لُحُجِ الْبِحَارِ الْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمِّ وَ الدَّالُّ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى الْإِمَامُ النَّارُ عَلَى الْيَفَاعِ الْحَيَارُ لَمَنْ اضْطَلَى بِهِ وَ الدَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكٌ الْإِمَامُ السَّحَابُ الْمِيَاطِرُ وَ الْغَيْثُ الْهَاطِلُ وَ الشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَ السَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ وَ الْأَرْضُ الْبَسِيطَةُ وَ الْعَيْنُ الْغَزِيرَةُ وَ الْغَدِيرُ وَ الرُّوضَةُ الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْمَأْمُ الْبِرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْرُغُ الْعِيَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حِجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنِ حَرَمِ اللَّهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ غِيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَارُ الْكَافِرِينَ.... فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَيِّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَ الزَّلَلِ وَ الْعَثَارِ يُخْصُهُ اللَّهُ بِعَدْلِكَ لِيَكُونَ حِجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ شَاهِدُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ أَوْ يَكُونُ مُخْتَارَهُمْ بِهِدِيهِ الصِّفَةِ فَيَقْدِمُونَهُ تَعَدُّوا وَ بَيَّتِ اللَّهُ الْحَقَّ وَ نَبَّأُوا كِتَابَ اللَّهِ وَ رَأَى ظُهُورَهُمْ كَانَتْهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْهُدَى وَ الشِّفَاءُ فَتَبَدُّوا وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ فَذَمَّتْهُمْ اللَّهُ وَ مَقَّتْهُمْ وَ اتَّعَسَتْهُمْ فَقَالَ جَلَّ وَ تَعَالَى وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بغيرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ وَ قَالَ فَتَعَسَّا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ وَ قَالَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَمَا ذَلِكُ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا» كافي ج ١

كتاب الحجج باب نادر في فضل الامام و صفاته ص ١٩٨



شرائط و راه نصب :

وقتی وظائف إمام همان وظائف پیامبر به جز دریافت وحی باشد، طبیعی است که باید تمام شرائط و ویژگی های حضرت، از عصمت، علم مطلق، ولایت و قدرت إلهی و تخلّق به تمام فضائل و کمالات را دارا باشد و نصب و تعیین چنین إمامی جز از طریق ذات أقدس إلهی امکان پذیر نیست .

آری امامت امری مردمی نیست که مصداق « و أمرهم شوری بینهم » قرار گیرد بلکه امری است إلهی که مستقیماً توسط خداوند متعال تعیین می شود(۱) و رسول مکرم اسلام در قضیه غدیر خم مأمور بود امامت إمام علی علیه السلام را از ناحیه خداوند متعال إبلاغ کند .

ابن هشام در کتاب تاریخ خود که از مهم ترین کُتب تاریخ اهل سنت است نقل می کند که در اواخر ایام بعثت که ایام بسیار طاقت فرسایی برای حضرت بود رئیس یکی از قبایل در ایام حجّ به حضرت عرض کرد حاضر است مسلمان شود به شرطی که حضرت ؛ او یا یکی از افراد قبیله او را به عنوان جانشین خود انتخاب کند ( با توجه به این که در نظام قبیله گرائی اگر رئیس یک قبیله مسلمان می شد تمام قبیله مسلمان می شدند ) اما حضرت با کمال صراحت فرمودند :

«الامر الی الله یضعه حیث یشاء» این مسأله مربوط به من نیست بلکه به دست خداوند است آن را در جایی که خود بخواهد قرار می دهد (۲).

نتیجه:

إمام مهدی از دیدگاه شیعه :

- او از نسل رسول الله از ذریه حضرت زهراء و فرزند إمام حسن عسکری صلوات الله علیهم

اجمعین می باشد .

- در سال ۲۵۵ هجری متولد شد و هم اکنون نیز زنده است .

- دوازدهمین جانشین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خاتم الاوصیاء می باشد.

۱- مراجعه کنید به آیات ۳۰ و ۱۲۴ بقره، ۷۳ سوره انبیاء و ۲۴ سجده و کافی ج ۱ کتاب الحجّه باب أن الامامه عهد من الله ص ۲۷۷

۲- سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۲۴ باب عرض الرسول نفسه علی القبایل

- بر اساس حکمتِ الهی در حال غیبت به سر می برد .

- به عنوان حجت خداوند و واسطه فیضِ الهی در حال غیبت ، همانند خورشیدِ پشت ابر دارای آثار و برکات بی شماری برای بشریت و همه مخلوقات می باشد .

- تمام میراث علمی و معنوی انبیاء و اولیاءِ الهی و هر آنچه که بر حضرت رسول نازل شد و تا روز قیامت مورد نیاز بشریت می باشد نزد اوست و با ظهورش در اختیار بشریت قرار خواهد گرفت **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** .



## ضمیمه شماره ۲: دلایل عقلی وجود حجت در هر زمان

مهدویت از جمله موضوعاتی است که علاوه بر پشتوانه های مستحکم قرآنی و روایی از برهان ها و استدلال های عقلی نیز برخوردار می باشد با توجه به جایگاه والای عقل به ویژه از نگاه شیعه که معتقد به حُسن و قُبْح عقلی است و عقل را به عنوان حجت درونی می نگرداند (۱) و آیات و روایات فراوانی در جایگاه و عظمت عقل و ارزش تعقل داریم بررسی این موضوع از منظر عقل اهمیت ویژه ای خواهد داشت (۲).

برای اثبات ضرورت نصب و تعیین امام از جانب خداوند متعال بیش از ده برهان عقلی (۳) اقامه شده است که به جهت اختصار به برخی از آن ها اشاره می شود:

### ۱- برهان سبر و تقسیم (۴)

آنچه که در راستای هدایت بشریت تا روز قیامت مورد نیاز بود خداوند متعال آن را در اختیار رسولش قرار داد و حضرت آنچه را که در سطح فهم مردم آن زمان و مورد نیازشان بود بیان نمود

۱- اشاعره که اکثریت اهل سنت را تشکیل می دهند معتقد به حُسن و قُبْح عقلی نیستند و صرفاً بر نقل تأکید می نمایند و بویژه سلفیون از آنها می گویند آنچه را که سلف و گذشتگان ما پذیرفته اند ما هم باید بپذیریم و نباید در مورد آن فکر کنیم . الاصول العامه ، سید محمد تقی حکیم ص ۲۷۰

۲- برای تحقیق بیشتر در این رابطه می توانید از طریق واژه های «لَبّ» و جمع آن «الْبَاب» (بقره آیه ۲۶۹) «نُهی» «نُهی» (طه: ۱۲۸) و «حجی» (...اولی النُهی و ذوی الحجی.. زیارت جامعه) «احلام» (طور ۵۲ : ۳۲) «حجر» (فجر ۸۹ : ۵) موضوع را پی گیری نمایید.

۳- برهان کلامی لطف ، برهان فلسفی امکان اشرف ، برهان عنایت ، برهان وجود انسان کامل ، برهان فیض و ...

۴- سبر به معنای آزمودن و بررسی نمودن می باشد نام دیگر آن ، قاعده تردید می باشد که در علم منطقی بطور مبسوط راجع به این برهان سخن گفته شده است اجمال آن این که هرگاه واقعیت بین گزینه های متعدد نامعلوم باشد تمام احتمالات با حصر عقلی مطرح می شود و یک یک مورد بررسی قرار می گیرد چون واقعیت میان یکی از گزینه های موجود است ، وقتی همه گزینه ها رد شد گزینه باقی مانده اثبات می شود کشف حقیقت با این شیوه را برهان سبر و تقسیم گویند .

اما قطعاً همه آن چه را که خداوند در اختیار او قرار داده بود از تبیین قرآن و علم به ظهر و بطن، ناسخ و منسوخ و همه احکام را به جهت عدم ظرفیت فهم بسیاری از این مسائل از سوی مردم و عدم نیازشان مطرح نمود.

حال سؤال این است که خداوند متعال برای هدایت بشریت تا روز قیامت بعد از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چه برنامه ای در نظر گرفته است؟ با توجه به این که قرآن نیاز به تبیین دارد و تمام قرآن برای مردم تبیین نشد و تمام احکام ذکر نشد آیا نمی بایست کسی را همانند رسولش قرار می داد که راه او را ادامه دهد و وظائف او به جز دریافت وحی را بر عهده گیرد؟

در اینجا سه صورت قابل تصوّر است:

الف- خداوند امر ائمت را در این مسأله مهمل گذاشته است فقط برای مدت ۲۳ سال زیباترین و کامل ترین برنامه هدایت را مقرر ساخت اما برای بعد از آن هیچ برنامه ای در نظر نگرفت و به عبارت دیگر دینی ناقص فرستاده است.

قطعاً این فرض به معنای متهم نمودن خداوند و زیر سؤال بردن حکمت و عدالت حق تعالی است و هیچ موحدی نمی تواند آن را بپذیرد.

ب- خداوند دین جامع و کاملی فرستاد اما رسولش در ارائه و ابلاغ آن به ائمت کوتاهی نمود.

این فرض هم علاوه بر اشکال فوق، اشکال دیگری نیز دارد و آن این که با توجه به مقام عصمت حضرت و سیره عملی ایشان که هرگاه به مسافرت می رفتند و مدت کوتاهی هم از مدینه خارج می شدند برای خود جانشین قرار می دادند هرگز قابل قبول نمی باشد و نمی توان حضرت را متهم ساخت که در انجام وظیفه و ابلاغ این حقیقت کوتاهی نموده باشد.

ج- خدای حکیم در راستای هدایت بشریت تا روز قیامت همانند زمان رسولش با نصب و تعیین افرادی همتای آن حضرت زیباترین و کامل ترین نظام هدایت را مقرر ساخت رسولش هم

این امر حیاتی را در موقعیت های متعدد از جمله غدیر خم به مردم ابلاغ نمود اما امت در پذیرش آن کوتاهی نمودند(۱).

با توجه به باطل بودن فرض اول و دوم این فرض ثابت می گردد علاوه بر این که شواهد و قرائن متعددی در معتبرترین منابع اهل سنت وجود دارد که این مسأله را تأیید می کند.

حذیفه بن الیمان محضر مبارک رسول خدا عرض کرد یا رسول الله! ما در شرّ و وضعیت بدی به سر می بردیم و خداوند برای ما خیری را آورد که هم اکنون در آن قرار داریم ( اشاره کرد به بعثت پیامبر اسلام پس از دوران جاهلیت ) سپس سؤال کرد آیا پس از این خیر ، شری خواهد بود؟ حضرت فرمودند بله پرسید چگونه؟ حضرت فرمودند بعد از من پیشوایانی خواهند آمد که هدایت مرا نمی پذیرند و سنت مرا عمل نمی کنند در میان آنها مردانی هستند قلب آنها قلب شیاطین است در قیافه انسان (۲).

در روایت دیگری حضرت می فرمایند :

۱- اگر کسی بگوید چگونه ممکن است همه مردم گمراه شده باشند و فقط عدّه قلیلی برحق باقی مانده باشند پاسخ آن این است که اولاً- این مسأله به گواهی قرآن نمونه تاریخی دارد و آن قضیه بنی اسرائیل است وقتی حضرت موسی علیه السلام برادر خود حضرت هارون را جانشین خود قرار داد و به کوه طور رفت قوم او همه گوساله پرست شدند به چز اندکی ( سوره اعراف آیات ۱۴۲ به بعد و سوره طه آیات ۸۵ به بعد ) و ثانیاً باند نفاق و به عبارت دیگر کودتاگران با اقداماتی مثل اجیر کردن قبیله وحشی و بدوی « بنی اسلم » کاری کرده بودند که اگر کسی بر خلاف آنچه که اتفاق افتاد از خود واکنشی نشان کمی داد جانش در امان نبود و مردم از ترس جان خود ، در دفاع از حق کوتاهی کردند (مراجعه کنید به کتاب چشمه در بستر ص ۲۶ و ص ۶۲ به بعد )

۲- قَالَ حُذَيْفَةُ بْنُ الْيَمَانِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا كُنَّا بَشَرًّا فَجَاءَ اللَّهُ بِخَيْرٍ فَفَنَحْنُ فِيهِ فَهَلْ مِنْ وَرَاءِ هَذَا الْخَيْرِ شَرٌّ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ هَلْ وَرَاءَ ذَلِكَ الشَّرِّ خَيْرٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَهَلْ وَرَاءَ ذَلِكَ الْخَيْرِ شَرٌّ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ كَيْفَ قَالَ يَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ لَا يَهْتَدُونَ بِهَيْدَايَ وَلَا يَسْتَتُونَ بِسُنَّتِي وَسَيَقُومُ فِيهِمْ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي جُثْمَانِ إِنْسَانٍ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ أَصْبَحُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ قَالَ تَسْمَعُ وَتُطِيعُ لِلْأَمِيرِ وَإِنْ ضُرِبَ ظَهْرُكَ وَأُخِذَ مَالُكَ فَاسْمَعْ وَأَطِعْ. صحيح مسلم جلد ۶ كتاب الاماره، باب وجوب جماعه المسلمين- صحيح بخارى جلد ۲ (از چاپ ۴ جلدی) ص ۴۳۸ كتاب ۶۱ المناقب باب ۲۵ علامات النبوه فى الاسلام ح ۳۶ این باب به شماره ۳۶۰۶. همین حدیث را در ج ۴ ص ۳۶۲ كتاب الفتن باب «كيف الامراء اذا لم تكن جماعه» آورده است.

« روز قیامت بر سر حوض کوثر منتظر اَمتم هستیم به ناگاه می بینم کسانی را از اَمتم به سوی عذاب می برند می گویم خدایا اَمتم! خطاب می رسد نمی دانی اینها به عقب ( دوران جاهلیت ) باز گشتند» در بیان دیگری خطاب به حضرت گفته می شود «نمی دانی این ها بعد از تو چه کردند؟!» (۱)

این برهان از بیان نورانی امام علی علیه السلام گرفته شده است حضرت در خطبه ۱۸ نهج البلاغه با دیدن وضعیت اسفناک اَمت اسلام ، می فرماید :

« ... آیا خداوند دین ناقصی فرستاد پس از آنها برای کامل کردن آن کمک خواسته؟! یا اینها شریک خداوند هستند که هرچه بگویند خداوند باید مهر تأیید بر آن بزند؟! یا اینکه خداوند دین کاملی فرستاده ولی رسولش از ابلاغ آن به مردم کوتاهی نموده است (۲)....؟! »

۱- - قَالَتْ أَسْمَاءُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا عَلَى حَوْضِي أَنْتَظِرُ مَنْ يَرُدُّ عَلَيَّ فَيُؤْخَذُ بِنَاسٍ مِنْ دُونِي فَأَقُولُ أَمْتِي فَيَقَالُ لِمَا تَدْرِي مَسَوْا عَلَى الْقَهْمَرِ يَقَالُ ابْنُ أَبِي مُلَيْكَةَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَرْجَعَ عَلَى أَعْقَابِنَا أَوْ نُفْتَنَ. صحيح بخاری ج ۴ (از چاپ ۴ جلدی) کتاب ۹۳ الفتن باب ۱ ح ۷۰۴۸ . ۳۵۵ . ۶۰۹۷ - عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ مَنْ مَرَّ عَلَيَّ شَرِبَ وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَطْمَأْ أَيْدَا لِيَرِدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرَفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ قَالَ أَبُو حَازِمٍ فَسَمِعْتُ النَّعْمَانَ بْنَ أَبِي عَيَّاشٍ فَقَالَ هَكَذَا سَمِعْتُ مِنْ سَهْلِ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ أَشْهَدُ عَلَى أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ لَسَمِعْتُهُ وَهُوَ يَزِيدُ فِيهَا فَأَقُولُ إِنَّهُمْ مِنِّي فَيَقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أُخِذْتُوا بِعَيْدِكَ فَأَقُولُ سِحْفًا سِحْفًا لِمَنْ عَجَّرَ بَعِيدِي. صحيح بخاری ج ۴ (از چاپ ۴ جلدی) کتاب ۹۳ الفتن باب ۱ ح ۷۰۵۰ و ۷۰۵۱ وَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ شَيْبٍ بِنِ سَعِيدِ الْخَطِطِيِّ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ يُونُسَ عَنْ ابْنِ شَهَابٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَرُدُّ عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَهْطٌ مِنْ أَصْحَابِي فَيَحْلَتُونَ عَنِ الْحَوْضِ فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصْحَابِي فَيَقُولُ إِنَّكَ لَمَا عَلِمَ لَمَكَ بِمَا أُخِذْتُوا بِعَيْدِكَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا عَلَيَّ أَذْبَارِهِمُ الْقَهْمَرِي. صحيح بخاری ج ۴ (از چاپ ۴ جلدی)، کتاب ۸۱ الرقاق، باب ۵۳ فی الحوض، ح ۶۵۸۵، ج ۴ (چ ۴ جلدی) ص ۲۲۸، هشت حدیث در این باب در مورد ارتداد اَمت بعد از رحلت حضرت، وجود دارد.

۲- « تَرِدُّ عَلَيَّ أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ - فَيَحْكُمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ - ثُمَّ تَرِدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ بِعَيْنِهَا عَلَيَّ غَيْرِهِ - فَيَحْكُمُ فِيهَا بِخِلَافِهِ - ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ الْإِمَامِ الَّذِي اسْتَقْضَاهُمْ - فَيَصُوبُ آرَاءَهُمْ جَمِيعًا وَإِلَيْهِمْ وَاحِدًا - وَنَبِيَّهُمْ وَاحِدًا وَكِتَابُهُمْ وَاحِدًا - أَمْ أَمَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْإِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ - أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ دِينًا نَاقِصًا - فَاسْتَبَعَانَ بِهِمْ عَلَيَّ إِيْتِمَامِهِ - أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى - أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُجْحَانَهُ دِينًا تَامِيًا - فَقَصَرَ الرَّسُولُ ص عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَاتِهِ - وَاللَّهُ سُجْحَانَهُ يَقُولُ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ - وَقَالَ وَفِيهِ تَبْيَانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ - »

با مطالعه دقیق تاریخ اسلام پی به این حقیقت می‌بریم که با کوتاهی مردم چه بر سر اسلام آمد و حتی خود حاکمان به خاطر عاجز ماندن از پاسخ به سؤالات اسلام پژوهان بارها و بارها اقرار نمودند که اگر علی به داد ما نرسیده بود هلاک شده بودیم (۱)؟! قرآن دچار تفسیر به رأی شد به جای احکام الهی، احکام سلیقه‌ای و شخصی آمد و این انحراف تا آنجا پیش می‌رود که یزید به عنوان جانشین پیامبر مطرح می‌شود و امام حسین علیه السلام به عنوان خارج از دین کشته می‌شود!؟

## ۲- برهان لطف (۲)

تعریف :

در اصطلاح کلام آنچه را که از سوی خداوند متعال برای تحقق هدف خلقت انسان و نزدیک شدن او به این هدف، با حفظ اختیارش صورت گیرد « لطف » می‌گویند (۳).

اقسام لطف :

لطف محصل: انجام اموری از ناحیه خداوند متعال که تحقق هدف خلقت متوقف بر آن‌ها است را لطف محصل می‌گویند مثل فرستادن پیامبران و بیان تکلیف (۴).

لطف مقرب: یعنی انجام اموری از ناحیه خداوند متعال که در مکلف انگیزه ایجاد شود و او را به اطاعت نزدیک و از معصیت دور سازد مثل وعده و وعید های الهی (۵).

۱- تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل ، باقلانی ص ۴۷۶

۲- این لطف یک اصطلاح کلامی است و با آنچه که در زبان فارسی به عنوان لطف و احسان مطرح است متفاوت است .

۳- مراجعه کنید به : النکت الاعتقادیة شیخ مفید ص ۳۵ - النجاه فی القیامه ابن میثم بحرانی ص ۴۴ - شرح التجرید (تحقیق

سبحانی)العلامه الحلّی ص ۱۰۶ - حقائق الایمان شهید ثانی ص ۱۵۳ - رساله فی التحسین و التقییح شیخ جعفر سبحانی ص ۵۱

۴- عدم این لطف نظیر این است که برای دانش آموزان یک مدرسه هیچ معلّم و کتابی در نظر گرفته نشود در عین حال توقع داشته باشیم با سواد شوند .

۵- عدم این لطف نظیر این است که در همان مثال برای این دانش آموزان هیچ امتیازی و تشویق و تحذیری در نظر گرفته نشود

نصب امام از سوی خداوند مصداق هر دو قسم می باشد .

بیان مطلب: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آنچه را که مورد نیاز و در حد فهم مردم بود بیان نمود اما همه احکام و معارف که بشر تا روز قیامت نیاز دارد امکان بیان آن وجود نداشت مردم بسیاری از موضوعاتی را که امروزه مطرح است توان درک و فهم آن را نداشتند تا حکم آن بیان شود پس به همان دلیل که ما نیاز به پیامبر داشتیم باید خداوند پیوسته تا روز قیامت پس از پیامبر افرادی را که همتای او هستند به عنوان جانشین او قرار دهد تا آن ها با در اختیار داشتن آنچه که بر رسول مکرم اسلام نازل شده است در هر زمان نیاز مردم را در امور دینی برآورده سازند و قرآن و احکام را طبق نیاز هر زمان بیان کنند و به عبارت دیگر تعیین چنین جانشینی در هر زمان از سوی خداوند لطف است و لطف بر خداوند لازم است .

علاوه بر این ، نصب امام از سوی خداوند مصداق لطف مقرب نیز می باشد یعنی وجود چنین انسان کاملی در میان امت ، مردم را به اطاعت نزدیکتر می نماید

به عبارت دیگر آیا اگر از سوی خداوند پیوسته انسان کاملی برای امت قرار داده شود که دارای مقام عصمت ، علم مطلق و جامع تمام فضائل و کمالات باشد مردم بهتر می توانند خداوند را عبادت کنند و به هدف خلقت نایل شوند یا چنین کسی نباشد و مردم به حال خود رها شوند؟! و به عبارت سوم آیا اگر کسی همانند امام علی علیه السلام میان مردم باشد مردم بهتر می تواند عبودیت و بندگی خدا را انجام دهند یا نباشد؟!

وجود چنین فردی در میان امت لطف است و لطف بر خداوند لازم است تا نقض غرض لازم نیاید

برهان لطف به بیانی دیگر :

الف- خداوند تکالیفی را بر بندگان واجب ساخته است .

ب- غرض خداوند امتثال این تکالیف توسط انسان به جهت رشد و تعالی شان بوده است .

ج- این امتثال بدون انجام اموری از جمله نصب امام در سطح وسیعی از بندگان امکان پذیر نیست

پس به جهت اینکه نقض غرض لازم نیاید نصب چنین امامی از سوی خداوند لازم است (۱).

به بیان مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی در شرح تجرید وجود چنین امامی از سوی خداوند لطف است و اینکه این امام عملاً هم زمام امور مردم در دست او باشد لطف دیگری است و اگر هم اکنون از لطف دوم محروم هستیم نقص از ناحیه خود ماست نه از ناحیه خداوند.

«وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا (۲)»

پس اگر اشکال شود که در امام غائب چه لطفی است پاسخ آن این است که

اولاً سبب غیبت، خود مردم و قدر شناسی آنان بود

و ثانیاً امام غائب همانند خورشید پشت ابر، دارای آثار و برکات متعددی است.

۳- شایسته سالاری

اگر برای یک عمل قلب بسیار حساس، برای خلبانی یک هواپیمای غول پیکر مسافربری، برای پرتاب و هدایت یک سفینه فضائی و امثال آن، افراد متعددی برای عهده دار شدن این مسؤلیت ها وجود داشته باشند همه بالاتفاق می گویند باید بهترین و شایسته ترین فرد را برای انجام این کارهای حساس انتخاب نمود منشأ این اتفاق نظر، حکم عقل است.

قران مجید در مورد مسأله امامت و این که چه کسی لیاقت امامت و رهبری را دارد عقل انسان ها را به داوری فراخوانده و فرموده:

« آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ (۳)»

خداوند متعال در این آیه شریفه بین دو نفر تقابل ایجاد نموده سپس عقل را به داوری فراخوانده که کدام یک از این دو نفر شایستگی امامت را دارند:

۱- - برای پیگیری بحث مراجعه کنید به کتاب کشف القناع عن حجه الاجماع از شیخ اسد الله تستری و کتاب المحصول ج ۳ از آیه الله سبحانی و مجله انتظار ش ۵ و ۸، کشف المراد از علامه حلی ص ۳۲۴، ۳۴۸ و ۳۶۲ - شفا بخش البهیات از شیخ الرئیس ص ۴۵۱

۲- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد ص ۳۶۲

۳- «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» یونس ۱۰: ۳۵

الف: کسی که به سوی حق هدایت می کند .

ب: کسی که برای هدایت شدنش نیاز به هدایت هدایت کننده ای می باشد .

طبیعی است که همه انسان ها این گونه اند که برای هدایت شدنشان نیاز به هدایت کسانی مثل انبیاء ، ائمه علیهم السلام ، علماء ، معلمان ، پدر و مادر دارند در نتیجه دسته اول باید کسانی باشند که هرگز حتی لحظه ای در ضلالت و گمراهی نبوده باشند تا نیاز به هدایت داشته باشند در غیر این صورت داخل در دسته دوم خواهند بود و دو گروه نخواهیم داشت لذا با استفاده از این تقابل نتیجه می گیریم که دسته اول کسانی هستند که پیوسته در هدایت بوده اند همانند حضرت عیسی علیه السلام که در بدو تولد می گوید: من بنده خدا هستم و (۱) ... و به عبارت دیگر ویژگی این دسته این است که دارای مقام والای عصمت می باشند .

لازمه این بیان این است که پیوسته در میان ائمت باید معصوم وجود داشته باشد در غیر این صورت این سؤال خداوند لغو خواهد بود .

حال سؤال این است که با وجود معصوم در میان ائمت که شایسته ترین فرد برای امامت و رهبری است از چه کسی باید پیروی نمود؟ و عقل چه حکمی می کند؟ (۲)

چند تبیین عقلانی:

۱- انسان مستمر

اگر انسان و حیات و زندگی او را فقط در محدوده دنیا ببینیم نه تنها هیچ ضرورتی نسبت به وجود امام معصوم و انسان کامل نیست بلکه نیازی به عقل هم نیست چرا که در بسیاری از موارد عقل مزاحم لذت مادی ماست و ما را نسبت به کاری که انجام داده ایم سرزنش می کند بلکه با همان غریزه ، انسان می تواند یک زندگی لذت بخشی داشته باشد

اما استعدادهای شگفت انگیز انسان حاکی از این است که این موجود صرفاً برای این عالم آفریده نشده است و با مرگ حیات او پایان نمی پذیرد برای پریدن از یک جوی نیم متری ده متر دور

۱- « قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا » مریم ۱۹ : ۳۰

۲- برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به تفسیر المیزان ذیل آیه ۳۵ یونس



خیز نمی کنیم برای حمل یک آجر از تریلی هجده چرخ استفاده نمی شود برای تأمین برق یک روستا نیازی به ساختن نیروگاه بزرگ اتمی نیست

استعداد های فوق العاده ، حبّ بقاء ، کمال جویی و مطلق گرایی در انسان به خوبی نشان می دهد این چند صباح عمر دنیوی او نمی تواند همه حیات او باشد بلکه بخش کوچکی از حیات وسیع و گسترده اوست و با رفتن از این عالم زندگی او پایان نمی پذیرد بلکه حیات اصلی و ابدی او شروع خواهد شد.

پس انسان یک موجود مستمرّ است حال برای شناخت آن عالم و شکوفا نمودن این استعداد های بی نظیرِ انسان ، پیوسته نیاز به یک انسان کامل می باشد تا هادی و رهنمای او در پیمودن درجات رشد و تعالی باشد و با قرار گرفتن در تحت هدایت های ظاهری و باطنی او نهایت استفاده از این سرمایه های عظیمِ الهی خود را ببرد و به جایی برسد که رفتنش از این عالم خاکی این چنین عارفانه باشد :

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار از خدمت خواهران و برادران مرخص و به جایگاه ابدی سفر می کنم» (۱)

## ۲ - انسان مرتبط

انسان یک موجود بریده و جدای از عالم هستی و پیرامون خود نیست بلکه در دنیایی سراسر ارتباط و تأثیر و تأثر زندگی می کند که نوع برخورد و رفتارش در دیگران و عالم تأثیر می گذارد و بالعکس.

فیزیک جدید هم ارتباط انسان و افعال او با عالم هستی را اثبات کرده است حرکت دست ما در این جا در دورترین کهکشانها و سخن دروغ یا راست ما در مولکول های آب تأثیر می گذارد و ... این روابط نیازمند ضوابطی است تا این ارتباط ها به گونه ای سامان داده شود که ارتباطی که به نفع ماست داشته باشیم و از آن چه که به ضررمان است پرهیز کنیم .

---

۱- بخشی از وصیت نامه امام راحل قدّس سرّه

عقل کلیات را درک می کند و از شناخت جزئیات و این روابط عاجز است تا چه رسد به ضوابط آن ، دست علم نیز از شناخت همه این روابط کوتاه است زیرا حوزه علم ، تجربه و محسوسات است .

این جاست که ضرورت وحی مطرح می گردد که خداوند کسی را که آگاه به همه این روابط و آزاد از هواهای نفسانی است هادی بشریت قرار می دهد تا انسان را در شناخت این روابط و ضوابط ، یاری نماید و امامت ادامه نبوت است و به همان دلیلی که به نبوت نیازمندیم به امامت نیز نیازمندیم پیوسته کسی که آشنای به تمام اسرار و رموز هستی و مرتبط با مبدأ غیب است باید وجود داشته باشد زیرا همه آنچه که از طریق وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد به دلیل عدم ظرفیت و عدم نیاز مردم آن زمان به همه آن ، در اختیار مردم قرار داده نشد پس عقل حکم می کند که لازم است کسی تا روز قیامت باشد که این علوم و معارف و اسرار در اختیار او قرار داده شده باشد و در هر زمان او هادی بشریت باشد و او کسی نیست جز امام معصوم (۱).

### ۳- کف پا

خدایی که از قوس کف پای انسان برای بهتر و راحتتر قدم برداشتن بر روی زمین ، غافل نبوده است آیا ممکن است نسبت به امر حیاتی امامت و بهتر قدم برداشتن در عالم معنویت غافل شده باشد (۲)؟؟؟؟!!

« اللَّهُمَّ أَرْزُقْنَا عَقْلاً كَامِلاً وَ لُبّاً رَاجِحاً »

۱- برای آشنایی بیشتر با این دو تبیین مراجعه کنید به کتاب « تو می ایی » از استاد زنده یاد صفایی حائری

۲- بر گرفته از کلام بو علی سینا در کتاب شفاء

### ضمیمه شماره ۳: خلاصه ای تیر گونه راجع به رجعت

رجعت در لغت: به معنای بازگشت به چیزی که شروع از آن بوده و «رجع» به معنای برگرداندن نیز می باشد (۱). رجعت در اصطلاح: شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه در تعریف آن می فرماید: «همانا خداوند متعال گروهی از اموات را به همان وضعیتی که بوده اند بر می گرداند پس به عده ای از آن ها عزت می بخشد و به عده ای دیگر را ذلیل می گرداند.» (۲)

واژه هایی که به این معنا در روایات و ادعیه به کار رفته:

كِرْيَكْرُ كَرْه (۳) ایاب و أوبه (۴) رَدَّ يَرُدُّ

رجعت از دیدگاه شیعه :

اتفاق نظر بر وقوع آن در آخرالزمان، از ضروریات مذهب، لزوم ایمان به (۵) آن ، از آیام الله است، از مصادیق ایمان به غیب، روز تجلی حق

رجعت از دیدگاه اهل سنت:

معتقد به رجعت فاسق، کذاب و کافر است!؟!

پیشینه و سابقه رجعت

۱- «وَ إِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (۶)

۱- «الرُّجُوعُ: العود إلى ما كان منه البدء،... و الرُّجُوعُ: الإعادة» (مفردات راغب إصفهانی) هر دو استعمال آن یعنی لازم و متعدی در قرآن آمده است «فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ» توبه ۸۳ «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» طارق ۸ «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

۲- «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُدُّ قَوْمًا مِنَ الْأَمْوَاتِ إِلَى الدُّنْيَا فِي صُورِهِمُ التِّي كَانُوا عَلَيْهَا فَيُعِزُّ مِنْهُمْ فَرِيقًا وَيَذِلُّ فَرِيقًا» أوائل المقالات ، ص ۷۸

۳- «وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَكْرُ فِي رَجْعَتِكُمْ» (زیارت جامعه) «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ الظُّهُورِ، يَوْمُ الْكُرْهِ، يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (بحار ج ۵۳ ص ۶۳)

۴- «أَشْهَدُ أَنَّي بَكْمُ مُؤْمِنٌ وَ بِأَيَابِكُمْ مَوْقِنٌ» (زیارت أربعین)

۵- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا» (بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۹۲)

۶- بقره ۲: ۵۵ و ۵۶

۲ - «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۱)

۳ - «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (۲)

۴ - «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ» (۳)

۵ - «وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَذْنِي» (۴)

إمكان رجعت :

عقل: روشن ترین دلیل بر ممکن بودن چیزی وقوع آن می باشد.

نقل: «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» (۵)

إثبات وقوع رجعت در آخرالزمان

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ» (۶)

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم و آنها را نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند!

حماد می گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم (أهل سنت) در مورد این آیه «و یوم نحشور...» چه می گویند گفتیم می گویند در مورد قیامت است حضرت فرمودند این طور نیست این مسأله در مورد رجعت می باشد آیا خداوند در قیامت از هر امتی گروهی را محشور و بقیه را رها می کند؟! آیه ی مربوط به قیامت این آیه است «و حشروناهم فلم نغادر منهم أحدا» (کهف ۴۷) (۷)

۱- بقره ۲: ۷۳

۲- بقره ۲: ۲۴۳

۳- بقره ۲: ۲۵۹

۴- مائده ۵: ۱۱۰

۵- طارق ۸۶: ۸

۶- نمل ۲۷: ۸۳

۷- بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۶۰

«وَ حَرَامٌ عَلَى قَوْمِهِ أَهْلُكُنَّهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (۱)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا باز گردند) آنها هرگز باز نخواهند گشت!  
 امام صادق علیه السلام می فرماید: کسانی که با عذاب الهی از دنیا رفته اند در رجعت بر نمی گردند ولی در قیامت برمی گردند (۲)

علاوه بر آیات، صد ها روایت وقوع رجعت را به صورت قطعی پیشگوئی نموده است (۳)

إشکالِ إختلافی بودنِ روایاتِ رجعت!

۱- در روایات آمده اولین کسی که رجعت می کند امام حسین علیه السلام است سپس امام مهدی علیه السلام از دنیا می رود و به دست امام حسین علیه السلام دفن می شود! این همه سال انتظار...؟!

۲- در روایات بیان شده که پیامبر خدا و سایر انبیاء و ائمه علیهم السلام رجعت می نمایند از طرفی گفته شده که حضرت مهدی علیه السلام «یملأ الارض قسطاً و عدلاً...» آیا با حضور پیامبر، امام مهدی حجت و رهبر است؟! در حالی که روایات رجعت پیامبر (۴) بیانگر این است که خود حضرت سکان دار میدان نبرد است و ...

کلید حلّ مشکل مساله انواع رجعت :

۱- رجعت در آیام ظهور

۲- رجعت پس از دوران ظهور = «دوران رجعت»

برخی از روایات ناظر به رجعتِ اوّل و برخی ناظر به دوّمی است

۱- انبیاء ۲۱ : ۹۵

۲- قال الصادق (علیه السلام): «کل قریه أهلك الله أهلها بالعذاب لا يرجعون فی «۱» الرجعه، و أما فی القیامه فیرجعون، و من محض الإیمان محضاً، و غیرهم ممن لم یهلكوا بالعذاب و محضوا الکفر محضاً یرجعون». (تفسیر البرهان ذیل آیه)

۳- برای اطلاع از روایات مراجعه کنید به کتاب «ایقاظ الهجعه» از شیخ حر عاملی و بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۹

۴- بحار ج ۵۳ ص ۷۰ ح ۶۷

تحلیلی زیبا از مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۱۰ بقره تحت عنوان « بحث روائی »

روایات «ایام الله ثلاثه يوم الظهور يوم الكثره يوم القيامة» ذیل آیه ۵ سوره انبیاء

رجعت کنندگان

در ایام ظهور:

خوبان و منتظران واقعی

امام صادق می فرمایند: بیست و هفت نفر از پشت کوفه با حضرت خارج می شوند پانزده نفر از قوم حضرت موسی، کسانی که هدایت به حق می کردند و به حق گرایش داشتند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابو دجانة انصاری و مقداد و مالک اشتر، این ها به عنوان یاران و حاکمان حضرت خواهند بود. (۱)

بدان: فراغه هر قومی

در دوران رجعت:

خوبان: اولین نفر امام حسین علیه السلام و أصحابش سپس امام علی علیه السلام و بعد همه انبیاء و اولیای الهی (۲)

بدان: دشمنان حق و حقیقت در طول تاریخ به جز کسانی که به عذاب استیصال ناپود شده اند

نکته: آخرین امامی که رجعت می نماید کیست؟

دیدگاه برخی از علما از جمله مرحوم علامه مجلسی (۳): آخرین رجعت کننده امام مهدی علیه السلام است.

---

۱- بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۹۰

۲- ر.ک تفاسیر ذیل آیات ۸۱ سوره آل عمران و ۸۵ قصص بحار ج ۵۳

۳- «...و به (برجعه القائم ع بعد موته) أيضا يمكن الجمع بين بعض الأخبار المختلفه التي وردت في مده ملكه عليه السلام.» بحار الأنوار ج: ۵۳ ص: ۱۴۹ نکته ای در این رابطه در مقدمه کتاب «ایقاظ الهجعه» از مرحوم شیخ حر عاملی نیز بیان شده است.

دیدگاه خاص مرحوم طیب اصفهانی(۱): امام مهدی علیه السلام پس از رجعت از دنیا نمی رود تا قرآن را سر حوض کوثر تحویل دهد.

امکان زنده ماندن فرد یا افرادی بعد از نفخ صور: آیات ۸۷ نمل و ۶۸ زمر

دلیل زنده ماندن حضرت مهدی بعد از رجعت، تا قیامت: حدیث ثقلین

فلسفه رجعت در آیام ظهور:

- مدال عظیم یاری امام برای منتظران واقعی

- تبیین حق با اقرار و اعتراف خودِ ظالمان

- مجازات سخت ظالمان راهی برای عینیت بخشیدن به عدالت

- قدرت نمائی حق

- شیفای دل اهل ایمان(۲)

فلسفه رجعت در دوران رجعت:

اضافه بر موارد قبلی، فراهم شدن زمینه رشد و تعالی و تقرب الی الله برای مؤمنانی که به خاطر ظلم ظالمان از دسترسی به معصوم محروم بودند.

شبّهات

- رجعت موجب اغراء به معاصی می گردد(۳)!

پاسخ: اولاً رجعت همگانی نیست و ثانیاً برای جبران گذشته نخواهد بود.

---

۱- اُطیب البیان ج ۱۰ ص ۱۹۳

۲- (ای امام زمان) اگر قبل از ظهور شما مرگ مرا در بر گرفت پس من بوسیله شما به خداوند سبحان متوسل می شوم که بر محمد و آلش درود بفرستد و رجعتی برای من در دوران ظهور شما و رجعتی در دوران شما (اهل بیت) قرار دهد تا به خواسته ام در پیروی از شما دست یابم و دلم (با مجازات) دشمنان شفا یابد. «وَإِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَيَّ

اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَيِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَ  
أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُوَادِي» فرازی از زیارت ناحیه مقدسه بحارالأنوار ج ۵۳  
۳- ابو القاسم بلخی از بزرگان عامه ر.ک تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۵۶ بقره



رجعت خاتمیت را زیر سؤال می برد زیرا رجعت معجزه است و معجزه ویژه انبیا می باشد!

پاسخ: معجزه ویژه انبیا نیست آیا حضرت مریم علیها السلام پیامبر بود؟! «وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلِهِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا»  
مریم: ۲۵

رجعت محال است زیرا رجعت رجوع فعل به قوه است و چنین چیزی محال است

وقتی از آن ها سؤال می کنیم پس چرا در اقوام گذشته واقع شده؟ می گویند اگر مخبر صادقی خبر دهد می پذیریم ولی این رجعت چنین ویژگی را ندارد!!!<sup>(۱)</sup>

پاسخ: اولاً اگر چیزی محال باشد هرگز نمی تواند وجود پیدا کند اگر حتی یک مصداق هم پیدا کند معلوم می شود محال نیست

و ثانیاً رجعت رجوع فعل به قوه نیست بلکه استمرار تبدیل قوه به فعل است.

رجعت با تکلیف سازگاری ندارد لذا اگر روایتی دلالت بر آن داشت باید تأویل شود

پاسخ: هیچ منعی برای تکلیف وجود ندارد همان گونه که در گذشته هم بوده.

رجعت مخالف آیات قران می باشد

« آنها هم چنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می گویند: چنین نیست)»<sup>(۲)</sup>

پاسخ: رجعت برای جبران ما فات نیست رجعتِ بدان برای مجازات و عبرت است.

« آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم، آنها هرگز به سوی ایشان باز نمی گردند (و زنده نمی شوند)!»<sup>(۳)</sup>

پاسخ: ما هم بر اساس روایات در مورد رجعت معتقدیم کسانی که به عذاب الهی ناپود شده اند رجعت شامل حالشان نمی شود.

۱- ر.ک تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۱۰ بقره نقد شبهات اهل سنت

۲- مؤمنون: ۹۹ و ۱۰۰



منابع جهت مطالعه و تحقیق

- ۱- الايقاظ من الهجعه، شيخ حرّ عاملی
- ۲- رجعت، علامه مجلسی ، ترجمه آقای مرتضی جنتیان
- ۳- الشموس المضيئه، سعادت پرور (ظهور نور ترجمه همین کتاب است از محمد جواد وزیری)
- ۴- رجعت یا حیات دوباره، أحمد علی طاهری
- ۵- رجعت از دیدگاه عقل، قران و حدیث ، حسن طارمی
- ۶- شیعه و رجعت، طبسی نجفی
- ۷- رجعت، سلیمیان

### ضمیمه شماره ۴: پاداش منتظران و ارزش ایمان در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: « طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتِيهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعْرِضُ أَدَى أَعْيُنِهِ دَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَـ\_\_\_\_\_ وَ دَتِي وَ أَكْرَمِ امْرِئِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۱)

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند و در غیبت او پیش از ظهور به امامت او معتقد باشد با دوستانش دوست باشد و با دشمنانش دشمن او در روز قیامت از رفقای من طرف دوستی من و گرامی ترین امت من است.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: « يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ» (۲)

ای علی بدان که شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگترین آنان در یقین مردمی باشند در آخر الزمان که پیغمبر خود را ندیدند و از امام خود محجوبند و همان بنوشته که خط سیاهی است بر صفحه سفید ایمان آورده اند.

۳- إمام علي عليه السلام: «...أَلْمَا فَمِنْ ثَبِتٍ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ [وَ] لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولَ أَمْدِ غَيْبِهِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۳)

آگاه باشید هر کدامشان بر دین خود ثابت بماند و برای طول غیبت امام دلش دچار قساوت نشود او در روز قیامت در درجه من با من است.

۴- إمام سجّاد عليه السلام: «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنَتِّظِينَ لِظُهُورِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ

۱- بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۷۲

۲- بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۵۵

۳- بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۰۹

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسَّيْفِ أَوْلَىٰكَ الْمُخْلِصُ وَنَحَقًّا وَشِدَّةً يَعْتَنَّا صِدْقًا وَالدُّعَاءُ إِلَىٰ دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا» (۱)

ای ابو خالد مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او هستند و منتظر ظهورش میباشند از مردم هر زمانی برترند زیرا خدای تبارک و تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا کرده است که غیبت نزد آنها چون مشاهده است و آنها را در این زمان بمانند مجاهد در رکاب رسول خدا (ص) با شمشیر قرار داده است آنان به حق مخلصان و بدرستی شیعیان ما و داعیان بدین خدای عز و جل در پنهان و آشکار میباشند و فرمود انتظار فرج از بهترین اعمال است.

۵- قَالَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: « مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَايَتَنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ » (۲)

امام چهارم فرمود هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده امامت ما ثابت باشد خدای عز و جل اجر هزار شهید از شهدای بدر واحد به او عطا کند.

۶- إمام باقر علیه السلام: « يَا طُوبَىٰ لِلثَّابِتِينَ عَلَيَّ أَمْرًا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنَّ أَدْنَىٰ مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِئُ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادِي آمَنْتُمْ بِسِرِّي وَ صَدَقْتُمْ بِغَيْبِي فَأَبِشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي فَأَنْتُمْ عِبَادِي وَ إِمَائِي حَقًّا مِنْكُمْ أَتَقَبَّلُ وَ عَنْكُمْ أَعْفُو وَ لَكُمْ أَعْفِرُ وَ بِكُمْ أَسْتَقِي عِيَّ اِدَى الْغَيْبِ وَ أَذْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ عَلَيْهِمْ عَذَابِي » (۳)

خوشا به حال کسانی که بر امامت ما در آن زمان ثابت بمانند کمتر ثواب آنان این باشد که باری جل جلاله فریاد کند بدانها و فرماید ای بندگان و کنیزانم به سیرم ایمان آوردید و به غیبم تصدیق کردید مژده گیرید به ثواب نیک از طرف من ای بندگان و کنیزانم برآستی من از شما پذیرا شوم و از شما درگذرم و شما را بیامرزم و به شما بندگانم را از باران سیراب کنم و بلا را از آنها بگردانم اگر شما نبودید هر آینه عذابم را بر آنان نازل میکردم.

۱- کمال الدین ج ۱ باب ۳۱ ح ۲

۲- بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۵

۳- بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۵

۷- امام کاظم علیه السلام: « طُوبَى لِمَنْ يَتَّبِعُنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِينَ الثَّابِتِينَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ » (۱)

فرمود خوشا بر شیعیان ما که به رشته ولایت ما چسبیده اند در غیبت قائم ما و بر دوستی ما ثابت قدم هستند و از دشمنان ما بیزارند آنان از ما ایند و ما از آنهایم به تحقیق ما را به امامت پسندیده اند و ما هم آنها را به شیعه بودن پسندیدیم خوشا بر آن ها و خوشا بر آنها ایشان بخدا در روز قیامت هم درجه ما باشند.

## ضمیمه شماره ۵: فهرست تعدادی از آیات مهدویت

آیات ناظر به وجود حجّت خداوند در هر زمان

اعراف: ۱۸۱:۷    رعد: ۷:۱۳    اِسرائ: ۷۱:۱۷    قصص: ۵۱:۲۸

فاطر: ۲۴:۳۵    دخان: ۳:۴۴    قدر: ۴:۹۷

آیات ناظر به غیبت

بقره: ۳:۲    لقمان: ۳۱: ۲۰    ملک: ۳۰:۶۷

حج: ۴۵:۲۲    تکویر: ۱۵:۸۱

آیات ناظر به ویژگی های حضرت

هود: ۸۶:۱۱    نور: ۳۵:۲۴    نمل: ۶۲:۲۷

آیات ناظر به وظائف منتظران

آل عمران: ۳:۲۰۰    حدید: ۱۶:۵۷

آیات ناظر به انتظار

نساء: ۳۲:۴    اعراف: ۷:۷۱    یونس: ۲۰:۱۰    یونس: ۱۰۲:۱۰    هود: ۹۳:۱۱

آیات ناظر به علائم ظهور

نساء: ۴:۴۷    نحل: ۴۵:۱۶    شعراء: ۴:۲۶    سبأ: ۵۰:۳۴

مومن(غافر): ۵۶:۴۰    ق: ۴۱:۵۰

آیات ناظر به اصحاب

بقره: ۲:۱۴۸    اعراف: ۷:۱۵۹    هود: ۸:۱۱

آیات ناظر به ظهور و حکومت جهانی

انفال:۸ توبه:۹ ۳۳: انبياء:۲۱ ۱۰۵: حج:۲۲ ۴۱: نور:۲۴ ۵۵: قصص:۲۸ ۵:

سجده:۳۲ زمر:۳۹ ۶۹: فتح:۴۸ ۲۸: حديد:۵۷ ۱۷: صف:۶۱ ۹: عصر:۱۰۳ ۱:

آيات ناظر به رجعت

نمل:۲۷ ۸۳: مومن(غافر):۴۰ ۱۱:



ص: ۱۶۶

پیشینه رجعت

بقره: ۵۵، ۷۳، ۲۴۳، ۲۵۹ آل عمران ۳: ۴۹

مائده ۵: ۱۱۰ اعراف ۷: ۱۵۵

آیات ناظر به نزول حضرت عیسی علیه السلام

آل عمران ۳: ۴۶ نساء ۴: ۱۵۹ زخرف ۴۳: ۶۱

### ضمیمه شماره ۶: فهرست برخی از منابع آیات مهدویت

- ۱- معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، نشر مؤسسه معارف اسلامی قم، با ذکر بیش از ۲۶۰ آیه
- ۲- الامام المهدی علیه السلام فی القرآن و السنه، سعید ابو معاش، انتشارات آستان قدس رضوی با ذکر بیش از ۳۰۰ آیه
- ۳- المحججه فیما نزل فی القائم الحججه علیه السلام، مرحوم سید هاشم بحرانی،  
با بیش از ۱۲۰ آیه
- ۴- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قران، ترجمه المحججه، سید مهدی حائری قزوینی
- ۵- بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام در دیدگاه فریقین، فتح اله نجارزادگان،  
نشر سمت
- ۶- معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، محسن طباطبائی و همکاران، قم بوستان کتاب
- ۷- قاطع البیان فی الایات المؤوله بصاحب الزمان علیه السلام، فضل الله عابدی خراسانی، نشر دار المرتضی مشهد، ۲۰۲ آیه
- ۸- الایات الباهره فی بقیه العتره الطاهره، سید داوود میر صابری، مؤسسه البعثه  
حدود ۱۵۰ آیه
- ۹- القرآن يتحدث عن الامام المهدی علیه السلام، مهدی حسن علا الدین
- ۱۰- الامام المهدی علیه السلام فی القرآن، سید عبد الرحیم موسوی،  
مرکز جهانی اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱- بحار الانوار، علامه مجلسی رضوان الله علیه، ج ۵۱ ص ۴۴
- ۱۲- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم ابوالقاسم حسکانی سنی  
(موضوع آن فضائل اهل بیت علیهم السلام است و ذیل چند آیه روایاتی در ارتباط آیه با مهدویت ذکر کرده است.)
- ۱۳- کتاب شناسی قران و انتظار، دبیر خانه دوازدهمین نمایشگاه بین المللی قران کریم، آبان ۸۳

۱۴- مجله انتظار موعود، مرکز تخصصی مهدویت قم، شماره ۱۹

۱۵- گفتمان مهدویت، مؤسسه فرهنگی انتظار نور (هم اکنون به اسم پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی تغییر نام داده است)

## خود آزمایی:

- ۱- معجزه بودن قران را اثبات نمایید.
- ۲- چرا قران بهترین مرجع شناخت محسوب می شود.
- ۳- مراد از این جمله چیست؟ «جامعیت قران در پرتو ظاهر و بطن آیات است»
- ۴- تفسیر و تاویل به چه معناست؟
- ۵- چهار معنای ذکر شده برای تاویل را بیان نمایید.
- ۶- چرا در تبیین معارف مهدویت از منظر قران از روایات کمک می گیریم؟
- ۷- علت عدم تصریح قران نسبت به نام حضرت مهدی چیست؟
- ۸- آیات تاویلی مهدویت به چه معناست؟
- ۹- مراد از شیوه های بررسی آیات مهدویت چیست؟ کدام مهمتر است؟ چرا؟
- ۱۰- رابطه قران و امام چگونه است؟
- ۱۱- به چه دلیل هر کسی شانیت میزبانی جبرئیل و فرشتگان را ندارد؟ (دو دلیل)
- ۱۲- رابطه آیه ۴ قدر با روایت «من مات و لم يعرف امام زمانه» چیست؟
- ۱۳- به یک روایت در مورد آیه ۴ قدر اشاره نمایید.
- ۱۴- بر اساس آیه ۷ رعد استدلال خود را بر وجود حجّت در هر زمان بیان نمایید.
- ۱۵- روایتی از اهل سنت در مورد آیه ۷ رعد بیان کنید.
- ۱۶- تاویل آیه ۳۰ ملک چیست؟ به چه دلیل؟
- ۱۷- با استفاده از آیه ۳۰ ملک علت غیبت امام را بیان کنید.
- ۱۸- آیا می توان ضرورت ظهور را از آیه ۳۰ ملک استفاده نمود؟ چگونه؟

۱۹- چه ویژگی در پرهیزکاران سبب می شود تا ایمان به حجّت غائب داشته باشند؟

۲۰- تفسیر و تاویل «غیب» در آیه ۳ بقره چیست؟

۲۱- حالت خشوع و قساوت قلب با توجه با آیه ۱۶ حدید، چگونه است؟

۲۲- امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۱۶ حدید چه می فرمایند؟

۲۳- وظیفه یک منتظر از منظر آیه ۱۶ حدید چیست؟

۲۴- بر اساس آیه ۲۰۰ آل عمران وظیفه جامعه منتظر را بیان کنید.

۲۵- به روایتی در مورد آیه ۲۰۰ آل عمران اشاره نمایید.

۲۶- تفسیر و تاویل «بقیه الله» را بیان کنید.

۲۷- پیام آیه ۸۶ هود چیست؟

۲۸- خداوند متعال در آیه ۲۰ لقمان ما را به چه چیزی دعوت می نماید؟ اجابت این دعوت ما را به چه نتیجه ای می رساند؟

۲۹- امام موسی بن جعفر علیه السلام در رابطه با آیه ۲۰ لقمان چه می فرمایند؟

۳۰- ارتباط آیه ۶۲ سوره نمل را با امام زمان علیه السلام بیان کنید.

۳۱- مراد از «ان یطفؤا نور الله بافواههم» چیست؟

۳۲- دلالت «لیظهره علی الدین کله» را بر حکومت واحد جهانی تبیین کنید.

۳۳- دیدگاه اهل سنت راجع به آیه ۳۳ توبه چیست؟

۳۴- تعبیر «و نرید» و «ان نمن» در مورد ظهور بیانگر چه نکته ای است؟

۳۵- امام علی علیه السلام در رابطه با آیه شریفه ۵ قصص چه می فرمایند؟

۳۶- دیدگاه صحیح در تفسیر «الارض» در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء را با ذکر دلیل آن بیان کنید.

۳۷- دو نکته در آیه ۱۰۵ انبیاء که بیانگر اهمیت و قطعیت موضوع بیان شده در آن است را ذکر نمایید.

۳۸- مراد از «لَیْمَكُنَّ لَهُمْ دِیْنَهُمْ» در آیه ۵۵ نور چیست؟

۳۹- در مورد تعبیر «یَعْبُدُونَنی لَا یُشْرِكُونَ بى شَیْئاً» در آیه ۵۵ نور توضیح دهید.

۴۰- دیدگاه مرحوم علامه طباطبائی را در مورد آیه ۵۵ نور ذکر نمایید.

۴۱- تاویل آیه ۱۷ سوره حدید را بیان نمایید.

۴۲- هدف ظهور را با توجه به آیه ۱۷ سوره حدید ذکر نمایید.

۴۳- علت شکل گیری چهره ای خشن از حضرت مهدی علیه السلام در برخی اذهان را تحلیل نمایید.

۴۴- تحلیل مرحوم علامه طباطبائی در مورد آیاتی مثل آیه ۲۱۰ بقره و تفاوت روایاتِ وارده ذیل آن را بیان کنید.

۴۵- مراد از «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» چیست؟

۴۶- معنای «وَالْعَصْرِ» را با توجه به روایت امام صادق علیه السلام بیان نمایید.

۴۷- تفاوت سیره حضرت با سیره سایر انبیاء و ائمه علیهم السلام در برخورد با دشمنان با توجه به روایت امام صادق علیه السلام چیست؟

۴۸- در چه صورتی حق و باطل مشتبه شده و پایبندی به حق مشکل خواهد بود؟

۴۹- تعبیر «تَوَاصَوْا» در شرائط بحرانی حق و باطل، بیانگر چه موضوعی است؟

۵۰- مشکلی که ممکن است در دوران غیبت دامنگیر منتظران ظهور گردد چیست؟ راه چاره کدام است؟

۵۱- رجعت را به طور دقیق تعریف نمایید.

۵۲- دلالت آیه ۸۳ سوره نمل را بر رجعت تبیین نمایید.

۵۳- وقوع رجعت در آخرالزمان را با توجه به وقوع آن در اقوام گذشته اثبات نمایید.

۵۴- امام رضا علیه السلام در پاسخ مامون در مورد رجعت چه فرمودند؟

۵۵- مهم ترین اثر تربیتی اعتقاد به رجعت چیست؟

۵۶- با توجه به ماجرای حضرت موسی و حضرت خضر علیهما السلام لغو نبودن عقیده به امام غائب را بیان کنید.

۵۷- آیا ممکن است عده ای از منتظران حضرت، با وی به مخالفت برخیزند بدون این که دلبستگی به دنیا داشته باشند؟ چرا؟

۵۸- مراد از «خطر ارتداد هنگام ظهور» چیست؟

۵۹- آیا عمر طولانی از منظر قران امری ممکن است؟

۶۰- چگونه می توان امکان جوان ماندن امام زمان علیه السلام را با آیات قران تبیین نمود؟



## منابع و ماخذ:

قران مجيد

نهج البلاغه

مفاتيح الجنان

آلوسی، سيد محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق

ابن ابی زینب نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق

ابن کثیر، اسماعیل بن منصور، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب الاسلامیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق

ابن هشام، ابو بکر عبد الملک، السیره النبویه، بیروت-لبنان، دار المعرفه،

ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبد الله بن احمد، معرفه الصحابه، ریاض، دارالوطن، ۱۴۱۹ق

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق

ایجی، میر سید شریف، شرح المواقف، قم، الشریف الرضی، ....

باقلانی، محمد بن الطیب، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، لبنان، موسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۷ق

بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق

بخاری، ابی عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، صحیح بخاری، بیروت-لبنان، دار الکتب الاسلامیه منشورات محمد علی

بیضون، ۱۴۱۹ق

بنیاد فرهنگي حضرت مهدی و مرکز تخصصی مهدویت، فصل نامه تخصصی انتظار، قم،

تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، الشریف الرضی، .....

حرم عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، قم، آل البيت، ١٤٠٩ق

حسكاني، عبيدالله بن احمد، شواهد التنزيل، تهران، وزارت ارشاد اسلامي، ١٤١١ق

حكيم، محمد تقى بن محمد سعيد، الاصول العامه فى الفقه المقارن، قم، مجمع جهانى اهل بيت عليهم السلام،

حلّى، حسن بن يوسف بن مطهر، كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد (تحقيق آيه الله سبحانه)، قم، موسسه امام صادق عليه السلام، ١٣٨٢ش

-----  
كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد (تحقيق آيت الله حسن زاده آملی)، قم، جامعه مدرسين،  
١٤١٣ق

راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات، بيروت-لبنان، دارالمعرفه، ١٤١٢ق

رضوانى، على اصغر، شيعه شناسى وپاسخ به شبهات، تهران، سازمان حج وزيارت،.....

سبحانى، شيخ جعفر، رساله فى التحسين و التقيح العقليين، قم، موسسه امام صادق عليه السلام، ١٤٢٠ق

سيوطى، جلال الدين، تفسير الدر المنثور، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق

شبلنجى، مؤمن بن حسن، نور الابصار، بيروت، دار الجيل، ١٤٠٩ق.

شهيد ثانى، زين الدين بن على، حقائق الايمان، قم، كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، ١٤٠٩ق

صدوق، محمد بن على بن الحسين بن بابويه قمى، كمال الدين، تهران، اسلاميه، ١٣٩٥ق

-----  
علل الشرايع، قم، كتاب فروشى داورى، ١٣٨٥ق

-----  
من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٣ق

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق

طباطبائى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٧ق

طبرانى، ابوالقاسم سليمان بن احمد، المعجم الكبير، بيروت-لبنان، دار احياء التراث العربى، ١٤٣٠ق

طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٢ش

طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على اهل اللجاج، مشهد، مرتضى، ١٤٠٣ق

طوسى، محمد بن حسن، كتاب الغيبه للحجه، قم، دارالمعارف الاسلاميه، ١٤١١ق

طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، علمیه، ۱۳۸۰ق

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق

فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، تهران، الصدر، ۱۴۱۵ق

قاضی زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی، قم، حاذق، ۱۳۷۹ش

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش

قشیری نیشابوری، ابی الحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت-لبنان، دار الکتب الاسلامیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ق

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق

کنجی شافعی، ابی عبدالله محمد، البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان، بیروت، دار المحججه البیضاء، ۱۴۲۱ق

کورانی و همکاران، علی، معجم احادیث الامام المهدی، قم، المعارف السلامیه، ۱۴۱۱ق

متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۱ق

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، نشر کتاب، ۱۳۶۰ش

معرفت محمد هادی، تلخیص التمهید، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹ش

مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش

موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ش

میرجهانی طباطبائی، سید حسن، مصباح البلاغه فی مشکاه الصیغه، بی جا، مولف، ۱۳۴۶ش

يعقوبى، احمد بن ابي يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، بيتا

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

